



UNITED NATIONS
Office on Drugs and Crime

unicef 
unite for children



کتاب راهنمای برنامه‌های عدالت ترمیمی

دوره کتاب‌های راهنمای عدالت کیفری

ترجمه فارسی

کتاب راهنمای برنامه‌های عدالت ترمیمی

مترجم: عزیزاله سمیعی

دوره کتاب‌های راهنمای عدالت کیفری

چاپ اول - پاییز ۱۳۹۰

ناشر: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)

صفحه آرایی و اجرا: شرکت تبلیغاتی استیلا (شیلا داداشیان)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش دفتر یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) در جمهوری اسلامی ایران ترجمه و چاپ شده و کلیه حقوق آن محفوظ و متعلق به یونیسف ایران است. هرگونه برداشت، نقل قول و استفاده از این کتاب با ذکر منبع بلامانع است.
«خرید و فروش این کتاب ممنوع است»

دیباچه

این کتاب راهنما توسط ایون دندوراند (Yvon Dandurand) مدیر تحقیقات دانشگاه فریزر ولی (Fraser Valley) کانادا و استادیار مرکز اصلاح قانون کیفری و سیاست عدالت کیفری و کورت تی گریفیتز (Kurt T. Griffiths) استاد دانشکده جرم شناسی دانشگاه سیمون فریزر کانادا برای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

این کتاب راهنما در جلسه گروهی از کارشناسان که از سی ام تا سی و یکم ژانویه ۲۰۰۶ در دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در وین برگزار شده بود مورد بازبینی قرار گرفت. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد بدینوسیله از همکاری کارشناسانی که در این جلسه شرکت داشتند و نامشان در زیر می آید سپاسگزاری می کند: ایوو آرتسن (Ivo Aertsen) هاضم علی (Hazem Aly) الیاس کارانزا (Elias Carranza) بوربالا فلجی (Borbala Fellegi) کیتیپونگ کیتایاراک (Kittipong Kittayarak) پال مک کولد (Paul McCold) چینو اوبیاگوو (Chino Obiagwu) کریستا پلیکان (Christa Pelikan) آن اسکلتون (Ann Skelton) آدام استاپلتون (Adam Stapleton) پاول استرن (Pavel Stern) دانیل فان نس (Daniel van Ness) و مارتین رایت (Martin Wright).

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد همچنین مایل است از حمایت دولت کانادا در شکل گیری این کتاب سپاسگزاری نماید.

در خاتمه باید ذکر شود که مرکز بین المللی اصلاح قانون کیفری و سیاست عدالت کیفری پشتیبان مهم تلاش های دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در حوزه عدالت ترمیمی بوده است.

ترجمه فارسی این کتاب به منزله ترجمه رسمی سازمان ملل متحد محسوب نمی شود.

فهرست مندرجات

۱	مقدمه
۵	۱- عدالت ترمیمی
۶	۱-۱ تعاریف مفاهیم کلیدی
۷	۱-۲ خصوصیات برنامه‌های عدالت ترمیمی
۸	۱-۳ فرضیات زیربنایی
۸	۱-۴ ارزش‌ها و آرمان‌های فرآیند
۹	۱-۵ اهداف
۱۳	۲- استفاده از نگرش‌های ترمیمی
۱۴	۲-۱ انواع اصلی برنامه‌ها
۱۵	۲-۲ تنوع در برنامه‌های عدالت کیفری
۱۷	۲-۳ میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار
۲۰	۲-۴ همایش گروه خانواده و جامعه
۲۲	۲-۵ حلقه صدور حکم
۲۶	۲-۶ برنامه‌های ترمیمی برای نوجوانان بزه‌کار
۲۹	۲-۷ محاکم دادرسی بومی و عرفی
۳۳	۳- اصول و ضمانت‌ها
۳۳	۳-۱ اصول بنیادین استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری
۳۶	۳-۲ نمونه رهنمودها و محتوای آنها
۳۹	۴- از اصول تا عمل: اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی
۴۰	۴-۱ نگرش‌های راهبردی
۴۲	۴-۲ طراحی برنامه و اجرا
۵۰	۴-۳ تامین نیاز به وضع قانون
۵۱	۴-۴ تمهیدات مربوط به وضع قانون
۵۳	۴-۵ رهبری، سازمان، و ساختار برنامه
۵۴	۴-۶ جلب حمایت سازمان‌های عدالت کیفری
۵۶	۴-۷ بسیج جامعه

۵۹	۵- پویایی های مداخلات عدالت ترمیمی
۵۹	۵-۱ شرکت کنندگان در فرآیند عدالت ترمیمی
۶۶	۵-۲ انواع فرآیندها در برنامه های عدالت ترمیمی
۶۶	۵-۳ احتیاطها
۷۰	۵-۴ رسیدگی به موانع بالقوه

۷۱	۶- اجرای برنامه
۷۱	۶-۱ زمینه اجرای موفق یک برنامه
۷۲	۶-۲ استفاده از اختیارات پلیسی، دادستانی و قضایی
۷۳	۶-۳ ترویج ارجاع های مناسب به یک برنامه
۷۵	۶-۴ نقش سازمان های مردم-نهاد و جامعه مدنی
۷۶	۶-۵ دست آوردهای برنامه
۷۷	۶-۶ نظارت بر حسن اجرای برنامه
۷۸	۶-۷ خدمات پشتیبان برنامه
۷۸	۶-۸ روابط عمومی و روابط با رسانه ها

۸۱	۷- پایش و ارزیابی برنامه
۸۱	۷-۱ نیاز به پایش و ارزیابی برنامه
۸۲	۷-۲ چالش های ارزیابی برنامه های عدالت ترمیمی
۸۴	۷-۳ سنجش تاثیر برنامه ها بر تکرار جرم
۸۵	۷-۴ نتایج ارزیابی ها و شواهد ظهور بهترین رویه ها


۸۹ نتیجه گیری

۹۱ مآخذ و منابع کتاب شناختی

پیوست ها

۹۷	پیوست ۱: منابع مفید در پایگاه های اینترنتی
۹۹	پیوست ۲: اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری
۱۰۳	پیوست ۳: اختلاف نظرها و عدم توافق ها در مورد ویژگی های اساسی یک برنامه عدالت ترمیمی

مقدمه



این کتاب راهنمای یکی از سری ابزارهای سودمندی است که توسط دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد برای حمایت از کشورها در حکم فرما کردن قانون و توسعه اصلاحات عدالت کیفری تهیه شده است. این کتاب می تواند به عناوین مختلف، از جمله به عنوان بخشی از کمک فنی و پروژه های ظرفیت سازی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد به کار رود. این کتاب خواننده را با برنامه ها و فرآیندهای عدالت ترمیمی آشنا می کند. در همین راستا، کتاب دیگری با عنوان راهنمای اصول بنیادین و رویه های موفق در زمینه جایگزین های زندان توسط دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

کتاب راهنمای حاضر، به صورت مرجعی سریع، خلاصه ای از ملاحظات کلیدی برای اجرای پاسخ های مشارکتی به جرم مبتنی بر نگرش عدالت ترمیمی ارائه می دهد. تمرکز کتاب روی رشته ای از اقدامات و برنامه های ملهم از ارزش های عدالت ترمیمی است که در قیاس با نظام های عدالت کیفری انعطاف پذیرند و ضمن عنایت به شرایط متغیر قانونی، اجتماعی و فرهنگی مکمل آنها نیز هستند. این کتاب برای استفاده مسئولین عدالت کیفری، سازمان های مردم نهاد، و گروه های اجتماعی که همراه با هم برای بهبود پاسخگویی های فعلی به جرم و مخاصمه ها در جامعه خود فعالیت می کنند، تهیه شده است. مطالب ارائه شده در این کتاب راهنما خطاب به شماری از مخاطبین مختلف است. از این رو ممکن است هر مخاطبی برخی از بخش های آن را جالب تر و به موضوع مرتبط تر از بخش های دیگر بیابد.

اعلامیه وین در زمینه جرم و عدالت: رسیدگی به چالش‌های قرن بیست و یکم (۲۰۰۰) مشوقی شد برای «تدوین سیاست‌ها، رویه‌ها، و برنامه‌های عدالت ترمیمی که حقوق، نیازها و منافع قربانیان، بزه‌کاران، جوامع و تمام طرف‌های دیگر را رعایت می‌کند».^۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای در ماه اوت ۲۰۰۲ از کشورهای عضو در حال پیاده‌سازی عدالت ترمیمی می‌خواهد از مجموعه‌ای از اصول بنیادین مربوط به استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری که توسط گروهی کارشناس تدوین گردیده است (که از این به بعد اصول بنیادین نامیده می‌شود) بهره‌گیرند (پیوست ۲ را ببینید). اعلامیه یازدهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیش‌گیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران در سال ۲۰۰۵ کشورهای عضو را به شناسایی اهمیت اتخاذ بیش از پیش سیاست‌ها و رویه‌ها و طراحی برنامه‌های عدالت ترمیمی که شامل جایگزین‌هایی برای پیگرد قضایی باشند، ترغیب کرد.^{۲،۳}

برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توانند برای کاهش بار نظام عدالت کیفری، رسیدگی به پرونده‌ها خارج از نظام رسمی کیفری (قضازدایی)، و به عنوان یکسری مجازات‌های سازنده در این نظام به کار آیند.

این کتاب می‌کوشد درس‌های فراگرفته شده در طول اجرا و ارزیابی مدل‌ها و برنامه‌های مختلف جدید را به صورت مدون درآورد. این کتاب بحث را در قالب یک چارچوب هنجاری بین‌المللی در حال ظهور برای تدوین برنامه‌های مشارکتی و عدالت ترمیمی قرار می‌دهد، اما زبانی تجویزی ندارد. مقصود اصلی آن کمک به مجریان برنامه‌های مشارکتی و عدالت ترمیمی در اتخاذ تصمیم آگاهانه در باره طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها است.

اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، به عنوان مکملی برای نظام عدالت کیفری، با تدوین پادمان‌هایی برای شرکت‌کنندگان و تلاش‌هایی برای به حداکثر رساندن دست‌آوردهای ترمیمی و پیشگیری از جرم همراه بود. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که شامل مجموعه اصول بنیادین مربوط به استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری بود. این اصول، راهنمودهای مهمی به سیاست‌گذاران، سازمان‌های اجتماعی و مسئولین عدالت کیفری دست‌اندرکار تدوین پاسخ عدالت ترمیمی به جرم‌ها در جامعه خود ارائه می‌دهند. این اصول بنیادین که مبنای کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند در پیوست ۲ چاپ شده‌اند. این کتاب راهنما هفت بخش دارد.


1-The Vienna Declaration on Crime and Justice: Meeting the Challenges of the Twenty-first Century, 10th United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Vienna, 10-17 April 2000, A/CONF. 184/4/Rev. 3, para. 29

2-The Bangkok Declaration—Synergies and Responses: Strategic Alliances in Crime Prevention and Criminal Justice, 11th United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Bangkok, 18-25 April 2005, para. 32

3-Note also that, in 2001, the European Union issued a framework decision stating that member states should promote mediation in criminal cases and bring into force their legal instruments by 2006. See. European Union Council Framework Decision of 15 of March 2001 on the Standing of Victims in Criminal Proceedings, Article 10

بخش نخست، مفاهیم مربوطه اصلی و همچنین ارزش‌ها و اهداف عدالت مشارکتی و ترمیمی را مرور می‌کند. بخش دوم به استفاده از برنامه‌های ترمیمی می‌پردازد، در حالیکه تمرکز بخش سوم روی چارچوب هنجاری برای اینگونه برنامه‌ها است. سروکار دیگر بخش‌ها با جنبه‌های مختلف اجرای موفقیت‌آمیز یک برنامه عدالت ترمیمی است. این بخش‌ها به ترتیب به طرح و اجرای برنامه‌ها، عملیات برنامه‌ها و بسیج نهادهای جامعه، و موضوعات و یافته‌ها در ارزیابی برنامه‌ها می‌پردازند. تاکید آنها روی ارائه اطلاعات و مراجعه به مثال‌هایی است که در تدوین برنامه‌های جدید در چارچوب‌های اجتماعی، فرهنگی و قانونی مختلف مفید خواهند بود.

۱- عدالت ترمیمی



در بسیاری از کشورها، ناخرسندی و ناامیدی از نظام دادرسی رسمی و یا بروز دوباره گرایش به حفظ و تقویت قواعد عرفی و به کار بستن روش‌های عدالت سنتی منجر به بروز درخواست‌هایی برای پاسخ‌های جایگزین به جرم‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی شده است. بسیاری از این پاسخ‌های جایگزین فرصت مشارکت در حل اختلاف و رسیدگی به پیامدهای آن را به طرفین درگیر، و غالباً جامعه پیرامون نیز می‌دهد. برنامه‌های عدالت ترمیمی بر این عقیده استوار است که طرف‌های یک دعوی باید فعالانه در حل و فصل آن و کاهش پیامدهایش مشارکت داشته باشند. در بعضی موارد، این برنامه‌ها به اراده‌ای برای رجوع به تصمیم‌گیری محلی و استفاده از ظرفیت‌های اجتماع تکیه دارند. به این رویه‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تشویق بیان مسالمت‌آمیز اختلاف، ترویج مدارا و مشارکت همگانی، ایجاد احترام به تفاوت‌ها و ترویج رویه‌های اجتماعی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری نیز نگاه می‌شود.

شیوه‌های نو و رایج عدالت ترمیمی وسایل مطلوبی برای حل اختلافات در اختیار جوامع قرار می‌دهند. این شیوه‌ها، همه کسانی را که از اختلاف پدید آمده، جدا نبوده و بلکه مستقیماً درگیر یا تحت تاثیر آن هستند وارد کار می‌کند. مشارکت جامعه در این فرآیند دیگر انتزاعی نیست، بلکه بسیار مستقیم‌تر و عینی‌تر است. این رویه‌ها به‌ویژه مناسب وضعیت‌هایی هستند که طرفین دعوی داوطلبانه مشارکت دارند و هر یک از آنها از ظرفیت لازم برای ورود کامل و سالم به روند گفتگو و مذاکره برخوردارند. این کتاب راهنما روی برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفی تمرکز دارد، اما باید توجه کرد که از فرآیندهای ترمیمی در رسیدگی و حل مناقشات در زمینه‌ها و محیط‌های مختلف دیگر، از جمله مدارس و محیط کار، نیز می‌توان استفاده کرد.

فکر دخالت دادن جامعه [در حل و فصل اختلافات] در بسیاری از کشورها از موافقت عمومی برخوردار است.^۴ شیوه‌های عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورهای در حال رشد از طریق رسوم سنتی و قواعد عرفی انجام می‌گیرد. ممکن است این نگرش‌ها با انجام چنین اقداماتی به تقویت ظرفیت نظام دادرسی موجود کمک کند. به هر حال یکی از چالش‌های بنیانی موجود در برابر عدالت مشارکتی، ضمن حمایت از حقوق و منافع قربانیان و بزه کاران، یافتن راه‌های بسیج موثر جامعه مدنی برای مشارکت است.

فرآیند ترمیمی

تعریف: فرآیند ترمیمی، هر فرآیندی است که در آن قربانی و بزه کار، و در صورت اقتضا، هریک از افراد یا اعضای دیگر جامعه که جرم بر آنها اثر گذاشته، در حل موضوعات ناشی از جرم بطور موثر و معمولاً بکمک یک تسهیل‌گر، با یکدیگر مشارکت می‌کنند.

عدالت ترمیمی نگرشی است در جهت حل مسائل که در اشکال مختلف خود قربانیان، بزه کاران، شبکه‌های اجتماعی آنان، دفاتر قضایی و جامعه را وارد کار می‌کند. برنامه‌های عدالت ترمیمی بر این اصل اساسی استوار است که رفتار مجرمانه نه تنها تخطی از قانون است، بلکه به قربانی و جامعه نیز آسیب می‌رساند. هر تلاشی برای رسیدگی به نتایج رفتار مجرمانه، در صورت امکان، باید در برگیرنده بزه کار و طرف‌های آسیب‌دیده باشد و در ضمن کمک و حمایت مورد نیاز آسیب‌دیده و بزه کار را هم فراهم کند.

عدالت ترمیمی به فرآیند رسیدگی به جرم با تمرکز روی جبران آسیب وارده به قربانیان، مسئولیت‌پذیر کردن بزه کاران نسبت به کردارهایشان، و همچنین در غالب اوقات، دخالت دادن جامعه در حل آن دعوی اطلاق می‌شود. مشارکت طرف‌ها بخش ضروری این فرآیند است که بر رابطه‌سازی، مصالحه و ایجاد توافق میان قربانیان و بزه کار پیرامون نتیجه‌ای مطلوب تاکید می‌کند. فرآیندهای عدالت ترمیمی را می‌توان با چارچوب‌های متنوع فرهنگی و نیازهای جوامع مختلف سازگار کرد. در این شیوه‌ها قربانیان، بزه کاران و جامعه هریک بخشی از کنترل را بدست دارند. به علاوه، خود فرآیند اغلب می‌تواند رابطه بین جامعه و نظام دادرسی را، به‌عنوان یک کلیت، دگرگون کند.

۱-۱ تعاریف مفاهیم کلیدی

عدالت ترمیمی یک شیوه پاسخگویی به رفتار مجرمانه از راه ایجاد توازن بین نیازهای جامعه، قربانیان و بزه کاران است. این یک مفهوم در حال ظهور است که به شکل‌گیری تعبیرهای مختلف در کشورهای مختلف دامن زده و روی هیچ یک از این تعبیرها اتفاق نظر کاملی وجود ندارد. همچنین به دلیل وجود مشکلاتی در ترجمه دقیق این مفهوم به زبان‌های مختلف، غالباً مجموعه گوناگونی از واژه‌ها به کار می‌رود.

از عبارتهای متعددی برای تعریف جنبش عدالت ترمیمی استفاده می‌شود. در این بین می‌توان به عبارتهای «عدالت جامعه محور»^۵، «اصلاح کردن»^۶، «عدالت مثبت»^۷، «عدالت رابطه‌ای»^۸، «عدالت اصلاحی»^۹، «عدالت جامعه‌ای»^{۱۰} و «عدالت ترمیمی»^{۱۱} اشاره کرد.

4-Faget, 2003, p. 39
5-Communitarian justice
6-Making amends
7-Positive justice
8-Relational justice

9-Reparative justice
10-Community justice
11-Restorative justice
12-Miers, 2001, p. 88

عبارت «برنامه‌های عدالت ترمیمی» در این کتاب راهنما به همان معنی مورد استفاده قرار گرفته که در اصول بنیادین آمده است، یعنی: «هر برنامه‌ای که از فرآیندهای ترمیمی استفاده می‌کند و در پی رسیدن به دست‌آوردی ترمیمی است.» تاکید در این تعریف به وضوح روی فرآیندهای ترمیمی است که برای رسیدن به نتایج مطلوب طراحی شده‌اند. «فرآیند ترمیمی» به‌عنوان «فرآیندی که در آن قربانی، بزه‌کار، و در صورت اقتضا هر یک از افراد یا اعضای دیگر جامعه که جرم بر آنها اثر گذاشته، برای حل موضوعات ناشی از جرم به‌طور موثر و معمولاً به کمک یک تسهیل‌گر با یکدیگر مشارکت می‌کنند» تعریف شده است. عدالت ترمیمی برای روند کار، درست به اندازه ما حاصل آن اهمیت قایل است. به افراد دست‌اندرکار این فرآیند لفظ «طرف‌ها» اطلاق می‌شود. در اروپا و در بسیاری از نقاط دیگر دنیا این فرآیند را اغلب با استفاده از تکنیک مشترک در غالب مدل‌ها، یعنی میانجی‌گری که متمایز از قضاوت قانونی است، به کار می‌گیرند.^{۱۳}

برنامه عدالت ترمیمی

تعریف: «برنامه عدالت ترمیمی» یعنی هر برنامه‌ای که از فرآیندهای ترمیمی استفاده می‌کند و به دنبال رسیدن به دست‌آوردهای ترمیمی است.

طبق «اصول بنیادین»، «دست‌آورد ترمیمی» توافقی است که در نتیجه یک فرآیند ترمیمی حاصل می‌شود. این توافق ممکن است شامل ارجاع به برنامه‌هایی مثل پرداخت غرامت، جبران خسارت، و خدمات اجتماعی شود که «هدفشان رفع نیازها و مسولیت‌های فردی و جمعی طرفین و آشتی بین قربانی و بزه‌کار است». در جرایم جدی ممکن است این توافق با اقدامات دیگری نیز همراه شود.

فرآیند ترمیمی

تعریف: فرآیند ترمیمی، هر فرآیندی است که در آن قربانی و بزه‌کار، و در صورت اقتضا، هر یک از افراد یا اعضای دیگر جامعه که جرم بر آنها اثر گذاشته، در حل موضوعات ناشی از جرم به‌طور موثر و معمولاً به کمک یک تسهیل‌گر، با یکدیگر مشارکت می‌کنند.

۱-۲ خصوصیات برنامه‌های عدالت ترمیمی

نکات زیر ویژگی‌های برنامه‌های عدالت ترمیمی را در بر دارند:

- پاسخی انعطاف‌پذیر به شرایط جرم، بزه‌کار و قربانی که امکان رسیدگی انفرادی به هر پرونده را فراهم می‌کند؛
- پاسخی به جرم که به کرامت و برابری هر فردی احترام می‌گذارد، ایجاد تفاهم می‌کند و با مرهم نهادن بر درد قربانیان و اصلاح بزه‌کاران و جوامع موجب ارتقای همزیستی اجتماعی می‌شود؛
- در بسیاری از موارد، جایگزینی مناسب برای نظام عدالت کیفری رسمی و اثرات بدنام‌کننده آن بر بزه‌کاران است؛
- نگرشی که می‌تواند همراه با فرآیندهای عدالت کیفری و مجازات‌های سنتی به کار رود؛
- نگرشی که حل مسئله و رسیدگی به علل واقعی بروز اختلاف را در هم ادغام می‌کند؛
- نگرشی که به آسیب‌ها و نیازهای قربانیان توجه می‌کند؛
- نگرشی که بزه‌کار را تشویق می‌کند تا به گونه معناداری نسبت به علل و پیامدهای ناشی از رفتارش واقف گردد و مسولیت آن را بپذیرد؛

13-See: Council of Europe (1999). Recommendation No. RR (99) 19 of the Committee of Ministers to Member States Concerning Mediation in Penal Matters

- نگرشی انعطاف‌پذیر و متغیر که می‌تواند با شرایط، سنت‌های حقوقی، اصول و فلسفه‌های زیربنای نظام‌های ملی عدالت کیفری رایج سازگار شود؛
- نگرشی که برای رسیدگی به انواع بسیار گوناگون جرم‌ها و بزه‌کاران، و از جمله بسیاری از جرم‌های جدی مناسب است؛
- پاسخی به جرم که به‌ویژه مناسب موقعیت‌هایی است که کودکان بزه‌کار در آن درگیر هستند و هدف عمده در این نوع مداخله، آموزش ارزش‌ها و مهارت‌های جدید به بزه‌کاران است؛
- پاسخی که نقش جامعه را به‌عنوان حوزه مقدم پیشگیری و پاسخ به جرم و بی‌نظمی اجتماعی به‌رسمیت می‌شناسد.

۱-۳ فرضیات زیربنایی

برنامه‌های عدالت ترمیمی مبتنی بر چند فرض بنیانی هستند: (الف) پاسخ به جرم باید تا جای ممکن آسیبی را که قربانی متحمل شده جبران کند؛ (ب) به بزه‌کاران باید تفهیم شود که رفتارشان مناسب نبوده و عواقب ناگوار جدی برای قربانی و جامعه به‌همراه داشته است؛ (ج) بزه‌کاران می‌توانند و باید مسئولیت عمل خود را قبول کنند؛ (د) قربانیان باید فرصتی برای ابراز نیازهای خود و مشارکت در تعیین بهترین راه جبران توسط بزه‌کار داشته باشند؛ و (ها) در این فرآیند جامعه نیز مسئولیتی دارد که باید آن را انجام دهد.

۱-۴ ارزش‌ها و آرمان‌های فرآیند

برای اینکه یک فرآیند ترمیمی کامل به هدف‌هایش نایل شود باید چهار عنصر موجود باشد: (الف) یک قربانی قابل شناسایی؛ (ب) مشارکت داوطلبانه قربانی؛ (ج) یک بزه‌کار که مسئولیت رفتار مجرمانه خود را می‌پذیرد؛ و (د) مشارکت غیر اجباری بزه‌کار. اغلب برنامه‌های ترمیمی در تلاش‌اند تا به یک تعامل پویای خاصی در بین طرف‌های درگیر دست یابند. هدف، ایجاد محیطی غیر تخصصی و به‌دور از تهدید است که بتوان در آن به منافع و نیازهای قربانی، بزه‌کار، جامعه و اجتماع رسیدگی کرد.

ارزش‌های فرآیند

- مشارکت و توانمندسازی شرکت‌کنندگان
- احترام به همه شرکت‌کنندگان
- ترجیح نتایج حاصل از اتفاق آرا به نتایج تحمیلی
- تعهد طرف‌ها به نتایج حاصله از طریق فرآیند
- انعطاف‌پذیری و پاسخگویی فرآیند و دست‌آوردهای آن
- توانمندسازی جامعه

هدف‌های برنامه‌های عدالت ترمیمی و دست‌آوردهایی که این برنامه‌ها در پی رسیدن به آنها هستند منجر به شکل‌گیری شماری از ارزش‌ها شده که در هر یک از شکل‌های مختلف عدالت ترمیمی بگونه‌ای متفاوت منعکس است. مشخصه این فرآیند برخورد محترمانه با همه طرف‌ها است. این مشخصه همچنین مشارکت و تا اندازه‌ای متفاوت، توانمندسازی همه شرکت‌کنندگان مربوطه را افزایش می‌دهد. این فرآیند وقتی که شفاف و قابل پیش‌بینی است به بهترین نحو کار

می‌کند و در عین حال به شرایط منحصر به فرد هر پرونده به صورتی انعطاف پذیر پاسخ می‌دهد. فرآیند مزبور نتایج حاصل از اتفاق آرا را به نتایج تحمیلی ترجیح می‌دهد و مایل است در طرف‌های دعوی تعهدی حقیقی برای تحقق توافقی که به آن رسیده‌اند، مشاهده کند.

آرمان‌های این فرآیند عبارت است از:

- قربانیانی که با ورود به این فرآیند موافقت می‌کنند بتوانند به سلامت کار خود را انجام دهند و خرسند از آن خارج شوند؛
- بزه‌کاران چگونگی تاثیر عمل خود بر قربانی و دیگران را درک کنند، خود را در قبال عمل خود مسئول بدانند و متعهد به جبران آسیب ناشی از رفتارشان گردند؛
- طرفین بر یکسری اقدامات انعطاف‌پذیر توافق نمایند که بر ترمیم آسیب وارده و نیز در صورت امکان بر رسیدگی به دلایل جرم تاکید می‌کنند؛
- بزه‌کاران به تعهد خود برای ترمیم آسیب وارده عمل کنند و در برطرف کردن عللی که باعث رفتار آنان شده است کوشا باشند؛
- قربانی و بزه‌کار هر دو علل و عواملی را که منجر به بروز آن حادثه شده را درک کنند، احساس کنند که موضوع خاتمه یافته و هر دو به متن جامعه بازگشته‌اند.

۱-۵ اهداف

به‌طور مشخص‌تر، دست‌اندرکاران عدالت ترمیمی روی این نکته اتفاق نظر دارند که آنچه واقعا یک پاسخ خاص به جرم را «ترمیمی» می‌کند چندان هم یک عمل یا فرآیند ویژه‌ای نیست، بلکه بیشتر وفادار ماندن آن به مجموعه گسترده‌ای از هدف‌ها است که مبنای مشترکی برای مشارکت طرفین در پاسخگویی به یک اتفاق مجرمانه و نتایج آن را تشکیل می‌دهد.

هدف‌های برنامه‌های عدالت ترمیمی به شیوه‌های گوناگونی بیان شده‌اند که اساساً شامل عناصر کلیدی زیراند:

(الف) حمایت از قربانی‌ها، فرصت دادن برای شنیده شدن صدای‌شان، تشویق آنان به بیان نیازهایشان، توانمند ساختن آنان به شرکت در روند حل مسئله، و ارائه کمک به آنها. طی حدود دو دهه اخیر از نظام‌های عدالت کیفری خواسته شده است تا تمرکز مستقیم‌تری روی نیازها و منافع قربانیان داشته باشند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جنایت و سوء استفاده از قدرت را تصویب کرد. در این اعلامیه تصریح شده است که «برای حل اختلافات باید هر جا که اقتضا نماید از سازوکارهای غیر رسمی از جمله میانجی‌گری، حکمیت و عدالت عرفی یا شیوه‌های بومی و محلی برای تسهیل مصالحه و التیام قربانیان استفاده کرد».^{۱۴} اکنون ما بیش از پیش در مورد نیاز قربانیان جرم و شیوه‌هایی که نظام

هدف‌های عدالت ترمیمی

- بازگرداندن نظم و آرامش جامعه و ترمیم روابط آسیب‌دیده
- تقبیح و غیر قابل قبول شناختن رفتار مجرمانه و صحنه گذاشتن بر ارزش‌های جامعه
- حمایت از قربانیان، رساندن صدای آنها، ایجاد امکان مشارکت‌شان و رسیدگی به نیازهایشان
- ترغیب تمامی طرف‌ها، به ویژه بزه‌کاران، به قبول مسئولیت
- شناسایی دست‌آورد‌های ترمیمی و آینده‌نگر
- پیشگیری از تکرار جرم با تشویق به تغییر در هر بزه‌کار و تسهیل بازگشت دوباره آنان به جامعه.

عدالت کیفری می‌تواند این نیازها (مانند: نیاز به اطلاعات، مشارکت، بیان دیدگاه، همدلی، التیام، احیای حس کنترل و امنیت و غیره) را رسیدگی کند، می‌دانیم. در هر حال، گله‌های مکرری وجود دارد مبنی بر اینکه روند عدالت کیفری رسمی نیازها و خواسته‌های بزه‌کاران را نادیده می‌گیرد. در مقابل، روند عدالت ترمیمی اغلب به شکل منحصر به فردی برای رسیدگی به بسیاری از مهم‌ترین نیازهای قربانیان مناسب است.

روند رسمی دادرسی به گونه‌ای طراحی نشده است که به قربانیان اجازه توضیح ماهیت و پیامدهای ناگوار ناشی از جرم را بدهد و صرفاً به طرح پرسش‌هایی از بزه‌کار اکتفا می‌کند. الگوی عدالت ترمیمی از فرآیندی حمایت می‌کند که در آن دیدگاه‌ها و منافع قربانی مورد توجه قرار می‌گیرد، آنان می‌توانند در این فرآیند مشارکت کنند، با آنان منصفانه و محترمانه رفتار می‌شود و می‌توانند خسارت خود را دریافت کنند و التیام یابند. قربانیان با مشارکت در تصمیم‌گیری می‌توانند نظر خود را در تعیین آنچه که در پایان روند رسیدگی نتیجه‌ای قابل قبول خواهد بود ابراز کنند و قدم‌هایی در جهت بسته شدن پرونده بردارند.

(ب) ترمیم روابط آسیب‌دیده از جرم با رسیدن به اتفاق نظر درباره چگونگی بهترین پاسخگویی به آن. در حقیقت اغلب اینطور بحث می‌شود که تمرکز پاسخ نباید صرفاً روی اتفاق مجرمانه، بلکه بیشتر باید روی روابط متأثر یا آسیب‌دیده از جرم باشد. گاه تقویت جامعه می‌تواند از بروز آسیب بیشتر جلوگیری کند. یکی از جنبه‌های کلیدی عدالت ترمیمی آن است که تمرکز پاسخ آن به رفتار مجرمانه روی چیزی بیشتر از صرفاً مجرم و جرم است. ایجاد مصالحه، حل اختلاف، و بازسازی روابط به عنوان نخستین شیوه‌های حصول عدالت و حمایت از قربانی، بزه‌کار و حفظ منافع جامعه نگریسته می‌شود. این پاسخ می‌تواند برای شناسایی علل ریشه‌ای جرم و اتخاذ راهبردهای پیشگیری از جرم نیز به کار رود.

(ج) تقبیح رفتار مجرمانه با غیر قابل قبول دانستن آن و تایید مجدد ارزش‌های جامعه. تقبیح برخی رفتارهای خاص، درست به همان صورت که قرن‌ها هدف اصلی قانون کیفری بوده است، یکی از هدف‌های فرآیند عدالت ترمیمی نیز هست. لیکن نحوه‌های تقبیح رفتار مجرمانه تفاوت دارند. این تقبیح به شیوه‌ای انعطاف‌پذیرتر و نه تنها با در نظر گرفتن قوانین، بلکه با عنایت به شرایط ویژه وقوع جرم، بزه‌کار و قربانی صورت می‌گیرد. تقبیح بجای اینکه هسته مرکزی مداخله باشد باید به‌طور مثبت در فرآیندی گسترده‌تر انجام گیرد. شکل تقبیح و چگونگی انجام آن در طول فرآیند ترمیمی بسیار متفاوت خواهد بود، اما خود تقبیح یک بخش اساسی از فرآیند باقی خواهد ماند. گاهی اوقات، وقتی که ارزش‌های متعلق به یک جامعه که از طریق فرآیند عدالت ترمیمی مورد تصدیق قرار می‌گیرند با اصول مندرج در قوانین موجود هم‌خوانی ندارند، آشکارا بحث‌هایی در می‌گیرد.

(د) تشویق همه طرف‌های درگیر، به ویژه بزه‌کاران، به مسئولیت‌پذیری. فرآیند ترمیمی یعنی اینکه بزه‌کاران، مسئولیت رفتار خود و عواقب آن را آسان‌تر بپذیرند. فرآیند ترمیمی از ارزیابی صرف قصور قانونی به سمت تلاش برای تعیین مسئولیت در یک دعوی و عواقب آن حرکت می‌کند. آنچه

تشویق می‌شود اقرار فعالانه و پذیرش مسئولیت شخصی در ارتکاب جرم و عواقب آن به جای پذیرش منفعلانه محض است که دیگران تحمیل می‌کنند. دیگرانی که در جرم یا ایجاد شرایط منجر به وقوع آن نقشی داشته‌اند نیز ترغیب می‌شوند تا مسئولیت خود در حادثه را بپذیرند. تاثیر این کار گسترش فرآیند به چیزی فراتر از حادثه، قربانی و بزه کار است. تعیین شیوه‌ای که این مسئولیت در آن منتهی به عمل، و به ویژه عذرخواهی و جبران مافات، می‌شود به وسیله خود فرآیند تعیین می‌شود نه با کاربرد قهری برخی مقررات قانونی کلی. این فرآیند در بهترین حالت خود نه تنها می‌تواند بزه کار را به قبول مسئولیت هدایت کند بلکه می‌تواند در او باعث تجربه شناخت و دگرگونی احساسی شود و رابطه‌اش با جامعه و، با توجه به شرایط خاص، رابطه‌اش با قربانی و خانواده قربانی را بهبود بخشد.

(ها) شناسایی دست‌آوردهای ترمیمی و آینده‌نگر. نگرش‌های ترمیمی بیشتر از آن که روی قوانین نقض شده و مجازاتی که باید اعمال شود تاکید کنند اصولاً به تمرکز روی اشخاص آسیب دیده تمایل دارند. فرآیند عدالت ترمیمی الزاماً همه شکل‌های مجازات (از جمله جریمه، حبس، و مراقبت و نظارت بر رفتار) را مردود نمی‌داند، اما تمرکز آن قویاً روی دست‌آوردهای ترمیمی و آینده‌نگر است. دست‌آورد ترمیمی در پی ترمیم آسیب ناشی از جرم با فراهم کردن فرصتی برای بزه کار به منظور جبران معنادار کرده خود است. عدالت ترمیمی مبتنی بر رابطه و به دنبال دست‌آوردهایی است که موجب رضایت گروه گسترده‌ای از ذی‌نفعان شود.

(و) کاهش تکرار جرم با ترغیب به تغییر در افراد بزه کار و تسهیل بازگشت دوباره آنان به جامعه. رفتار گذشته بزه کاران و عواقب آن و همین‌طور رفتار آینده بزه کاران به وضوح یکی از نکات مورد توجه فرآیند ترمیمی است. تعهد یک بزه کار تا آنجا که به رفتار آینده‌اش مربوط می‌شود، معمولاً بخشی اساسی از توافقی است که طی یک فرآیند میانجی‌گرانه یا سایر روندهای ترمیمی حاصل می‌شود. هدف قانونی این فرآیند، دگرگونی یا «اصلاح» بزه کار در یک فرآیند ترمیمی و همچنین کاهش تکرار جرم است. آشکار است که غرض از اصرار ورزی بر این که بزه کاران مسئولیت خود را درک کنند و آنرا بپذیرند حصول اطمینان از اثرگذاری آن بر رفتار آینده آنان است. برداشت این است که نهادهای اجتماعی و قانونی در این فرآیند دارای نقشی هستند و باید آنرا ایفا کنند.

(ز) شناسایی عواملی که منجر به وقوع جرم می‌شوند و آگاه کردن مقامات مسئول اتخاذ راهبردهای کاهش جرم. فرآیند ترمیمی فرآیندی باز است که از بحث صادقانه درباره پیشینه جرم به هدف تشریح آن به جای بهانه تراشی پشتیبانی می‌کند. اگر برای مثال، روشن شود که بزه کاران اغلب از نقاطی با کمبودهای خاص می‌آیند، می‌توان اقداماتی برای حل این مشکل اتخاذ کرد. این بخش از کتاب اطلاعاتی درباره انواع اصلی برنامه‌های عدالت ترمیمی، از جمله برنامه‌های

۲- استفاده از

نگرش‌های ترمیمی

میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار، گردهمایی گروه اجتماع و خانواده، حلقه صدور حکم و مراقبت و نظارت اصلاحی ارائه می‌دهد. ضمناً این بخش شامل بحثی درباره محاکم دادرسی بومی و عرفی و ویژگی‌های اصلی برنامه‌های عدالت کیفری موجود نیز هست.

آنگونه که در اصول بنیادین تاکید شده برنامه‌های عدالت کیفری بیشتر مکمل نظام‌های عدالت کیفری موجودند تا جایگزین آنها. یک مداخله ترمیمی می‌تواند در هر مرحله‌ای از فرآیند عدالت کیفری صورت گیرد، هرچند در بعضی موارد ممکن است نیاز به اصلاح قوانین موجود نیز باشد. به‌طور کلی در یک نظام کیفری چهار مرحله وجود دارد که فرآیند عدالت ترمیمی می‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیزی آغاز شود: (الف) در سطح پلیس (قبل از اتهام)؛ (ب) در سطح دادستان (بعد از اتهام، اما معمولاً قبل از محاکمه)؛ (ج) در سطح دادگاه (چه در مراحل قبل از محاکمه و چه در هنگام محکومیت)؛ و (د) اصلاح و تربیت (به‌عنوان جایگزین حبس، به‌عنوان بخشی از یک مجازات غیر حبسی یا علاوه بر آن دوران حبس، و یا به‌محض آزادی از زندان). در بعضی از کشورها مداخله ترمیمی به موازات تعقیب قضایی نیز میسر است. مثلاً در بلژیک می‌توان هنگامی که دادستان عمومی تصمیم به تعقیب قضایی مظنون گرفته است از میانجی‌گری استفاده کرد.^{۱۵} در هریک از این مراحل چهارگانه می‌توان فرصتی برای مسئولین فراهم کرد تا با استفاده از اختیارات خود بزه‌کار را به یک برنامه عدالت ترمیمی ارجاع دهند (به شکل یک نگاه کنید).

15-See: the Belgian Mediation for Redress Programme which focuses on more serious crimes. The mediation is carried out by an independent mediator and when an agreement is reached, this can be added to judicial file (of the offender and can be considered as part of the sentencing process. (Aertsen, et al., 2004: 24

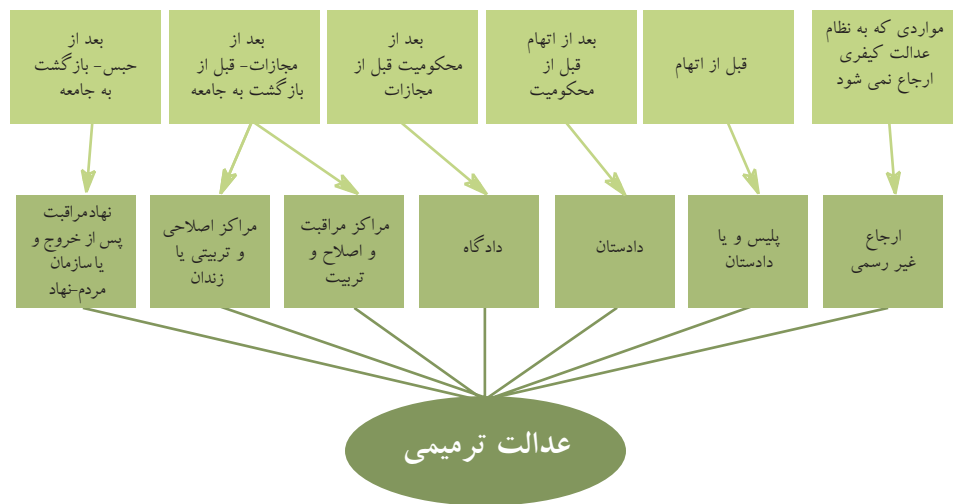
در بعضی موارد در وهله نخست به جای طرح پرونده یک جرم یا مخاصمه در نظام عدالت کیفری می‌توان به رسیدگی ترمیمی اقدام کرد. این امر برای مثال، در برنامه‌های مدارس که از میانجی‌گری یا سایر فرآیندهای ترمیمی برای رسیدگی به مشکلات رفتاری کوچک در محیط مدرسه استفاده می‌کنند، مصداق دارد. برنامه‌های ترمیمی می‌توانند در مراکز میانجی‌گری محله‌ها هم مورد استفاده قرار گیرند.

افسران پلیس هم اغلب بطور غیر رسمی و هنگامی که با ایشان برای مداخله در خیابان، بی‌نظمی‌های جزئی، زد و خوردها یا شرایطی خاص، مثلا در مدارس، تماس می‌گیرند می‌توانند اصول عدالت ترمیمی را در تصمیم‌گیری‌های خود به کار گیرند.

به‌طور کلی، پرونده‌های مربوط به حوادث جدی‌تر در نظام عدالت کیفری بعدا به فرآیند عدالت ترمیمی ارجاع می‌شوند.^{۱۶} یک رویکرد جامع به اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در چارچوب یک نظام ملی، معمولا یک رشته برنامه‌های تدوین شده برای ارجاع در مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری ارائه خواهد کرد.

شکل ۱

برنامه‌های عدالت ترمیمی و نظام عدالت کیفری



۱-۲ انواع اصلی برنامه‌ها

در برنامه‌های موجود تنوع پذیری قابل ملاحظه‌ای هست. این برنامه‌ها رشته گسترده‌ای از فرآیندها را بر مبنای نگرش ترمیمی تشکیل می‌دهند. همین باعث تعبیرهای مختلفی از دعوی و بدست دادن دورنماهای مختلفی درباره چگونگی حل آن می‌شود.^{۱۷}

16-See: Latimer and Kleinknecht, 2000

17-For an international review of justice programmes see Miers, 2001 and for a review of European Programmes, see Miers and Willemsens, 2004

طبقه‌بندی‌های اصلی برنامه‌ها عبارتند از: (الف) میانجی‌گری میان قربانی و بزه‌کار؛ (ب) جلسات گروه‌مایی خانواده و جامعه؛ (ج) حلقه صدور حکم^{۱۸}؛ (د) حلقه‌های ایجاد مصالحه^{۱۹}؛ و (ها) نظارت اصلاحی، و شوراها و هیئت‌های اجتماعی. در اینجا ویژگی‌های اصلی هر شکل به صورت مختصر، و در جدول‌های آخر این بخش به شکل خلاصه، ارائه شده‌اند.

۲-۲ تنوع در برنامه‌های عدالت کیفری

ویژگی‌های متنوع برنامه‌های موجود را می‌توان به صورت توالی زنجیره‌ای مشخص کرد (به جدول یک نگاه کنید). برنامه‌های موجود در میزان رسمی بودن؛ در چگونگی ارتباط با نظام عدالت کیفری؛ چگونگی عملیاتی شدن؛ اینکه چقدر طرف‌های مختلف را ترغیب به مشارکت می‌کنند؛ یا هدف‌های عمده‌ای که دنبال می‌کنند، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. چشم انداز مورد نظر این کتاب راهنما توازی است که همواره باید به منظور سازگار شدن با شرایط تدوین یک برنامه (از جمله محدودیت‌های چارچوب قانونی موجود، حمایت اندک از سوی مقامات عدالت کیفری، موانع فرهنگی، حمایت اندک عموم مردم، و وسایل و امکانات محدود) حاصل شود.

در میزان مشارکت مقامات عدالت کیفری در فرآیندهای ترمیمی نیز تنوع قابل ملاحظه‌ای هست. مثلاً نقش مقامات قضایی در حلقه صدور حکم، به استثنای انجام تکالیف رسمی (مانند: خواندن اتهامات توسط دادستان، درخواست قاضی برای حفظ نظم جلسه) محدود است. هنگامی که دادستان‌ها در زمینه جرم‌های قابل تعقیب توصیه‌هایی به دادگاه می‌کنند و از قضات می‌خواهند درباره آنچه که طبق حکم قانون ضروری است تصمیم بگیرند، مقامات در بیشتر موارد به صورت اعضای یک حلقه در می‌آیند و هنگامی که نوبت صحبت ایشان فرا می‌رسد نظرات شخصی خود را درباره جرم، بزه‌کار، و قربانی بیان می‌کنند.

هرچند هیچ توافق کاملی روی اینکه چه چیزی یک نگرش عدالت ترمیمی «صحیح» را تشکیل می‌دهد وجود ندارد، ولی اینها غالباً موضوعاتی هستند که لازم است هنگام طراحی یک برنامه یا راهبرد جدید به دقت انتخاب شوند. برای بحث بیشتر از مناقشات و اختلاف نظرهای موجود پیرامون آنچه که ویژگی‌های اساسی برنامه‌های عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهد به پیوست ۳ مراجعه کنید.

قسمت عمده‌ای از برنامه‌های عدالت ترمیمی توسط سازمان‌های بخش خصوصی اجرا می‌شود. برنامه‌های دیگری هم مانند برنامه‌های دادگاه محور، پلیس محور، و برنامه‌هایی که توسط سازمان‌های غیر انتفاعی انجام می‌گیرند وجود دارد. ضمن اینکه دفاتر بخش خصوصی مایل‌اند از خدمات مسئولین استفاده کنند، برنامه‌های جامعه بنیان عموماً به افراد آموزش دیده داوطلب جامعه اتکا دارند.

گرچه برنامه‌های عدالت ترمیمی در بعضی از ابعاد کلیدی متنوع هستند، اما چندین نکته مشترک هم دارند. این تنوع در تعریف برنامه‌های منتخب ارائه شده در زیر آشکار است.

18-Sentencing circle

19-Peacemaking circles

جدول یک

ویژگی‌های متنوع برنامه‌های موجود

وضعیت برنامه در ارتباط با نظام عدالت کیفری

ادغام شده در نظام پاسخگویی دادرسی	بخشی از برنامه رسمی قضا زدایی	بیرون از نظام به‌عنوان جایگزینی برای پاسخگویی رسمی
--------------------------------------	----------------------------------	--

میزان رسمی بودن

کاملاً رسمی	تا اندازه‌ای غیر رسمی	کاملاً غیر رسمی
-------------	-----------------------	-----------------

وضعیت برنامه در ارتباط با استفاده از مجازات

فرآیند و حاصل کار آن جایگزین مجازات است	مجازات یکی از حاصل کارهای فرآیند است	فرآیند علاوه بر مجازات جریان دارد
--	---	--------------------------------------

استفاده از داوری

اساساً فرآیند مبتنی بر داوری است	شامل عنصری از داوری می‌شود	شامل هیچگونه داوری نمی‌شود
-------------------------------------	----------------------------	-------------------------------

دخالت مشاور حقوقی

مشاور حقوقی دخالت دارد	نقش مشاور حقوقی محدود است (مثلاً حصول اطمینان از رضایت آگاهانه بزه‌کار)	مشاور حقوقی دخالت ندارد
------------------------	---	-------------------------

دخالت مسئولین عدالت کیفری

برنامه توسط مسئولین عدالت کیفری اجرا می‌شود	دخالت محدود افراد مسئول در عدالت کیفری (مثلاً برای ارجاع)	هیچ
--	--	-----

دخالت جامعه

اساساً جامعه دخالت ندارد	دخالت محدود جامعه	فقط دخالت خانواده یا بخشی کوچک از جامعه	مشارکت کامل جامعه
-----------------------------	----------------------	--	-------------------

دخالت قربانی

هیچ یا کم	استفاده از یک قربانی جانشین	دخالت غیر مستقیم به‌عنوان یکی از شرکت‌کنندگان متعدد اصلی	به‌عنوان شرکت‌کننده
-----------	--------------------------------	---	------------------------

تامین حمایت از قربانی

تمرکز اصلی روی حمایت است	تامین برخی حمایت‌ها	حمایتی وجود ندارد یا کم است
-----------------------------	---------------------	--------------------------------

سازوکار پیاده کردن برنامه

توسط نهاد دولتی	توسط بخش داوطلب با استفاده از بودجه و یا هدایت نهاد دولتی	توسط سازمان‌های مردم- نهاد مستقل و داوطلب
-----------------	--	--

تمرکز روی اصلاح بزه‌کار

تمرکز اصلی روی اصلاح بزه‌کار و پیشگیری از تکرار جرم	یکی از جنبه‌های مختلف فرآیند	تقریباً هیچ
--	------------------------------	-------------

تمرکز روی جبران آسیب

تمرکز کم روی جبران آسیب وارده به قربانی	اقدامات جبرانی در نتایج شامل شده‌اند اما اغلب تصادفاً	تمرکز اصلی و اساسی روی جبران آسیب
--	--	--------------------------------------

جدول ۲ ویژگی‌های مشترک برنامه‌های عدالت ترمیمی

به قربانیان جرم فرصت می‌دهد تا:	به بزه‌کاران فرصت می‌دهد تا:
<ul style="list-style-type: none"> • مستقیماً در حل و فصل وضعیت و رفع پیامدهای ناگوار جرم دخالت داشته باشند • پاسخ‌هایی برای پرسش‌های خود درباره جرم و بزه کار دریافت کنند • بتوانند اظهارات خود را درباره اثرات جرم بیان کنند • غرامت یا خسارت ناشی از آسیب وارده به خود را بگیرند • از آنها عذرخواهی شود • در هنگام مقتضی روابط خود را با بزه کار تجدید کنند • به ختم پرونده برسند 	<ul style="list-style-type: none"> • مسئولیت خود را در ارتکاب جرم بپذیرند • و اثرات جرم بر قربانی را درک کنند • احساسات (و حتی ندامت) خود را از جرم بیان کنند • از حمایت لازم برای ترمیم آسیب وارده به قربانی، خود و خانواده برخوردار شوند • اصلاح یا جبران آسیب/خسارت را انجام دهند • از قربانیان عذرخواهی کنند • در هنگام مقتضی روابط خود را با قربانی تجدید کنند • به ختم پرونده برسند

اطلاعات مربوط به بهترین رویه‌ها و فرآیند مشورتی دقیق باید در تمام تصمیم‌هایی که برای تدوین یک برنامه گرفته می‌شود به کار رود. اغلب اتفاق می‌افتد که ارائه یک برنامه ترمیمی به یک مجموعه اجتماعی، حقوقی، یا فرهنگی خاص باید با ابتکار عمل‌های معتدل و مناسب آغاز گردد تا منجر به موفقیت، تحکیم منابع جامعه، غلبه بر تردیدهای باقیمانده در نظام عدالت کیفری و آمادگی همگانی برای اجرای ابتکارهای چالش‌انگیزتر گردد.

۲-۳ میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار

برنامه‌های میانجی‌گرانه قربانی-بزه‌کار (که به آنها برنامه‌های مصالحه قربانی-بزه‌کار هم می‌گویند) از نخستین ابتکارهای عدالت ترمیمی بوده‌اند. این برنامه‌ها طوری طراحی شده‌اند که ضمن رسیدگی به نیازهای قربانیان جرم، پاسخگو شمردن بزه‌کاران را در برابر رفتار بزه‌کارانه‌شان تضمین می‌کنند. این برنامه‌ها می‌توانند توسط نهادهای دولتی و یا سازمان‌های غیرانتفاعی به اجرا درآیند و به‌طور کلی به پرونده‌های مربوط به جرایم کمتر جدی محدودند. ارجاع‌ها می‌توانند از سوی پلیس، دادستانی‌ها، دادگاه‌ها، و دفاتر مراقبت و نظارت بر رفتار بزه‌کاران صورت بگیرند. این برنامه‌ها را می‌توان با مشارکت داوطلبانه قربانی و بزه‌کار در مراحل قبل از اتهام، بعد از اتهام و یا قبل از محاکمه، و بعد از اتهام اجرا کرد. این برنامه‌ها همچنین می‌توانند شامل یک فرآیند قبل از محکومیت باشند که به توصیه‌های مربوط به محکومیت ختم می‌شود. وقتی که این فرآیند قبل از محکومیت طی می‌شود، معمولاً حاصل کار میانجی‌گری به آگاهی دادستان یا قاضی می‌رسد تا مورد ملاحظه قرار گیرد. فرآیند میانجی‌گری قربانی-بزه‌کار می‌تواند با موفقیت هنگامی که بزه‌کار در حبس به سر می‌برد و یا حتی هنگامی که بزه‌کار در حال سپری کردن حبس طولانی مدت است به‌عنوان بخشی از فرآیند اصلاح و تربیت وی به کار برده شود.

به نظر می‌رسد چنانچه قربانی و بزه‌کار رو در روی یکدیگر قرار گیرند، احساسات خود را مستقیماً به یکدیگر ابراز نمایند، و به تفاهم تازه‌ای از وضعیت پدید آمده برسند فرآیند میانجی‌گری خواهد توانست به‌طور کامل به هدف خود دست یابد. آنها می‌توانند به کمک یک تسهیل‌گر آموزش دیده به توافقی برسند که برای بستن پرونده حادثه به هردو کمک کند. در حقیقت این تسهیل‌گر معمولاً قبل از رویارویی دو طرف با هردو ملاقات می‌کند تا به آنان کمک کند خود را برای این اتفاق آماده سازند. این کار، علاوه بر سایر چیزها، به منظور اطمینان از اینکه قربانی با قرار گرفتن در مقابل بزه‌کار مجدداً قربانی نخواهد شد و بزه‌کار مسئولیت حادثه را به‌عهده خواهد گرفت و در خواسته خود برای ملاقات با قربانی صادق خواهد بود، انجام می‌شود. وقتی که امکان تماس مستقیم بین قربانی و بزه‌کار هست، اگر یک دوست یا پشتیبان یکی یا هردوی آنها را همراهی کند غیر عادی نخواهد بود. به‌هرحال، این دوست یا پشتیبان همیشه در بحث شرکت نخواهد داشت. سرانجام اینکه، با وجود ارزشمند بودن ملاقات رو در رو، تماس مستقیم با قربانی همیشه ممکن و یا مطلوب نیست. از این رو در موارد بسیاری برای میانجی‌گری از تماس‌های غیر مستقیم تسهیل‌گر استفاده می‌شود.

قبل از آغاز میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار باید سه نکته ضروری مد نظر قرار گیرد:

- بزه‌کار باید مسئولیت عمل خود را به‌عهده گیرد و یا منکر آن مسئولیت نشود؛
- قربانی و بزه‌کار باید هردو مشتاق مشارکت در آن باشند؛
- قربانی و بزه‌کار هردو باید ورود به فرآیند میانجی‌گری را ایمن بدانند.

در میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار، اغلب قربانیان جرم در صورت نیاز برای کمک و مساعدت ارجاع داده می‌شوند و با آنان بیشترین مشورت درباره مجازات و یا شکل‌گیری یک تصمیم یا رسیدن به یک توافق ترمیمی صورت می‌گیرد. آنها این اجازه را هم دارند به بزه‌کار بگویند که جرم چگونه بر آنها اثر گذاشته و از او بخواهند در باره جرم توضیح دهد. فرآیند میانجی‌گری تا بیشترین حد ممکن منجر به تامین غرامت یا جبران خسارت قربانی می‌شود. فرآیند میانجی‌گری همیشه شامل تماس مستقیم میان بزه‌کار و قربانی نیست. هنگامی که در جریان میانجی‌گری تماس مستقیم برقرار می‌شود، غالباً به‌عنوان نوعی توانمند سازی از قربانی دعوت می‌شود تا ابتدا او سخن بگوید.

میانجی‌گر به دو طرف کمک می‌کند تا به توافقی دست یابند که نیازهای هر دو طرف را مورد توجه قرار می‌دهد و راه حلی برای اختلاف ارائه می‌دهد. هنگامی که این فرآیند قبل از محکومیت روی می‌دهد، توافق صلح‌آمیز ناشی از میانجی‌گری میان قربانی و بزه‌کار را می‌توان تقدیم دادگاه کرد تا در تعیین مجازات یا در شرایطی که تصمیم به مراقبت و نظارت بر رفتار بزه‌کار است مدنظر قرار گیرد.

نقش مرکز خدمات میانجی‌گری و مراقبت جمهوری چک در اقدامات قبل از محاکمه و دادگاه

در جمهوری چک، برای میانجی‌گری موثر و تقویت راه‌حل‌های اجتماعی برای دعاوی ناشی از وقوع جرم، خدمات میانجی‌گری و مراقبت هم در مرحله دادگاه و هم قبل از محاکمه وجود دارد. میانجی‌گری تنها می‌تواند با رضایت داوطلبانه دو طرف صورت پذیرد. میانجی‌ها در مذاکرات موثر مهارت دارند. آنها در دعوی‌ها به طرفین کمک می‌کنند تا آن را رفع کنند و برای وضعیت راه‌حلی بیابند که قابل قبول دو طرف باشد. وظیفه آنان مدیریت روند مذاکره، ایجاد شرایطی برای ایجاد امکان تفاهم بین شرکت کنندگان، رسیدن به راه‌حل، و در نظر داشتن منافع طرفین است. میانجی‌گران نه دعوی را بررسی می‌کنند و نه در مورد شکل حل آن تصمیم می‌گیرند.^{۲۰}

ماموران مراقبت مرکز میانجی‌گری و مراقبت در تدوین گزارش‌های قبل از محکومیت، که وضعیت جاری زندگی مددجوی متهم و انگیزه او برای شرکت در فرآیند یا همکاری در حل موضوع ناشی از ارتکاب جرمی که به‌خاطر آن محاکمه می‌شود را ترسیم می‌کنند، دخالت دارند. ساختار محتوایی گزارش قبل از محکومیت از یک طرف به مامور مرکز میانجی‌گری و مراقبت کمک می‌کند تا با مددجویان روی نکات کلیدی تمرکز داشته باشند و از طرف دیگر به دادستان و قاضی کمک می‌کند تا اطلاعاتی را که لازم دارند به آسانی به دست آورند. مامور مراقبت بر اساس اطلاعات محرز و ارزیابی خود راه‌های آینده همکاری با مددجو و احتمالاً انجام یکسری تکالیف مناسب، رعایت محدودیت‌ها، انجام خدمات عمومی توسط مددجو و غیره را ارائه می‌دهد.

مامور مراقبت هنگام کار با مددجویان سرفصل‌های جدید مربوط به راه‌حل‌های جبران عواقب عمل مجرمانه و ترمیم روابط شخصی صدمه دیده طرفین را می‌گشاید. مقصود اصلی این است که مددجوی متهم از همه ارتباط‌های احتمالی قانونی و اجتماعی عمل مجرمانه ارتكابی خود آگاه و برای جبران نتایج آن پیشاپیش آمادگی داشته باشد. مشارکت فعالانه مددجوی متهم و قربانی از طریق همکاری آنان با مامور مراقبت، در قضاوت دادستان یا قاضی ممکن است معرف آمادگی هر دو طرف برای پذیرش قضاوت در مورد پرونده و تمایل آنها برای پذیرش اجرای حکم (برای متهم پذیرش تنبیه یا تدبیر اندیشیده شده و یا سازوکارهای خارج از فرآیند اقدامات کیفری (قضازدایی)، و برای قربانی پذیرش شکل جبران خسارت مورد رضایت وی) باشد. کار مامور مراقبت با مددجویش در مرحله قبل از محکومیت در جهت کشف دلایل احتمالی جرم مددجو و یافتن راه‌هایی برای برطرف کردن این دلایل (از جمله از طریق مشارکت در یک برنامه بازپروری، آموزش بیشتر، یافتن کار، یا حل اختلاف در خانواده و غیره) است.

20-Ourednicková, L., Pilný, O., Rabináková, D., Štern, P. Preface to the Czech edition of: Riskin, L. L., Arnold, T., Keating, J. M. Mediacie aneb jak řešit konflikty (Mediation or how to resolve conflicts). Praha: Facia, 1996, pp 7-10

بررسی موردی

میانجی‌گری میان قربانی و بزه‌کار^{۲۱}

بعد از تقریباً دو ساعت گفتگو که گاهی داغ و احساسی می‌شد، میانجی احساس کرد که بزه‌کار و قربانی هر دو داستان یکدیگر را شنیده‌اند و چیزهای مهمی در باره اثر جرم و یکدیگر فهمیده‌اند. آنها توافق کردند که بزه‌کار ۱۴ ساله، ۲۰۰ دلار غرامت بابت جبران خسارت ناشی از ورود غیرقانونی به خانه قربانی بپردازد. به‌علاوه، او ملزم شد بهای دستگاه ضبط ویدئوی تقریباً ۱۵۰ دلاری قربانی را هم که دزدیده بود مسترد کند. بقیه زمان جلسه نیز به تدوین یک جدول زمانی برای پرداخت خسارت اختصاص داده شد. مجرم چندین بار هم از قربانی عذرخواهی کرد و پذیرفت (محکومیت) ساعات خدمات اجتماعی خود را در یک بانک مواد غذایی تحت سرپرستی کلیسای قربانی بگذراند. قربانی که همسایه میانسال بزه‌کار بود، اظهار داشت بعد از فهمیدن چیزهای بیشتری در باره بزه‌کار و جزئیات جرم، کمتر احساس ترس و عصبانیت می‌کند و از میانجی برای دادن اجازه برگزاری جلسه میانجی‌گری در زیر زمین کلیسایش تشکر کرد.

۲-۴ همایش گروه خانواده و جامعه

این مدل در شکل مدرن خود در سال ۱۹۸۹ وارد قوانین ملی نیوزیلند شد و در فرآیند دادرسی نوجوانان این کشور به کار رفت و در حال حاضر به صورت یکی از قاعده‌مندترین رویکردهای نهادینه شده عدالت ترمیمی موجود درآمده است. اکثر پرونده‌ها توسط پلیس و از طریق «اخطار ترمیمی»^{۲۲} و یا برگزاری همایش گروه خانواده تحت هدایت پلیس یا دادگاه رسیدگی می‌شود. این شیوه بر روش مجازات و رسوم حل اختلاف بومیان مائوری نیوزیلند مبتنی است که قرن‌ها قدمت دارد. همچنین در حال حاضر از این مدل به صورتی گسترده و تعدیل شده به عنوان فرآیند ابتکاری پلیس برای قضا زدایی در جنوب استرالیا، آفریقای جنوبی، ایرلند، لسوتو و همچنین در شهرهایی در مینه سوتا، پنسیلوانیا و مونتانا استفاده می‌شود.

هر فرآیند همایش یک هماهنگ کننده یا تسهیل گر دارد. فرآیند همایش، بر چیزی فراتر از برنامه‌های میانجی‌گری معمول تمرکز دارد. این کار شامل گردهم آوردن خانواده و دوستان بزه‌کار و قربانی و گاهی اوقات اعضای دیگری از جامعه برای مشارکت در فرآیندی است که از لحاظ حرفه‌ای تسهیل شده و منظور از آن شناسایی دست آوردهای مطلوب برای طرفین، رسیدگی به عواقب نامطلوب ناشی از جرم، و یافتن راه‌های مقتضی برای پیشگیری از تکرار رفتار مجرمانه است. دستور کار همایش خانواده مواجه کردن بزه‌کار با عواقب نامطلوب ناشی از جرم، تدوین برنامه اصلاحی، و در موارد جدی‌تر (در مدل نیوزیلندی) تعیین محدودیت‌های

21-Bazemore and Griffiths, 1997, p. 25

22-Restorative caution

بازدارنده بیشتر و یا بازداشت است. در استرالیا و ایالات متحده، ماموران پلیس نخستین کسانی هستند که این وظیفه را انجام می‌دهند، در حالیکه در آفریقای جنوبی دادستان‌ها این وظیفه را بر عهده دارند.

فرآیندهای همایشی در بردارنده حلقه گسترده‌ای از افراد زیربط از جمله کسانی است که بواسطه موقعیت‌شان می‌توانند با بزه‌کار کار کنند و او را حمایت کنند. در نتیجه این فرآیندها وسیله‌ای موثر برای حصول اطمینان از رعایت نتایج توافق شده توسط بزه‌کار به شمار می‌روند. درحقیقت، سایر اعضای حلقه، نقشی غالباً مستمر برای نظارت بر رفتار آینده بزه‌کار بر عهده دارند تا از اجرای تصمیمات اصلاحی و تربیتی که خود وی با آنها موافقت کرده است، مطمئن شوند.

در ضمن، همایش گروه جامعه نیز می‌تواند گاهی اوقات به‌عنوان یک برنامه اقدام جایگزینی مورد استفاده قرار گیرد که بزه‌کار می‌تواند از طریق نظام عدالت کیفری به آن ارجاع شود. مدیریت اینگونه برنامه‌ها توسط گروه‌ها یا نهادهای اجتماعی با یا بدون استفاده از کمک‌های مالی دولت انجام می‌گیرد. این حلقه معمولاً از کسانی که بیشترین دغدغه را نسبت به بزه‌کار و قربانی دارند و هر عضو دیگر جامعه که در این فرآیند ذینفع است (مانند معلم مدرسه در مورد یک بزه‌کار جوان یا یک کارفرما) تشکیل می‌شود. نهاد یا گروه اجتماعی که بزه‌کار به آن ارجاع داده شده است همچنین مسئول نظارت بر حسن اجرای مفاد توافق‌ها توسط بزه‌کار خواهد بود و می‌تواند زیر نظر مستقیم مجریان قانون یا مقامات قضایی فعالیت کند یا نکند.

بررسی موردی

همایش گروه خانواده^{۲۳}

بعد از اینکه بزه‌کار، مادر و پدر بزرگش، و قربانی و افسر پلیس محلی که او را دستگیر کرده بود در مورد جرم و اثر آن صحبت کردند، هماهنگ‌کننده کیفری جوانان از اعضای گروهی تقریباً ۱۰ نفره از شهروندان (شامل دو نفر از معلمان فرد بزه‌کار، دو نفر از دوستان قربانی و چند نفر دیگر) که در یک مدرسه محلی گرد آمده بودند، خواست اگر مطالب دیگری دارند بگویند. سپس هماهنگ‌کننده از گروه خواست تا هر کس نظر خود را در باره چگونگی جبران خسارت وارده به قربانی و جامعه توسط بزه‌کار بیان کنند. قربانی معلمی بود که مجروح شده بود و عینکش هم در مخاصمه با بزه‌کار شکسته بود. در نیم ساعت باقی‌مانده همایش تقریباً یک ساعته، گروه پیشنهاد کرد که پرداخت هزینه‌های درمان و بهای یک عینک نو و انجام خدمات اجتماعی در محیط مدرسه توسط بزه‌کار برای جبران خسارت وارده به قربانی مناسب است.

کمیته‌های برقراری مصالحه، زوئه لیمبا^{۲۴}، آفریقای جنوبی

در ۱۹۹۷ برنامه مصالحه اجتماعی یک «آزمایش مدل‌سازی» را به هدف بسیج دانش و ظرفیت محلی حول موضوعات مربوط به حل اختلاف و جامعه‌سازی آغاز کرد. این برنامه در یک جامعه محلی در شهر زوئه لیمبا در نزدیکی ورسستر^{۲۵} اجرا شد. کمیته‌های مصالحه متشکل از ساکنین محلی شهرمی‌باشد که هم متعهد به مصالحه و هم برقراری آشتی است. مصالحه حول محور حل کردن دعوی‌های خاص صورت می‌گیرد در حالی که هدف از برقراری آشتی رسیدگی به مسائل جامعه، از قبیل فقر یا عدم دسترسی به خدمات، است. فعالیت‌های مربوط به برقراری آشتی با یک رشته اختلافات حقوقی سروکار دارد که هم شامل موضوعات کیفری و هم مدنی است.

در ابتدا تقریباً همه پرونده‌ها، مستقیم از سوی جامعه به کمیته‌های برقراری مصالحه ارجاع می‌شد نه از سوی پلیس یا دادگاه. به‌هرحال، هرچه برنامه تکامل یافته‌تر می‌شود، تعامل بیشتری با نهادهای دولتی به‌ویژه پلیس انجام می‌گیرد. این فرآیند از مقررات روشی سخت گیرانه‌ای پیروی نمی‌کند، بلکه «مراحل برای مصالحه» وجود دارد که بیشتر به‌عنوان رهنمود از آنها پیروی می‌شود تا یک رشته مقررات الزام‌آور. این کمیته‌ها دستورالعمل مطلوب رفتاری خود را تدوین کرده‌اند و همه فنون مربوط به حل مسئله باید قانونی و مطابق این دستورالعمل باشد. فرآیند مصالحه شامل قضاوت نمی‌شود، بلکه بیشتر روی کشف راهی برای کاهش یا برطرف کردن مشکل تمرکز دارد. ماحصل جلسات مصالحه از لحاظ ماهوی ترمیمی و شامل عذرخواهی، پرداخت خسارت و غرامت است.

ابتکارهای مربوط به برقراری آشتی، این فرآیند را فراتر می‌برد و به موضوعاتی می‌پردازد که بر جامعه اثر می‌گذارند، و تلاش می‌کنند تا این مسائل را با هدف پرهیز از بروز مجدد اختلاف حل کنند.

۵-۲ حلقه صدور حکم

حلقه‌های صدور حکم در بسیاری از جوامع ساکنین بومی کانادا انجام می‌شود. همه شرکت‌کنندگان در حلقه صدور حکم، از جمله قاضی، وکیل مدافع، دادستان، افسر پلیس، قربانی و بزه‌کار و خانواده مربوطه‌شان و ساکنین جامعه محلی رو در روی یکدیگر در یک حلقه می‌نشینند. حلقه معمولاً فقط برای بزه‌کارانی برقرار می‌شود که تقصیر خود را قبول کرده‌اند. بحث بین کسانی که در حلقه هستند طوری طراحی می‌شود که حلقه با در نظر گرفتن نیاز به حمایت جامعه، نیازهای قربانی، و اصلاح و مجازات بزه‌کار در مورد پیدا کردن بهترین راه‌حل دعوی به اجماع برسد و پرونده را مختومه کند. حلقه صدور حکم نوعاً درون فرآیند عدالت کیفری و با شرکت مقامات قضایی تشکیل می‌شود و فرآیند صدور حکم را تقویت می‌کند.

24-Zwelethemba

25-Worcester

شاید حلقه صدور حکم که طی آن اعضای جامعه می‌توانند بطور مستقیم در پاسخگویی به جرم و بی‌نظمی‌های اجتماعی شرکت کنند، بهترین مثال از عدالت مشارکتی باشد. این کار با تشکیل یک کمیته عدالت جامعه-محور (Community Justice Committee) که می‌تواند نمایندگان از نهادهای قضایی را نیز در خود داشته باشد شروع می‌شود. منظور مشترک اعضای کمیته عدالت جامعه-محور یافتن راه‌های سازنده‌تری برای پاسخ به حادثه در جامعه است. این کمیته در فرآیند کلی حلقه صدور حکم، از جمله برقراری ارتباط با نهادهای عدالت کیفری، سازمان‌های اجتماعی، و از جمله گروه‌های ذینفع مختلف در جامعه، نقش کاملی بازی می‌کند. پرونده‌ها عموماً توسط پلیس، دادستان‌ها و قضات به این کمیته ارسال می‌شوند ولی ممکن است پرونده‌هایی هم از مدارس، برنامه‌های خدمات رسانی به قربانیان، و خانواده‌ها دریافت شود.

فرآیند حلقه صدور حکم چهار مرحله دارد:

- مرحله ۱: تعیین این که آیا یک پرونده خاص قابل رسیدگی در حلقه هست یا خیر.
- مرحله ۲: آماده‌سازی طرفینی که باید در حلقه شرکت کنند.
- مرحله ۳: یافتن توافقی که مورد رضایت طرفین باشد.
- مرحله ۴: تدارک پیگیری و کسب اطمینان از تن در دادن بزه‌کار به توافق.

کمیته عدالت جامعه-محور در کل فرآیند حلقه از تعیین قابل رسیدگی بودن یک پرونده تا حصول اطمینان از وفاداری بزه‌کار به توافق نقش دارد. این کمیته همچنین جامعه محلی را برای حمایت از قربانی و بزه‌کار در طول فرآیند حلقه و پس از آن بسیج می‌کند.^{۲۶}

معمولاً حاصل کار حلقه به قاضی، که ممکن است در جلسات حلقه به صورت مستقیم شرکت داشته باشد یا خیر، تسلیم می‌شود اما برای دادگاه لازم الاجرا نیست. دادگاه برنامه تدوین شده توسط کمیته را بسیار جدی می‌گیرد، اما الزاماً آن را به طور کامل مورد پذیرش یا تصویب قرار نمی‌دهد. دادگاه می‌تواند برنامه مزبور را توأم با رای دیگری که خود صادر می‌کند، قبول کند. بزه‌کارانی که پرونده‌شان در یک حلقه صدور حکم رسیدگی شده است نیز ممکن است برای مدتی به حبس فرستاده شوند. اما یک سلسله مجازات‌های دیگری هم وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به جبران خسارت و پرداخت غرامت، نظارت و مراقبت، بازداشت خانگی و خدمات اجتماعی اشاره کرد.

در مستطیل صفحه بعد بعضی از تفاوت‌های بین فرآیند دادگاه کیفری و فرآیندی را که نوعاً در یک حلقه صدور حکم دنبال می‌شود نشان می‌دهد و تفاوت‌های بین نظام‌های عدالت سنتی و فرآیندهای ترمیمی را منعکس می‌کند.

هر جامعه در اجرای فرآیند حلقه صدور حکم متناسب با شرایط آن جامعه عمل می‌کند. یعنی این که چگونگی اجرای آن در جوامع مختلف می‌تواند (و باید) متفاوت باشد. در حقیقت، فرآیند حلقه صدور حکم برای موفقیت خود شدیداً به داوطلبان جامعه اتکا دارد.

تفاوت‌های بین دادگاه‌های کیفری و حلقه صدور حکم^{۲۷}

دادگاه‌های کیفری	حلقه‌های جامعه-محور
<ul style="list-style-type: none"> • موضوع اختلاف همان جرم است • مجازات اختلاف را بر طرف می‌کند • تمرکز روی رفتار گذشته است • با تنگ نظری به رفتار نگاه می‌شود • عذرخواهی پذیرفته می‌شود • از نگرانی گسترده‌تر پیرامون اختلافات اجتماعی پرهیز می‌شود • نتیجه (یعنی مجازات) مهم‌ترین بخش است • به افراد حرفه‌ای اتکا دارد 	<ul style="list-style-type: none"> • رویداد مجرمانه بخش کوچکی از یک اختلاف بزرگتر دانسته می‌شود • مجازات بخش کوچکی از راه حل است • تمرکز روی رفتار فعلی و آینده است • نگرشی وسیع‌تر و کل‌گرا دارد • نتیجه کم‌ترین اهمیت را دارد-فرآیند بیشترین اهمیت را دارد، چون فرآیند به روابط بین همه طرف‌ها شکل می‌دهد و گاهی آنرا احیا می‌کند • جامعه را توانمند می‌سازد

حلقه صدور حکم از طریق یک فرآیند مبتنی بر مصالحه، جبران خسارت و پرداخت غرامت، چند هدف را دنبال می‌کند، که رسیدگی به نیاز جوامع، قربانیان، بزه کاران و خانواده‌های آنان از جمله آنها است. یکی از اصول اساسی حلقه صدور حکم آن است که مجازات اهمیت کمتری از فرآیندی دارد که طی آن به نتیجه یا به آن مجازات می‌رسند. چون توافق همگانی روی حاصل کار مطلوب و با ارزش است، همه اعضای حلقه نقش فعالی در تسهیل فرآیند اصلاح بازی می‌کنند. خود حلقه اغلب درگیر نظارت بر تن در دادن و تطابق بزه کار با توافق حاصله و فراهم کردن حمایت مستمر از او در انجام تعهداتش پس از اعلام حکم است.

حلقه صدور حکم مثالی است برای نشان دادن چگونگی انطباق اصول عدالت ترمیمی در یک چارچوب کل‌نگر که در آن کارکنان نظام کیفری قدرت و اختیار را با اعضای جامعه به اشتراک می‌گذارند. برعکس نگرش رسمی و اغلب متناقض به عدالت، حلقه صدور حکم می‌تواند در موارد زیر کمک کند:

- افراد، خانواده‌ها و جوامع را با مهارت‌های حل مسائل آشنا کند؛
- روابط را در جوامع بازسازی کند؛
- آگاهی و احترام به ارزش‌ها و زندگی دیگران را ارتقا بخشد؛
- به منافع و نیازهای همه طرف‌ها و از جمله قربانیان رسیدگی کند؛
- روی علل بروز مسائل تمرکز کند و نه روی علائم و نشانه‌های آنها؛

27-Adapted from Griffiths and Cunningham. 2003. Canadian Criminal Justice: A Primer. 2nd edition. Toronto: Thomson Nelson, p. 212

- منابع اصلاح‌کننده موجود را شناسایی و منابع جدیدی ایجاد کند؛
- استفاده از منابع محلی و دولتی را هماهنگ کند؛ و
- اقدامات پیش‌گیرانه اتخاذ کند.

تا این تاریخ، اکثریت بزه‌کارانی که پرونده‌های‌شان در حلقه‌های صدور حکم مختومه شده، بزرگسال بوده‌اند. لکن اکنون به تعداد روز افزونی از پرونده‌های بزه‌کاران جوان هم رسیدگی می‌شود. حلقه صدور حکم باعث پیدایش انواع مختلفی از آن مانند کمیته‌های مشورتی صدور حکم جامعه-محور، شوراهای صدور حکم و شوراهای میانجی‌گری جامعه-محور شده است.

بررسی موردی

حلقه صدور حکم^{۲۸}

قربانی، زن فرد بزه‌کار که پذیرفته است وی را دو بار در حالت مستی مورد آزار جسمی قرار داده، درباره درد و شرمساری سخن گفت که شوهرش به او و خانواده‌اش تحمیل کرده است. بعد از پایان حرف‌های او پُر تشریفات (که نشان می‌داد اجازه صحبت بعدی با چه کسی خواهد بود) به نفر بعدی حلقه داده شد. او که مرد جوانی بود پیرامون خدمات بزه‌کار به جامعه و محبت‌هایش به سالخورده‌گان جامعه و اشتیاقش برای کمک به دیگران در تعمیر خانه‌هایشان حرف زد. سپس یک سالخورده دیگر پر را گرفت و درباره احساس شرم ناشی از رفتار بزه‌کار در قبیل‌اش سخن گفت و اشاره کرد که در روزگار قدیم چنین عملی مستلزم پرداخت خسارت قابل توجهی به خانواده زن بود. پس از شنیدن همه این نظرها، قاضی تایید کرد که قربانی هنوز احساس می‌کند که می‌خواهد با مساعدت گروه پشتیبانش (از جمله وکیل قربانی) این مسئله را با شوهرش حل و فصل کند. قاضی در جمع‌بندی پرونده با تاکید دوباره بر جدی بودن جرم و تکرار سخنان افتتاحیه دادستان مبنی بر لزوم مجازات حبس، پیشنهاد کرد اعمال مجازات تا شش هفته دیگر و جلسه بعدی حلقه صدور حکم به تعویق انداخته شود. اگر در طول این مدت بزه‌کار نتوانست: شروط پیشنهادی یکی از دوستانش که مسئولیت هدایت یک گروه پشتیبان را پذیرفته بود، برآورده کند؛ با همکاری کمیته عدالت جامعه-محور دوره درمان اعتیاد به الکل و مدیریت و کنترل خشم را سپری کند؛ انتظارات قربانی و گروه پشتیبان وی را برآورده سازد؛ و ۴۰ ساعت خدمات اجتماعی زیر نظر آن گروه انجام دهد از محکومیت زندان او چشم‌پوشی خواهد شد. اعضای گروه پس از اینکه دست در دست هم دعایی خواندند متفرق و برای پذیرایی به محوطه آشپزخانه محل هدایت شدند.

۲-۶ برنامه‌های ترمیمی برای نوجوانان بزه‌کار

در بیشتر نظام‌های قضایی، فرآیندهای عدالت ترمیمی عموماً جهت استفاده در مورد جوانان معارض قانون تدوین شده‌اند. این برنامه‌ها، مبنای تدوین متعاقب برنامه‌های مربوط به بزرگسالان را فراهم کرده‌اند.

برنامه‌های ترمیمی، جایگزین‌های واقعی و موثری برای اقدامات رسمی‌تر و انگ‌زننده در نظام دادرسی جوانان ارائه می‌کنند. این برنامه‌ها، به‌ویژه به دلیل ارزش آموزشی‌شان برای ترویج اقدامات مربوط به قضازدایی و ارائه جایگزین برای اقداماتی که یک جوان را از آزدیش محروم می‌کنند، مفیدند. بسیاری از این برنامه‌ها، فرصت‌هایی استثنایی برای ایجاد جامعه‌ای مراقب پیرامون جوانان معارض قانون فراهم می‌کنند. معمولاً جلب حمایت عمومی برای برنامه‌های عدالت ترمیمی ویژه جوانان نسبتاً آسان است.

وضع قانون برای جوانان در بسیاری از کشورها به‌طور خاصی زمینه را برای ایجاد برنامه‌های قضازدایی برای جوانان آماده کرده است. بسیاری از این برنامه‌ها را می‌توان همسو با اصول ترمیمی و مشارکتی تدوین کرد. به‌علاوه، بسیاری از برنامه‌هایی که کاملاً خارج از نظام عدالت کیفری در مدارس، یا جامعه طراحی می‌شوند، به جامعه پیرامون این فرصت را می‌دهند تا بتواند بدون این که نگاهی جرم‌انگارانه به رفتار یا فرد داشته باشد پاسخ‌های مناسب آموزشی به جرم‌های کوچک و سایر اختلافات ارائه دهد. برخی از این برنامه‌ها از پیش در مدارس که پاسخگویی (از طریق میانجی‌گری گروه همسالان، گروه‌های حل و فصل اختلاف، و غیره) به جرم‌های کوچک جوانان (از قبیل نزاع، گردن کلفتی، سرقت خرد، تخریب اموال مدرسه، زورگیری پول‌های توجیبی) را تسهیل می‌کنند، اجرا می‌شود که در غیر این صورت می‌توانستند تبدیل به موضوع مداخله‌های رسمی عدالت کیفری گردند.

نمونه‌هایی از برنامه‌های ترمیمی برای جوانان

برنامه‌های زیر انواع ابتکاراتی را که در سراسر جهان صورت گرفته نشان می‌دهد:

برزیل

چندین پروژه میانجی‌گری و همایش جوان-محور در سراسر این کشور وجود دارد که مشتمل بر فلسفه و اصول عدالت ترمیمی است.

سیستم عدالت جوانان، پورتو آلگر

این سیستم در حال حاضر برگزاری همایش برای بزه‌کاران جوان را تجربه می‌کند. قانون کودکان و نوجوانان ۱۹۹۰ به رئیس دادگاه نوجوانان اجازه می‌دهد اقدامات قانونی درباره جوانانی را که برای اولین بار مرتکب جرم‌های کم‌اهمیت‌تر می‌شوند به حالت تعلیق در آورد

یا از مجازات‌هایی مثل خدمات عمومی یا پرداخت غرامت استفاده کند. پورتو آلگر در حال آزمایش برنامه همایش‌های ترمیمی (camaras restaurativas)^{۳۰} برای این بزه‌کاران است.

انگلستان

شورای بزه‌کاران جوان

یکی از شیوه‌هایی که به گسترده‌گی در انگلستان و ویلز استفاده می‌شود و برخی جنبه‌های ترمیمی در آن هست «نظام ارجاع» است. بزه‌کاران جوانی را که بین ۱۰ تا ۱۷ سال دارند و برای اولین بار در دادگاه حاضر می‌شوند به شورای بزه‌کاران جوان ارجاع می‌دهند (مگر این که بزه ارتكابی آنان چنان جدی باشد که مستلزم بازداشت باشد). این شورا متشکل از دو عضو آموزش دیده جامعه است که یکی از آنان به‌عنوان رئیس و دیگری به‌عنوان کارشناس عمل می‌کند. فرد جوان همراه با یکی از والدین یا سرپرست خود در شورا حاضر می‌شود. در صورت وجود فردی به‌عنوان قربانی ممکن است او و فردی که نفوذ خوبی روی فرد جوان دارد نیز به شورا دعوت شوند. شورا در مورد یک برنامه اقدام تصمیم می‌گیرد که با اجرای آن فرد جوان می‌تواند جبران خسارت کند و مسائل خود را بیان کند. شورا پس از اتمام برنامه، دوباره تشکیل جلسه می‌دهد تا میزان پیشرفت کار را ارزیابی کند. در هر حال، سطح مداخله قربانیان، که تا کنون پائین بوده است، بستگی به نحوه تشریح فرآیند به آنها دارد.

ممکن است به افراد جوانی که دوباره مرتکب جرم شوند حکم جبران خسارت داده شود. امکان دارد از قربانی نیز برای ملاقات با بزه‌کار و بیان احساسات خود درباره جرم و نحوه جبران خسارت دعوت به عمل آید، ولی تصمیم‌گیری درباره آن با دادگاه خواهد بود.^{۳۱}

گروه رسیدگی به بزه‌کاری جوانان آکسفوردشایر

هدف گروه رسیدگی به بزه‌کاری جوانان آکسفوردشایر در هر پرونده مشورت با قربانی و دادن فرصتی برای تماس با بزه‌کار جوان و یا ایجاد موقعیتی برای تصمیم‌گیری درباره چگونگی جبران خسارت وارده به آنان است؛ و گروه می‌کوشد تا جبران خسارت به شکل بخشی از حکم هر بزه‌کار جوان درآید. قربانیانی که نمی‌خواهند بزه‌کار جوان را ببینند یا خسارت دریافت کنند، می‌توانند از روی یک کتابچه نوع پروژه اصلاحی را که می‌خواهند بزه‌کار در آن شرکت نماید، انتخاب کنند. نقش مربیان بزه‌کاران جوان به‌عنوان ناظر رفتار آنان بسیار اساسی است. راهنمایی‌ها با توجه به نیازهای فردی بزه‌کار و با دورنگه داشتن وی از نفوذ دوستان و همسالانش تهیه می‌شوند. یکی از عناصر مثبت برنامه این گروه تاکید آن بر قابل رویت بودن روند اصلاح برای عموم است. گروه آکسفوردشایر در تلاش برای جلب مشارکت جامعه، خبرنگارانی را برای کارشناسان علاقمند می‌فرستد و جلسات عمومی برگزار می‌کند تا موفقیت‌های حاصله را جشن بگیرد.^{۳۲}

۲۹-پورتو آلگر مرکز ایالت ریوگرانندوسول کشور برزیل است. (مترجم)

30-Parker, 2002

31-Newburn et al., 2001

32-Source: Home Office, 2003

بررسی موردی

سرقت توسط یک نوجوان

جیمز پسر ۱۷ ساله‌ای بود که پیرو حادثه‌ای که در نوامبر ۲۰۰۰ اتفاق افتاد به سرقت متهم شد. جیمز با گذاشتن چاقویی زیر گلوی راننده یک تاکسی از وی سرقت کرده بود. جیمز خیلی زود دستگیر و کیف پول راننده به وی برگردانده شد. پرونده قبل از محاکمه قضایی به ما ارجاع شد. قاضی، وکیل مدافع و دادستان، همگی عقیده داشتند که این یک ارجاع مناسب است.

ما با جیمز و مادرش که از رفتار «غیرمعمول» پسرش پریشان بود، ملاقات کردیم. او برای برآمدن از عهده درک حقیقتی که پسرش در سیستم عدالت کیفری درگیر شده بود نیاز به حمایت داشت. جیمز صادقانه از کرده خود ابراز ندامت کرد و مسولیت آنرا پذیرفت. من هدف‌های پروژه را توضیح دادم و آنها هم موافقت کردند که در آن شرکت کنند.

ما با قربانی تماس گرفتیم و او با اینکه کمی مردد بود با ملاقات موافقت کرد. قربانی مهاجر جوانی است که شدیداً تحت تاثیر سرقت قرار گرفته بود. در این مرحله از فرآیند او از بزه کار چیزی نمی‌خواست. ولی می‌خواست این را به بزه کار منتقل کند که این عمل چه اثری بر او گذاشته بود؛ یعنی ترس فراوان، نفرت از نوجوانان و این که از دست رفتن کارت مهاجرتش می‌توانست چه عواقبی برای وی داشته باشد.

با انتقال این اطلاعات به جیمز توسط ما، به نظر می‌رسید او درک کامل‌تری از مسائلی که قربانی با آنها سروکار داشت بدست آورده است. او پیشنهاد کرد یک نامه عذر خواهی برای قربانی بنویسد.

قربانی برای گرفتن نامه آماده بود. بنظر می‌رسید به‌نحوی از میزان صمیمیت ابراز شده در نامه تعجب کرده بود. قربانی شروع به ارائه اطلاعات بیشتری درباره بلایی که این اتفاق بر سرش آورده بود کرد و گفت که در هفته بعد از آن اتفاق به‌خاطر ترس کارش را رها کرده و در نتیجه دستمزد ۸۰۰ پوندی خود را از دست داده بود.

جیمز (و مادرش) پذیرفتند که قربانی نباید هیچ پولی در نتیجه کاری که جیمز کرده از دست بدهد. جیمز پیشنهاد کرد مبالغی به‌صورت ماهانه بپردازد تا بدهکاریش تصفیه شود. قربانی با این پیشنهاد موافقت کرد و پرداخت شروع شد.

ما کار با جیمز را درباره علل ریشه‌ای رفتارش و کمک به وی برای درک اثراتی که رفتارش نه تنها روی قربانی و خانواده‌اش بلکه روی خانواده خود او داشته، ادامه دادیم. او شروع به رسیدگی به مسائلش کرد؛ مدرسه را از سر گرفت؛ و به‌زودی کاری نیمه وقت پیدا کرد.

مادرش گزارش داد که روابط آنها بسیار پیشرفت کرده و رفتار او در خانه با همکاری زیادی توأم شده است.

ما با قربانی هم درباره موضوع استخدام کار کردیم. من او را به خدمات حمایت استخدامی، خدمات خانوادگی کلیمیان و سازمان خدمات مهاجرت اتاوا-کارلتون معرفی کردم.

با اینکه قربانی و متهم یکدیگر را ملاقات نکردند، توافقی برای حل مسئله حاصل شد که شامل پرداخت خسارت و نامه عذرخواهی بود. این توافق برای دادگاه رسیدگی کننده به پرونده جیمز ارسال شد و بصورت بخشی از اطلاعات جمع آوری شده برای کمک به قاضی در صدور حکم در آمد. جیمز به دو سال قرار گرفتن تحت مراقبت بر حسن رفتار با شرایطی سخت گیرانه محکوم شد. یکی از این شرایط پرداخت خسارت به قربانی طبق توافق نامه بود. هر دو طرف احساس می کردند که حکم صادره منصفانه و رضایت بخش بود.

۲-۷ محاکم دادرسی بومی و عرفی

جنبه‌های نگرش عدالت ترمیمی در بسیاری از فرهنگ‌ها یافت می‌شوند. مشارکت غیر رسمی بومی در فرآیند محاکمه‌ها مدت‌ها در جوامع دورافتاده در کانادا و استرالیا جریان داشته است. از اواخر دهه ۱۹۹۰ و با آشکار شدن نحوه کار محاکم دادرسی بومی و دادگاه‌های محلی این شیوه کار به مناطق شهری نیز انتقال یافته است. مردم بومی، سازمان‌ها، ریش سفیدان، اعضای خانواده و خویشاوندان تشویق می‌شوند تا در محاکمه‌ها مشارکت داشته باشند و به مقامات مسئول برای درک جرم، خصوصیت روابط بین بزه‌کار و قربانی و آمادگی بزه‌کار برای تغییر کمک کنند. با این تحولات، فرآیندهای دادگاه ممکن است از لحاظ فرهنگی مناسب‌تر گردد و اعتماد بیشتری بین جوامع بومی و کارکنان قضایی به وجود آید.^{۳۳}

نظام‌های غیر رسمی جامعه-محور، یا به طوری که گاهی اوقات به آنها اشاره می‌شود، نظام‌های قضایی غیردولتی، از لحاظ دسترسی به عدالت و همچنین مساوات و انصاف می‌توانند شکل‌ها و دست‌آوردهای بسیاری داشته باشند. یک جنبه متمایز بسیاری از آنها فرآیند غیر رسمی و مشورتی‌شان است. در هر حال، حاصل کار آنها بیشتر با حکمیت تعیین می‌شود تا با میانجی‌گری، و رضایت بزه‌کار برای مشارکت همیشه یک التزام نیست. سوال اساسی این است: آیا چنین نظام‌هایی می‌توانند جایگزین موفق‌تری برای نظام‌های دولتی شوند، و اگر چنین است، این‌ها می‌توانند از اصول و هدف‌های ترمیمی الهام بگیرند؟

قواعد عرفی در بسیاری از کشورهای آفریقایی می‌توانند مبنایی برای بازسازی ظرفیت نظام دادرسی فراهم کنند. هدف نخست قواعد عرفی برقراری مصالحه و حل و فصل اختلاف بین زیان دیده و خطا کار است. «هدف اصولی که تجربیات هزاران ساله آن‌را ثابت کرده، تضمین احساس عدالت و حل و فصل اختلاف بین طرف‌های منازعه از طریق اعاده و یا حفظ مسئولیت اجتماعی است.»^{۳۴}

نظام‌های «رده سنی» برای مصالحه و آشتی در جنوب شرقی نیجریه و بسیاری از بخش‌های غرب آفریقا از پادرمیانی گروه همسانان استفاده می‌کنند. گرچه بعضی از این فرآیندها مستبدانه‌اند، ولی می‌توانند راهبرد مفیدی برای شناسایی جنبه‌های مثبت این گونه ساختارهای موجود باشند و با مبنا قرار دادن نقاط قوت آنها می‌توان ساختارهای ترمیمی تری روی آنها بنا کرد.

نظام قضایی بارانگای (Barangay) در فیلیپین از یک ناخدای منتخب محلی بارانگای و یک «کمیته صلح بان» تشکیل می‌شود و به پرونده‌های مربوط به درگیری‌های بین اهالی رسیدگی می‌کند. جلسه میانجی‌گری توسط ناخدا یا یکی از اعضای کمیته تسهیل می‌گردد. توافق‌های حاصله در این فرآیند لازم الاجرا هستند و توسط دادگاه‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند. این نظام به‌خاطر قصور در اطلاع رسانی کافی به شرکت‌کنندگان درباره حقوقشان، یا جانبداری، فساد یا تبعیض‌های جنسیتی مورد انتقاد قرار گرفته است. برای کاهش برخی از کمبودهای این فرآیند برنامه‌ای طراحی شده است تا رهبران جامعه محلی را عمدتاً از میان زنان به‌عنوان حامیان نظام قضایی بارانگای تربیت کنند.^{۳۵}

اخیراً یک بررسی در مورد سه شکل گسترده شالیش (نظام قضایی جامعه-محور) در بنگلادش و بارانگای در فیلیپین مشخص کرد که پیامدهای این نظام‌ها متناسب نیستند و همراه با مسائل مکرر ناشی از دستاوردهای غیر منصفانه، تبعیض جنسیتی، فساد، سلطه نخبگان محلی بر این فرآیند و جانبداری‌های سیاسی است. بدون شک اصلاح و بهسازی چنین نظام‌هایی در دل تحولات وسیع‌تر، تحولات نهادی و ابتکارهای توانمندسازی جای داده می‌شود. به‌هرحال، احتمال نمی‌رود اصلاحات صرفاً فنی، که به مسائل ساختاری در ریشه فساد و تبعیض رسیدگی نمی‌کنند و یا به نابرابری‌های قدرت که نوعاً نشانگر ویژگی‌های این فرآیندهای غیر رسمی هستند توجه نمی‌کنند، بتوانند باعث رسیدن به دست‌آوردهای منصفانه عدالت ترمیمی باشند.^{۳۶} در اوگاندا دادگاه‌های شورایی محلی توسط قانون موضوعه نهادینه شده و می‌توانند احکامی مبنی بر جبران خسارت، غرامت، مصالحه یا عذرخواهی و همچنین اقدامات اجبارآمیزتر صادر نمایند.^{۳۷}

34-Jok, Leitch, and Vandewint, 2004, p. 16

35-Parker, 2004

36-Golub, 2003

37-Stevens, 2000

توسعه رویه‌های عدالت عرفی

در بسیاری از کشورها هنوز بیشتر مردم در روستاها زندگی می‌کنند. آنها در جوامعی بسر می‌برند که همه یکدیگر را می‌شناسند و از نزدیک مراقب کارهای یکدیگرند. یک عمل مجرمانه که شخص الف بر علیه شخص ب مرتکب می‌شود ممکن است ریشه در اختلافات دیرینه بین طرف‌ها داشته باشد که این عمل مجرمانه فقط یکی از نشانه‌های آن است. بنابراین، تصمیمات قضایی در چنین مواردی، اختلاف را حل نخواهد کرد. بلکه باعث بروز موارد بیشتری بر مبنای «تلافی جویی» خواهد شد. در بسیاری از جوامع پس از منازعه، نظام قضایی فروپاشیده برای مردم عادی چاره‌ای جز حل اختلاف در میان خودشان باقی نمی‌گذارد. به هر حال، امکان پیاده کردن مبانی کاربرد اصول عدالت ترمیمی روی نظام عدالت عرفی فعلی وجود دارد.

- در جمهوری دموکراتیک کنگو اغلب مردم (به علت عدم وجود دادگاه) حتی در موارد جدی کیفری برای حل اختلافات خود و قضاوت نزد رئیسان و بزرگترها می‌روند و فقط هنگامی که مهر رسمی لازم است (از جمله در زمینه موضوعات مدنی شامل فرزند خواندگی و سرپرستی) به نظام قضایی دولتی رجوع می‌کنند. به هر حال، به علت جابجایی جوامع و فساد رؤسای سنتی و بزرگترها، برای کمک به مردم در حل اختلافات خود، مکانیسم جدیدی توسط سازمان‌های مردم-نهاد و گروه‌های مذهبی تدوین شده است. مثلاً یک سازمان مردم-نهاد بنام وارثان عدالت (Heritiers de la Justice) یک کمیته میانجی‌گری و دفاع تشکیل داده که در سراسر کی ووی جنوبی (South Kivu) مستقر است. اعضای کمیته و حلقه‌های وابسته به آن در زمینه حقوق بشر و مهارت‌های میانجی‌گری آموزش دیده و به صورت مقدماتی با قوانین مربوطه آشنا شده‌اند.

- در بنگلادش، وجه تمایز عمده بین شالیش سنتی (سازوکار سنتی حل اختلاف در سطح روستا که کدخدا یا بزرگان روستا را در بر می‌گیرد) و شالیشی که سازمان مردم-نهاد هماهنگ می‌کند این است که اولی متکی بر حکمیت است و دومی یک فرآیند میانجی‌گری است. طرفین در اولی ملزم به پذیرش رای افراد اداره کننده فرآیند می‌باشند، در حالیکه در دومی آموزش‌های سازمان مردم-نهاد با هدف رسیدن به راه حل مورد قبول طرفین به هر دو طرف تصمیم‌گیرنده توان دخالت در حل اختلاف می‌دهد. فرآیند بسیار مشارکتی است و ماحصل کار معمولاً مورد پذیرش طرفین قرار می‌گیرد، چون: (الف) هر دو طرف روی آن توافق کرده‌اند؛ و (ب) مشارکت حداکثری روستائیان و نقش ایفا شده توسط میانجی‌گران به آنها اطمینان بیشتری می‌دهد که هر دو طرف (از طریق فشار اجتماعی) به پذیرش توافق حاصله تن در خواهند داد.

۳- اصول و

ضمانت‌ها

۳-۱ اصول بنیادین استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری

اصول بنیادین استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری (به پیوست ۲ مراجعه کنید) در سال ۲۰۰۲ توسط شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل به تصویب رسید. هدف این میانی مطلع کردن و تشویق کشورهای عضو به پذیرش و به صورت رویه معمول در آوردن اقدامات عدالت ترمیمی در چارچوب نظام‌های قضایی این کشورها است، اما هیچ قصدی برای اجباری یا تجویزی کردن آنها ندارد. بخش مرکزی اصول بنیادین با تعیین پارامترهایی برای عدالت ترمیمی، و اقداماتی سروکار دارد که کشورهای عضو باید برای اطمینان از بهره‌مندی مناسب شرکت کنندگان در فرآیندهای ترمیمی از حمایت‌های قانونی در پیش گیرند. به طور مشخص، به ترتیب در بخش‌های دو و سه این سند سعی بر این است که استفاده مقتضی از عدالت ترمیمی (از جمله، وقتی که مدارک کافی علیه بزه کار وجود دارد تا مداخله را توجیه کند و هنگامی که قربانی و بزه کار رضایت دارند) و همچنین ماهیت حمایت‌های قانونی که باید به مرحله اجرا گذاشته شوند، تعریف شوند.

اصول بنیادین به حمایت‌های اساسی زیر عنایت دارد (پاراگراف ۱۳):

حق مشورت با مشاور حقوقی: قربانی و بزه کار باید از حق مشورت با مشاور حقوقی درباره فرآیند ترمیمی، و در صورت نیاز، دسترسی به مترجم برخوردار باشند.

حق دسترسی صغار به کمک یکی از والدین یا سرپرست: صغار باید حق دسترسی به کمک یکی از والدین یا سرپرست خود را داشته باشند.

حق آگاهی کامل: طرفین قبل از موافقت با مشارکت در فرآیند عدالت ترمیمی باید کاملاً از حقوق خود، ماهیت فرآیند و نتایج احتمالی تصمیم خود آگاه شوند.

حق مشارکت نکردن: نه بزه کار و نه قربانی هیچ‌یک نباید به زور یا به وسایل غیر منصفانه وادار به مشارکت در فرآیندهای ترمیمی و یا پذیرش حاصل کار آنها شوند. رضایت آنها الزامی است. کودکان نیز ممکن است به مساعدت و مشورت ویژه قبل از اعلام رضایت معتبر و مبتنی بر آگاهی نیازمند باشند.

اصول بنیادین فرض را بر این نمی‌گذارد که برای حصول اطمینان از وجود ضمانت‌های قانونی بنیادین جهت حمایت از کسانی که در فرآیندهای ترمیمی مشارکت دارند و تضمین منصفانه بودن فرآیندها همیشه نیاز به وضع قوانین است.

افزون بر این، سایر سازوکارهای حمایتی مهم (به پاراگراف‌های ۱۴ تا ۱۷ مراجعه کنید) در قوانین یا سیاست‌ها نیز باید موجود باشند:

مشارکت در فرآیند دلیلی بر تقصیر نیست: مشارکت یک بزه کار در یک فرآیند عدالت ترمیمی نباید در روند رسیدگی‌های قانونی بعدی به‌عنوان دلیلی برای پذیرش تقصیر استفاده شود (پاراگراف ۸).

توافقی‌ها باید داوطلبانه و منطقی باشند: توافقی‌های حاصله در یک فرآیند ترمیمی باید داوطلبانه و فقط دربرگیرنده وظایف و تکالیف منطقی و متناسب باشند (پاراگراف ۷).

محرمانه ماندن جریان کار: «مباحثات در فرآیند ترمیمی که غیر علنی صورت می‌گیرد باید محرمانه بماند و نباید بعداً افشا شود، مگر با توافق طرفین و یا در صورت الزام قانون ملی» (پاراگراف ۱۴). هدف سایر اسناد حقوق بشر نیز حمایت از حریم خصوصی کودکان و محرمانه ماندن فرآیند رسیدگی قضایی مربوط به کودکان است. آنها نیز در اینجا قابل استناد هستند.

نظارت قضایی: «نتایج توافقی‌های حاصل از برنامه‌های عدالت ترمیمی در صورت لزوم باید تحت نظارت قضایی یا آمیخته با تصمیمات یا داوری‌های قضایی باشد» (پاراگراف ۱۵). در این صورت حاصل کار فرآیند باید جایگاهی مشابه هر تصمیم قضایی دیگر داشته باشد. بنابراین حاصل کار در اغلب نظام‌ها می‌تواند توسط قربانی یا دادستان مورد فرجام‌خواهی قرار گیرد. با توجه به همان حقایق، این دست‌آوردها باید مانع پیگرد قضایی شود.

ناکامی در رسیدن به توافق: ناکامی در رسیدن به یک توافق نباید در فرآیندهای قضایی کیفری بعدی علیه بزه کار استفاده شود.

عدم اعمال مجازات اضافی به علت ناکامی در انجام یک توافق: ناکامی در اجرای توافق حاصله در جریان فرآیند عدالت ترمیمی (نه تصمیمات و یا احکام قضایی) نباید در فرآیندهای کیفری بعدی به عنوان توجیهی برای وضع محکومیت‌های شدیدتر استفاده شود.

اصول بنیادین به کشورهای عضو توصیه می‌کند که وضع رهنمودها و استانداردهای در صورت نیاز الزام‌آور قانونی را برای مدیریت کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی مد نظر قرار دهند. همواره پرسش‌هایی مطرح می‌شود درباره این که آیا برای معرفی و ارائه برنامه‌های عدالت ترمیمی نیاز به قانون‌گذاری است. در اغلب موارد این پرسش‌ها پاسخی محلی می‌طلبند که نظام موجود، قوانین و ماهیت ابتکارهای عدالت ترمیمی که باید به اجرا درآیند را مد نظر داشته باشد. در این باره در فصل چهار بیشتر بحث خواهد شد.

اصول بنیادین مشخص می‌کند که ممکن است در بعضی موارد اتخاذ سیاست‌ها و تدوین رهنمودهای روشن جهت هدایت برنامه‌های جدید و ایجاد چارچوب هنجاری لازم کافی باشد. این مبانی (در پاراگراف ۱۲) تصریح می‌کنند که چنین رهنمودهایی، علاوه بر سایر چیزها، باید در برگیرنده موارد زیر باشند:

- (الف) شرایط ارجاع پرونده‌ها به برنامه‌های ترمیمی؛
- (ب) رسیدگی به پرونده‌ها پس از یک فرآیند ترمیمی؛
- (پ) شایستگی‌ها، آموزش و ارزیابی تسهیل‌گران؛
- (ت) تشکیلات اداری لازم برای برنامه‌های عدالت ترمیمی؛ و
- (ث) معیارهای شایستگی و مقررات رفتاری حاکم بر اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی.

در برخی کشورها قانون تنظیم‌کننده فرآیندهای عدالت ترمیمی تاسیس یک کمیسیون اخلاقی را توصیه می‌کند. چنین کمیسیونی می‌تواند دو وظیفه داشته باشد: از یک طرف تهیه رویه شکایت برای قربانیان، بزه‌کاران و سایر کسانی که در فرآیند عدالت ترمیمی ذیمدخل هستند، و از طرف دیگر، توضیح دقیق اصول اخلاقی و رهنمودهای مربوط به فعالان برنامه‌های عدالت ترمیمی.

در چارچوب شورای اروپا، توصیه شماره ۱۹ (۹۹) R کمیته وزیران کشورهای عضو مربوط به میانجی‌گری در موضوعات کیفری دربردارنده خصوصیات بسیار مشابهی است و توصیه می‌کند که قوانین لازم برای تسهیل میانجی‌گری در موضوعات کیفری توسط کشورهای عضو وضع شود.

۳-۲ نمونه رهنمودها و محتوای آنها

در بسیاری از نظام‌های قضایی، اختیار قانونی ویژه مداخله‌های ترمیمی با انتشار متون دیگری که قدرت قانونی یا شبه قانونی دارند، تکمیل می‌شوند. چنین متونی نوعاً تدوین آئین‌های ناظر بر جریان مداخله‌ها را تجویز یا توصیه می‌کنند.^{۳۸} چندین نمونه از رهنمودهایی که توسط سازمان‌های دولتی یا گروه‌های حرفه‌ای تدوین شده‌اند، موجود است. یکی از آنها در زیر ارائه شده است.

رئوس مطالب یک بیانیه در باره اصول منشور اخلاقی در عدالت ترمیمی^{۳۹}

اصول مربوط به منافع طرفین (نیازها و حقوق)

اصولی که به همه طرفین مربوط‌اند:

- مشارکت داوطلبانه و رضایت آگاهانه
- عدم تبعیض، بدون توجه به ماهیت پرونده
- دسترسی به سازمان‌های کمک کننده مربوطه (از جمله سازمان‌های مجری برنامه‌های ترمیمی)

- حمایت از طرف‌های آسیب پذیر در فرآیند
- حفظ دسترسی به شیوه‌های متعارف حل و فصل اختلاف و یا پرونده (از جمله دادگاه‌ها)
- اطلاعات فاش شده پیش از محاکمه باید مصون بمانند (با لحاظ مصالح عمومی)
- حقوق مدنی و کرامت افراد باید محترم شمرده شود
- از امنیت فردی حمایت شود.

اصولی که به افراد زیان دیده مربوط‌اند:

- نیازها و احساسات‌شان جدی گرفته شود.
- زیان‌های وارده به آنها مورد تصدیق قرار گیرد.
- حق‌شان برای مطالبه خسارت اثبات گردد.

اصولی که به افراد مسئول ایراد خسارت به دیگران مربوط‌اند:

- (از جمله آنان که با مجازات‌های کیفری روبرو می‌شوند)
- حق دادن پیشنهاد جبران خسارت قبل از اینکه به صورت رسمی ملزم به انجام آن شود.
- حق برخورداری از روند مناسب در محاکمه (از جمله بی‌گناه فرض شدن در جریان رسیدگی‌های قضایی بعدی)

38-Miers, 2001, 79

39-Source: Mackay, 2004, pp. 63-64

- در صورت وضع مقررات اصلاحی، این مقررات باید اولاً با توان مرتکب جرم برای انجام آن و ثانیاً با جرم ارتكابی تناسب داشته باشند.
- مقررات اصلاحی باید متناسب با کرامت انسانی فرد بزه کار باشد.

اصول مربوط به مصالح جامعه و اجتماع محلی

- امنیت جامعه با اقداماتی برای پیشگیری از جرم، کاهش آسیب و هم‌سازی اجتماعی ارتقا یابد.
- همبستگی اجتماعی باید با احترام به گوناگونی فرهنگی ارتقا یابد.
- همبستگی اجتماعی باید با بالا نگهداشتن روحیه عمومی و احترام به قانون ارتقا یابد.

اصول مربوط به سازمان‌هایی که در کنار سیستم قضایی فعالیت می‌کنند

- حل و فصل پرونده بدون تعقیب قضایی باید مورد توجه قرار گیرد به جز در مواردی که سطح آسیب وارده، خطر بروز آسیب بیشتر، مسائل مربوط به سیاست عمومی، عدم توافق درباره حقایق یا حاصل کار مناسب مستلزم اقدام صریح دادگاه باشد.
- اعمال تصمیمات چه به صورت انفرادی و چه نظام مند، نباید حقوق پیش بینی شده تحت قانون را به خطر اندازد یا موجب تبعیض شود.
- اقدامات عدالت ترمیمی نباید تابع سایر هدف‌های عدالت کیفری همچون قضازدایی یا بازتوانی باشند.

اصول مربوط به سیستم قضایی

- هدف اولیه اقدامات دادگاه باید ادغام مجدد طرفین در جامعه باشد.
- هدف کلیدی در ختم پرونده باید ترمیم آسیب وارده باشد.
- مقررات ترمیمی باید برای پرونده متناسب باشد (به مطلب بالایی نگاه کنید)
- هرگاه یک اعمال مقررات ترمیمی ممکن و متناسب است باید بدون توجه به خواسته‌های طرفین در پرونده‌های کیفری آن را اعمال کرد. هرگاه یک قربانی از مشارکت امتناع کرد باید جایگزینی پیدا کرد.
- اشتیاق واقعی مرتکب جرم برای ترمیم آسیب باید در مختومه کردن پرونده در نظر گرفته شود.
- محتوای میانجی‌گری‌ها و یا همایش‌ها باید ضمن رعایت مصالح عمومی مصون باشد.

اصول مربوط به سازمان‌های مجری عدالت ترمیمی

- تعهد به انجام کار مبتنی بر حقوق، از جمله التزام به اینکه طرفین از حقوق خود مطلع باشند و تشویق شوند تا پیش از متعهد شدن نسبت به توافقات ناشی از میانجی‌گری مشورت کنند.
- بی‌غرضی میانجی‌گران

- بی‌طرفی میانجی‌گران
- رعایت محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به پرونده بین طرفین و دیگر سازمان‌ها، از جمله رعایت اصل «دیوارهای چینی»^{۴۰} میان بخش‌های دیگر همان سازمانی که در خصوص پرونده نقش خاصی دارد (این برای حصول اطمینان از آن است که اقدامات ترمیمی تحت تاثیر حرکت در جهت هم‌سویی دورن سیستمی قرار نگیرد).
- تسهیل مشارکت طرف ضعیف‌تر در یک مذاکره.
- حفظ استانداردهای اخلاقی رفتار عمومی در فرآیندهای مبتنی بر میانجی‌گری / همایش و راه‌حل‌های پیشنهادی برای پرونده.
- میانجی‌گران نقش دیگری در پرونده نداشته باشند.
- پیروی از رهنمودهای جنبش عدالت ترمیمی به بهترین نحو.
- تعهد به آموزش‌های معتبر اولیه و تداوم آن.
- تعهد به ایده‌حل و فصل‌سازنده اختلاف در محیط کاری (این برای اطمینان از یکپارچگی درونی است).
- تعهد به اعتلای کار از راه نظارت، بازبینی و مشارکت در تحقیقات.
- تعهد به اعتلای کار از راه تفکر و تامل پیرامون عملکرد و رشد فردی میانجی‌گران.

۴۰- مواعی که برای جلوگیری از تبادل اطلاعات بین کارکنان یک موسسه ایجاد می‌شود تا از تعارض منافع پیشگیری کند. (مترجم)

۴- از اصول

تا عمل: اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی

بیشتر ناظران تایید می‌کنند که استفاده از تدبیرهای عدالت ترمیمی هنوز در مرحله شناسایی است و درباره کاربرد و کارکرد آن اطلاعات بیشتری مورد نیاز است. اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های عدالت ترمیمی نیازمند دست زدن به ابتکارهای راهبردی و نوآورانه است که با همکاری دولت‌ها، جوامع، سازمان‌های مردم-نهاد، قربانیان و بزه‌کاران ممکن می‌شود. افزون بر برنامه‌های نو، می‌توان ساختارها و فرآیندهای موجود قضایی را با گنجاندن عناصری از عدالت ترمیمی جرح و تعدیل کرد.

چند مرحله مهم دیگر نیز هست که به اجرای موفقیت‌آمیز و دوام ابتکارهای عدالت ترمیمی کمک می‌کنند. این مراحل عبارتند از قانون‌گذاری؛ رهبری و سازمان‌دهی؛ حمایت از پذیرش توسط نظام عدالت کیفری؛ شناسایی و بسیج توانمندی‌های اجتماع؛ طراحی دقیق برنامه‌ها برای تقویت توانایی‌های موجود جامعه و نظام دادرسی و توجه به احتمالات موجود؛ و برنامه‌ریزی و نظارت دقیق بر فرآیند اجرا. هر یک از این پرسش‌ها در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرند.

علاوه بر این‌ها، تعداد دیگری از عوامل کلیدی که با اجرای موفقیت‌آمیز برنامه عدالت ترمیمی^{۴۱} همراه‌اند عبارتند از:

- نگرش راهبردی؛
- رهبری قوی مدیران ارشد عدالت کیفری؛

41-See Miers, 2003

- ارتباط موثر بین کارکنان قضایی در فرآیندهای ترمیمی و حمایت از آنها؛
- ادغام فرآیندهای ترمیمی در نظام دادرسی به جای این که به آنها به عنوان فرآیندهای جانبی نگریسته شود؛
- راهبردهای موثر ارتباطاتی برای آموزش و آگاه کردن جامعه، پلیس، قوه قضائیه، مقامات اصلاحی و تربیتی، و دیگرانی که در ارائه خدمات قضایی دخالت دارند؛
- استفاده از منابع و تجارب محلی، از جمله سازمان‌های داوطلب؛
- مشارکت موثر میان کارکنان و سازمان‌های عدالت کیفری و سازمان‌های جامعه-محور؛
- مشارکت موثر میان کارکنان عدالت کیفری و سازمان‌های داوطلب؛
- یک چارچوب عملیاتی واضح، شامل آئین نامه‌هایی که حوزه‌های اختیارات و مسئولیت‌ها را تعریف می‌کند؛
- تعیین ضوابط راهنمای ارجاع پرونده‌ها به فرآیندهای ترمیمی، از جمله تعیین اینکه کدام پرونده‌ها/ بزه کاران/ قربانیان جرم از این ارجاع‌ها بیشترین بهره را خواهند برد؛
- آموزش موثر و جامع کارکنان عدالت کیفری و برنامه‌های جامعه-محور؛
- مجموعه‌های مهارتی و حوزه‌های تخصصی که به خوبی برای کارکنان عدالت کیفری و جامعه-محور طراحی شده‌اند؛ و
- ایجاد معیارها یا شاخص‌های معتبر سنجش عملکرد.

۱-۴ نگرش‌های راهبردی

اصول بنیادین (پاراگراف ۲۰) توصیه می‌کند که کشورهای عضو «تدوین راهبردها و سیاست‌های ملی را با هدف توسعه عدالت ترمیمی و ترویج فرهنگ سازگار با کاربرد عدالت ترمیمی توسط مجریان قانون، مقامات قضایی و اجتماعی و همچنین جوامع محلی» مد نظر قرار دهند.

روشن است که هنگام عرضه تغییرات عمده سازمانی در نظام عدالت کیفری، یک نگرش راهبردی برای اجرایشان توصیه می‌شود. هنگامی که تغییرات مورد نظر نشانگر فاصله گرفتن جدی از فلسفه‌ها، رویه‌ها و عملکردهای موجود است، بهتر است برای یافتن بهترین رویه‌ها در این حوزه و حرکت آشکار و راهبردی برای ایجاد پایگاه حمایتی قوی برای تغییرات پیشنهادی از تجربیات دیگران بهره‌گیری کرد. تجربه نشان می‌دهد که مشاوره گسترده معمولاً بهترین پایگاه برای ایجاد برنامه‌های موفق است. در بعضی موارد، مشاوره‌های ملی مقدم بر مشاوره‌های محلی و خاص می‌شوند. باید فرصت‌های جدی در اختیار رهبران و برخی ذینفعان کلیدی عدالت کیفری قرارداد تا سهم خود را در تدوین راهبردهای جدید و رشد تدریجی فرآیندهای موجود، که از لحاظ نگرش و حاصل کار خود دارای توان بالقوه ترمیمی هستند، ادا کنند. به همین صورت، افراد مسئول و اعضای جامعه باید تشویق شوند که در خود نسبت به برنامه‌های جدید احساس مالکیت کنند. برنامه‌ریزی‌های مناسب برای چنین ابتکارهایی معمولاً شامل آماده‌سازی دقیق هر مرحله از فرآیند اجرا و تدوین یک راهبرد برای نظارت و ارزیابی آنها است.

درس‌های گرفته شده برای تدوین برنامه‌ها

پیشرفت برنامه عدالت ترمیمی به بهترین نحو زمانی تجربه می‌شود که:

۱. برنامه‌ها بر مبنای تشریک مساعی تدوین و در هر جا که ممکن باشد سازمان‌های عدالت کیفری، سازمان‌های خدمات اجتماعی، سازمان‌های مردم-نهاد، انجمن‌های اجتماعی و بخش خصوصی در آنها دخالت داده شوند. احتمال می‌رود که در غیاب ترتیبات لازم برای تشریک مساعی مشکلاتی در ارجاع پرونده‌ها از طرف پلیس و جلب حمایت دفاتر دادستانی و سایر حمایت‌های لازم پدید آید.

۲. از راهبرد ارتباطاتی موثر برای ایجاد یک محیط سازمانی که خواهان گنجاندن و یا تشریک مساعی برای ایجاد رویه‌های عدالت ترمیمی و آموزش جامعه درباره این نگرش است، استفاده شود.

۳. با گروه‌های ذینفع و گروه‌های حامی در جامعه مشورت شود.

۴. توافق روشنی درباره معیارهای مورد استفاده در ارجاع مددجویان به برنامه‌های عدالت ترمیمی وجود داشته باشد.

۵. به قربانیان جرم، از جمله زنان قربانی خشونت، و افراد سایر «گروه‌های آسیب‌پذیر»، برای مشارکت کردن یا نکردن در یک فرآیند عدالت ترمیمی حق انتخاب واقعی داده شود. این فرآیند مبتنی بر اندیشه «انتخاب آگاهانه» است و در برگیرنده مقررات ویژه‌ای برای محرمانه نگاه داشتن، توضیح مزایا و معایب فرآیند ترمیمی در برابر سیستم متعارف قضایی، اطلاعات مربوط به حق برخورداری از مشاوره حقوقی و داشتن نماینده حقوقی در هر مرحله از فرآیند، منابع حمایتی موجود، و دسترسی به اطلاعات مربوط به میزان تجربیات و توانمندی‌های تسهیل‌گر است.

۶. استانداردهای آموزشی و نظارت داوطلبان، تسهیل‌گران و میانجی‌گران تدوین شده و مورد توافق قرار گیرد.

۷. در هر برنامه ترمیمی یک بخش ارزیابی کننده جای داده شود.

۸. درباره منابع لازم برای تداوم و پایداری برنامه‌ها دقیقاً فکر شده باشد. در کشورهای کم‌درآمد باید توجه کرد که چگونه می‌توان با منابع کم یا بدون وجود منابع اضافی ظرفیت‌های موجود را تقویت کرد.

۲-۴ طراحی برنامه و اجرا

این کتاب به منظور سهولت کار روی برنامه‌های منفرد تمرکز دارد. به هر حال، باید اذعان کرد که اجرای عدالت ترمیمی صرفاً یک امر ساده مثل ایجاد برنامه‌ای کامل و خودکفا نیست. عدالت ترمیمی می‌تواند برای هر جنبه از عدالت کیفی اطلاعاتی داشته باشد و در مواقع مقتضی روی رویه‌های سنتی بنا شود.

در مرحله طراحی برنامه، مشاوره‌های گسترده و مناسب بسیار مهم‌اند. این مشاوره‌ها می‌توانند به همه کسانی که نفعی از برنامه‌های ترمیمی می‌برند کمک کنند تا نسبت به برنامه در خود نوعی احساس مالکیت نمایند و مشروعیت نگرش‌های تازه را در نظر قربانیان، بزه‌کاران و ذینفع‌های مهم دیگر تضمین کنند. مرحله طراحی شامل چند انتخاب اساسی است که با اجماع عمومی مبتنی بر اطلاعات به روز شده درباره بهترین رویه‌ها بهتر صورت می‌گیرند. این انتخاب‌ها را نمی‌شود به تفصیل در اینجا توضیح داد، اما نکات زیر در همه آنها مشترک است:

- نوع و مدل برنامه (از جمله تصمیمات مربوط به ساختار، انواع و سطوح مناسب مداخله، روابط بین برنامه و نظام عدالت کیفری، و غیره). این ممکن است در بسیاری از موارد مستلزم ارزیابی نیازها، نقاط قوت، و چالش‌های جامعه باشد.
- سازمان و مکان برنامه.
- تعریف حاصل کار و یا توافقی که در طول برنامه پیگیری خواهد شد و این که چگونه بر التزام به اجرای این توافق نظارت خواهد شد.
- تعیین اولویت‌ها.
- تضمین تعهد شرکا و ذینفعان برای ارجاع پرونده‌ها به این برنامه و تعیین معیارهای مناسب برای ارجاع پرونده‌ها.
- تعیین شیوه یا فرآیند ارزیابی که برای تعیین صلاحیت پرونده جهت مطرح شدن در برنامه استفاده خواهد شد.
- تدارک یک ساختار نظارتی دقیق و رهبری با کفایت برای برنامه.
- طرح ریزی برای مدیریت موثر برنامه.

- برآورد هزینه‌ها، بودجه بندی، و رسیدگی به موضوعات مربوط به تداوم برنامه. این امر دربردارنده پیش بینی مسائل مربوط به میزان به صرفه بودن برنامه نیز می‌شود.
- استخدام، آموزش و نقش داوطلبان.
- استخدام و آموزش تسهیل‌گران و سایر کارکنان.

برای تسهیل تدوین و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در شرایط متفاوت، دستورالعمل‌ها و ابزارهای دیگری هم موجود است.^{۴۲}

انتخاب یک مدل: یکی از مهم‌ترین تصمیماتی که هنگام طراحی یک ابتکار جدید گرفته می‌شود انتخاب یک برنامه مناسب به‌عنوان مدل است. البته این تصمیم باید مبتنی بر اطلاعات مربوط به بهترین رویه‌ها در عرصه عمل باشد. اما باید از یکسری پارامترها و احتمالات (قانونی، مالی، فرهنگی، نگرش عمومی و غیره) که انتظار می‌رود برنامه در چارچوب آنها اجرا شود نیز آگاه باشد. معمولاً در این مرحله بهترین نقطه شروع، مشاوره گسترده بر اساس اطلاعات مفید در باره گزینه‌های برنامه‌ریزی و پیامدهای آنها است. این امر در بسیاری از کشورها می‌تواند بخشی از اجرای راهبرد ملی (با حس جهت شناسی خودش) و بر اساس مشاوره‌های ملی باشد.^{۴۳} شناسایی نیازها و چالش‌های جامعه نیز معمولاً یک گام ضروری است. سرانجام، توجه به این نکته هم لازم است که مهم‌ترین ویژگی یک برنامه جدید، انعطاف‌پذیری و خلاقیت آن است. لذا توان تطابق با نیازها و شرایط متغیر و یادگرفتن از تجربه‌ها باید در طراحی برنامه، مد نظر قرار گیرد. در این صورت، ممکن است تفاوت‌های میان میانجی‌گری اجتماعی و همایش گروه-خانواده یا فرآیندهای جامعه-محور به تدریج از بین برود.

تعریف دست آورد و یا توافقی که باید حاصل شود: برخی از دست‌آوردهای فرآیند عدالت ترمیمی می‌تواند شامل عذرخواهی، توافق و یا تعهدهای شفاهی یا کتبی؛ قول‌هایی درباره رفتار آینده؛ رد مال و یا جبران خسارت؛ یا خدمات اجتماعی باشد. به‌رحال تعریف نتایجی که از طریق فرآیندهای ترمیمی پی گرفته خواهد شد بسیار پیچیده‌تر از چند انتخاب از فهرست بالا است. ضمناً چگونگی نظارت بر این توافق‌ها، تصویب یا عدم تصویب قضایی آنها، و در صورت تصویب قضایی چگونگی نظارت قضایی بر آنها، و این که تاسیس کدام سازوکارهای نظارتی برای مطلوب بودن نحوه کار لازم و کدام سازمان مسئول آن خواهند بود نیز باید مشخص شود. ضمناً این به معنای تدوین رویه‌های توافق شده‌ای برای رسیدگی به موارد قصور در اجرای توافق‌ها، تعیین مسئولی برای رسیدگی به این قصورها، مطلع کردن قربانی و جامعه و حصول اطمینان از مطلع شدن سازمان ارجاع دهنده از وضعیت هم هست.

42-See: Aertsen et al., 2004; Linden and Clairmont, 1998; and, Sharpe, 1998

43-For example: Great Britain: Home Office, 2003; and Thailand: Kittayarak, 2005

بین نگرش‌های عمیق در مقابل نگرش‌های سطحی به حل اختلافات گاهی می‌شود تمایز قایل شد. در هر برنامه عدالت ترمیمی مدیران و دست‌اندرکاران باید بین اتخاذ یک نگرش عمیق یا یک نگرش سطحی نسبت به شیوه انجام فرآیندها و جلساتشان دست به انتخاب مهمی بزنند. در حالی که تمرکز نگرش سطحی بر حصول توافق‌های ملموس و برخی نتایج مشخص است، هدف‌های فراگیرتر عدالت ترمیمی دربردارنده بستن پرونده، مصالحه، و التیام است که معمولا مستلزم یک نگرش عمیق است و توانمندسازی جدی شرکت‌کنندگان اصلی را ایجاب می‌کند.^{۴۴}

سازمان و مکان برنامه: از لحاظ تئوری یک برنامه می‌تواند در هر جایی در درون یا بیرون سیستم قرار گیرد. غالبا تصمیم‌گیری در این مورد بستگی زیادی به این دارد که کدام سازمان آماده پذیرش نقش راهبری است، چه مقدار منابع در دسترس قرار داد، و چقدر مشارکت‌ها و روابط موجود با اجتماع یا حمایت سیاسی مستحکم است. تصمیمات مربوط به نوع فرآیند ترمیمی که توسط یک برنامه ارائه خواهد شد و محل اجرای آن برنامه بسیار بهم مرتبط‌اند.

دو نگرش کلی وجود دارد که یکی از آنها از قراردادادن برنامه در درون سیستم قضایی پیروی می‌کند، یعنی یک «برنامه ادغام شده»^{۴۵} و دیگری یک برنامه «مجزا»^{۴۶} را تایید می‌کند که ارجاع‌ها را از سیستم و یا جامعه می‌پذیرد. هر یک از این مدل‌ها دارای نقاط قوت و محدودیت‌هایی هستند. یک برنامه مجزا ممکن است در ایجاد مشروعیت خود و دریافت ارجاع‌ها از نظام قضایی با مشکل روبرو شود؛ یک برنامه ادغام شده در سیستم ممکن است به‌خاطر مصلحت اداری با خطر «تحت سلطه» قرار گرفتن و کمرنگ شدن گرایش به عدالت ترمیمی روبرو باشد. به‌نظر می‌رسد از یک طرف ممکن است گروه‌های خاصی به برنامه‌هایی که توسط نظام قضایی اداره می‌شود مشکوک شوند و از این رو تصمیم به مشارکت نگیرند. از طرف دیگر، این هم واضح است که گروه‌های دیگر ارتباط نزدیک برنامه با پلیس یا دادگاه را به‌صورت یک تضمین برای مشروعیت و یک منبع برای حمایت خواهند دید. در حقیقت به‌نظر می‌رسد که چشم‌انداز خاص بستگی به ماهیت روابط بین این دفاتر و جامعه و اعتبار نسبی آنها در چشم جامعه دارد. قبل از انتخاب و ترجیح دادن یک نگرش بر دیگری، باید ماهیت این روابط و چگونگی اثر احتمالی آنها بر موفقیت آتی برنامه مدنظر قرار گیرد.

نقاط قوت و ضعف هر گزینه در هر وضعیت، رابطه آنها با آنچه که موفقیت برنامه را با قویترین احتمال تضمین و قوی‌ترین مشارکت بین سازمانی را ایجاد خواهد کرد، باید دقیقاً بررسی شود. در اغلب موارد لازم خواهد بود که به ایجاد یک نظام ساختاری برای برنامه توجه شود که بتواند یک حس مالکیت قوی نسبت به برنامه را در همه ذینفعان تقویت کند. معمولا این فکر خوبی است که با مشارکت اعضای گروه‌های جامعه مدنی و مسئولین عدالت کیفری یک کمیته مشورتی (یا نظارتی) ایجاد شود تا راهنمایی‌هایی به برنامه ارائه دهد، به‌طور منظم پیشرفت اجرای برنامه را بررسی کند، موضوعاتی را که مطرح می‌شوند شناسایی، و رابطه‌ای موثر بین دفاتر مربوطه مختلف برقرار کند.

44-Barton, 2000

45-Embedded programme

46-Stand alone

پرونده‌های هدف: یک برنامه هرگز نمی‌تواند «همه چیز برای همه کس» باشد. طراحی یک برنامه اساساً دربرگیرنده یک انتخاب و ترجیحاً با مشورت همه ذینفعان است. برنامه‌ها باید به نحوی طراحی شوند که به روشنی انواع پرونده‌های مورد نظر خود و چگونگی تنوع احتمالی مداخله‌های خود را با توجه به پرونده‌های منتخب مشخص کند. این برای همه جنبه‌های طراحی یک برنامه جدید اهمیت دارد، اما تدوین سازوکار مناسب برای ارجاع، برنامه‌ریزی مداخله، و آموزش افراد حرفه‌ای دست‌اندرکار اهمیت ویژه‌ای دارد. طبقه‌بندی حقوقی جرم‌ها الزاماً تنها مبنای تناسب یک پرونده خاص برای رسیدگی در فرآیند عدالت ترمیمی نیست. بلکه اغلب اینطور است که برنامه‌های تازه باید نگرشی رو به رشد داشته باشند، با پرونده‌های کوچک شروع کنند، و همراه با تکامل و قوی‌تر شدن برنامه به تدریج پیش بروند.

در خصوص این موضوع که آیا باید جرم‌های جدی را هدف قرار داد، اغلب گرایش به مسائل یا پرونده‌های مربوط به جرم‌های کم اهمیت‌تر و بزه‌کارانی است که برای نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند. شاید دلایل خوبی برای اول رسیدگی کردن به این‌ها باشد. اما مبنای ناچیزی برای این نظر است که برنامه‌های ترمیمی تنها برای جرم‌های کم اهمیت‌تر و یا بزه‌کاران بار اول مناسب‌اند، وجود دارد. درحقیقت نگرش‌های ترمیمی ممکن است برای جرم‌های بدون قربانی، که برای رسیدگی به آنها می‌توان از نگرش‌های دیگر استفاده کرد، بسیار مفرط و بی‌معنا باشند.

باید این را هم به‌خاطر داشت که استفاده از عدالت ترمیمی برای انواع خاصی از جرم‌ها بحث‌انگیزتر از دیگر جرم‌ها است. آنچه که در یک محتوای مفروض از همه بحث‌انگیزتر است به تعدادی از عوامل، از جمله ویژگی‌های جامعه، محتوای فرهنگی و یا ماهیت برنامه بستگی دارد. استفاده از عدالت ترمیمی مثلاً در موارد خشونت خانگی و تجاوزهای جنسی غالباً بحث‌برانگیز است. برخی از توصیه‌کنندگان عدالت ترمیمی آنرا برای همه انواع جرم‌ها مناسب می‌دانند و خواهان گسترش برنامه‌های ترمیمی به رسیدگی‌های مربوط به خشونت‌های خانگی و تجاوزهای جنسی هم هستند، مشروط بر اینکه روی اقدامات و تضمین‌های آن به‌دقت فکر شده باشد. دیگران، از جمله اعضای بعضی از سازمان‌های زنان، ابراز نگرانی کرده‌اند که نگرش ترمیمی ممکن است حتی بدون تقبیح کافی رفتار مجرمین، زنان قربانی را دوباره قربانی کند.

بعضی برنامه‌ها این‌گونه جرم‌ها را در مداخله‌های خود جا داده‌اند. مثلاً در اتریش پرونده‌های خشونت خانگی را می‌توان به میانجی‌گری ارجاع داد و تمهیداتی اتخاذ می‌شود برای اطمینان از اینکه همیشه یک زوج میانجی‌مرد/زن میانجی‌گری را با آموزش‌های ویژه‌ای که برای این کار دیده‌اند، هدایت کنند.^{۴۷} یک برنامه جدید هم اخیراً در تایلند ارائه شده است. کلینیک بازتوانی شوهر^{۴۸} دارای یک بخش ترمیمی و درمانی (برنامه مدیریت خشم) است که اداره مراقبت و پایش و اداره پلیس کلانشهر بانکوک بر آن نظارت می‌کنند.^{۴۹} به هر حال مفسرین متعددی به‌خاطر نبود تضمین‌های کافی و

47-See: Aertsen et al., (2004), p. 21

48-The Husband Rehabilitation Clinic

49-Kittayarak, 2005

خطراتی که متوجه امنیت قربانیان است با احتیاط از گسترش فرآیند عدالت ترمیمی به جرایم مربوط به خشونت علیه زنان صحبت می‌کنند و یا این که مخالف آن هستند.^{۵۰}

تعیین اولویت‌ها: برنامه‌های موفق خیلی زود باید با موضوع اولویت بندی در ارائه خدمات روبرو شوند. همیشه برنامه‌ریزی بر مبنای ارائه کامل خدمات میانجی‌گری برای همه آنانی که درخواست آنرا دارند میسر نیست. اما توجیه فراهم کردن فرصت برای بعضی از قربانیان و مستثنی کردن دیگران، صرفاً بر اساس خصوصیات بزه‌کاران، می‌تواند مشکل باشد.^{۵۱} واضح است، یکی از معیارهای موثر در اولویت بندی میزان اهمیتی است که فرآیند برای قربانیان دارد، اگر چه هنوز باید مراقب بود تا این اصل به نحوی به کار نرود که موجب اعمال تبعیض علیه بزه‌کاران خاصی شود. این انتخاب‌ها اثراتی هم بر هر یک از جنبه‌های دیگر طرح و عملیات برنامه (از جمله هزینه‌های برنامه، مقرون به صرفه بودن، توانایی جلب حمایت عمومی، توانایی ایجاد ارجاع‌های کافی، و غیره) دارد.

به منظور هدایت تصمیم‌گیری‌های مربوط به ارجاع و پذیرش پرونده‌ها، استانداردهایی (و در بعضی موارد استانداردهای ملی) برای هر برنامه لازم است که هم مقرون به صرفه و هم اثربخش باشد. منابع برنامه‌ها، مانند منابع سایر دفاتر مرتبط با فرآیند، الزاماً محدودند. سیاست‌های تعیین استاندارد و دستورالعمل‌های تعیین اولویت باید تا جای ممکن بر مبنای اطلاعات تجربی درباره تقاضا و نیاز بالقوه برای خدمات، منابع مورد نیاز برای وظایف مختلف و برای هر نوع پرونده باشد. بعضی دفاتر برای برخورد با موضوعات مربوط به تعیین اولویت ممکن است برای اقدام سریع فهرستی برای تعیین اولویت پرونده‌ها تهیه کنند. دفاتر دیگر ممکن است تصمیم بگیرند خدمات را برای انواع مختلف پرونده‌ها در سطوحی مختلف ارائه کنند. در تمام موارد سیاست‌ها و راهنمایی‌های روشن برای تسهیل تصمیم‌گیری کارکنان برنامه و دفاتر ارجاع اهمیت خواهند داشت.^{۵۲} همچنین اولویت‌هایی که توسط یک دفتر تعیین می‌شود باید مورد بحث قرار گیرد، و در هر جا که ممکن باشد، با دفاتر ارجاع نیز به مذاکره گذاشته شود. چون تعیین اولویت هر پرونده بررسی مجزای آنرا با توجه به مجموعه‌ای از استانداردها ایجاب می‌کند، لذا باید به همه افراد مسئول شاغل در هر دو دفتر برنامه و ارجاع آموزش کافی داده شود. تاثیر این استانداردها بر حجم کار برنامه باید به دقت پایش شود.

متعهد کردن شرکای کاری و ذینفعان: هنگامی که نقش شرکای کاری مختلف برنامه در قوانین یا سیاست‌ها تصریح نشده باشد، مشخص کردن یا گرفتن تعهد از همه شرکای کاری اهمیت خواهد داشت. در صورت امکان، تهیه مقررات بین سازمانی یا توافقنامه‌های رسمی (از جمله درباره موضوعاتی مثل اختیارات اداری، خط مشی برنامه، ارتباطات عمومی، ارجاع پرونده‌ها، آموزش‌های مشترک، تقسیم هزینه‌ها، جریان اطلاعات، تقسیم داده‌ها، حمایت از حریم خصوصی و محرمانه نگهداشتن اطلاعات، حل اختلافات میان شرکای کاری، طرز اداره برنامه و غیره) مطلوب خواهد بود.

50-See: Stubbs, 2004

51-Marshall, 1999, p. 25

52-Marshall, 1999, p. 25

ساختار اداری: معمولاً یک برنامه منسجم و انعطاف‌پذیر برنامه‌ای است که ساختار اداری روشن و قابل‌مدیریتی دارد و نگرانی‌ها و نیازهای همه شرکای کاری (از جمله جامعه) و تامین‌کنندگان مالی را برطرف می‌کند. یک ساختار اداری باید مسئولیت و پاسخگویی همه شرکت‌کنندگان را به‌وضوح ترسیم کند. اینها شامل مسئولیت برای: (الف) عملیات روزانه برنامه؛ (ب) استخدام، آموزش، و نظارت بر کار مدیران، کارکنان، و میانجی‌گران حرفه‌ای؛ (ج) مدیریت مالی و بودجه‌بندی؛ (ها) تعیین جهت و اولویت‌های برنامه؛ (و) تعیین سیاست‌های عملیاتی؛ (ز) تامین منابع مالی کافی و پایدار؛ (ح) ارتباط با رسانه‌ها و روابط عمومی؛ و (ط) نظارت و ارزیابی اجرا هستند.

مدیریت برنامه: وقتی یک ساختار اداری خوب ایجاد شد، باید با همکاری و مشورت با شرکای کاری و ذینفعان اصلی سیاست‌هایی مانند سیاست‌های عملیاتی و روش‌های مدیریت اطلاعات و حمایت از حریم داده‌ها، روندها و فرآیندهای ارجاع پرونده‌ها، مدیریت پرونده‌ها، پیشرفت حرفه‌ای، روابط عمومی، عملکرد برنامه، و ارزیابی و پایش برنامه، و غیره اتخاذ شوند.

پیش‌بینی هزینه‌ها، بودجه‌بندی و تامین بودجه: هر تغییر سازمانی و یا برنامه تازه حتی اگر به‌خاطر دستیابی به بهره‌وری اقتصاد یا افزایش صرفه اقتصادی اجرا شود، با هزینه‌های اجتناب‌ناپذیری همراه است. رویکردهای مقرون به صرفه معمولاً بدون هزینه نیستند. طراحی برنامه باید شامل بررسی واقع‌بینانه هزینه‌های مربوطه (مثلاً بر حسب نوع وظایف یا تعداد پرونده‌هایی که طی زمان مشخصی رسیدگی خواهد شد) باشد. در مورد سازمان‌های مستقل، تدوین طرح کاری متناسب با برنامه معمولاً مبنای خوبی برای تعامل با ذینفعان و سازمان‌های تامین‌کننده منابع مالی است. فرضیات کار، که برنامه بر مبنای آنها طراحی شده، و هزینه‌های برآورد شده باید به‌روشنی تبیین شود و هر عاملی که ممکن است در آینده بر این هزینه‌ها تاثیر گذارد باید مشخص شود. تدوین سیاست‌های مدیریت منابع و بهره‌وری، ساز و کارهای مناسب حسابرسی هزینه‌ها و پایش و ارزیابی و شاخص‌های عملکردی همگی به قرارگرفتن برنامه روی یک مبنای مالی درست کمک خواهد کرد.

تسهیل‌گران: اصول بنیادین تاکید می‌کند که برای حصول اطمینان از اینکه تسهیل‌گران تخصص و مهارت لازم برای ایفای نقش‌شان را دارند باید آموزش داده شوند و در صورت لزوم شناخت درستی از فرهنگ و جوامع محلی به‌دست آورند. مطلوب آن است که ساختار و فرآیندی برای تسهیل‌گران مجاز و سیستمی برای میانجی‌گران قانونی که در برنامه‌های عدالت ترمیمی فعال‌اند، ایجاد شود.

اغلب گفته می‌شود که تسهیل‌گران یا میانجی‌گران، همراه با مدیران برنامه می‌توانند باعث موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه شوند. بخش عمده‌ای از روند موفقیت برنامه متکی به مهارت‌ها و تعهد آنان به برنامه است. بنابراین استخدام و آموزش آنان باید بخشی اساسی از هر برنامه جدید باشد و در طول برنامه با اهمیت باقی بماند.

تامین مالی فرایندهای جامعه-محور

یک قاضی که در تدوین روند کار شرکت داشت نیاز به تامین مالی را به‌صورت زیر مشخص کرده است: «وقتی که من برای پشتیبانی فرایندهای جامعه-محور منتقل شدم، انتظار داشتم این فرایندها کاملاً روی دوش داوطلبان قرارگیرد. اشتباه می‌کردم! فرایندهای جامعه-محور برای اینکه موثر باشند نیازمند منابع مالی، آموزش و کارمندانند. داوطلبان ضمن هدایت فرایند نمی‌توانند همه مسئولیت‌هایی را که به کار حلقه‌های اجتماعی مربوط است به‌دوش بکشند. اگر قرار است داوطلبان برخیزند و مسولیت مهمی متقبل شوند به کارمند، منابع و آموزش نیاز دارند. آنها بدون این حمایت تبدیل به گماشته‌های تشریفاتی می‌شوند. به‌علاوه، حمایت باید قابل توجه باشد و گرنه این حلقه‌ها و سایر ابتکارهای جامعه-محور مشابه محکوم به فنا هستند.»

مهارت‌های اساسی تسهیل‌گران

- مدیریت پرونده و مهارت‌های سازمانی عمومی
- مهارت‌های رهبری (به‌ویژه در هنگام مشارکت جامعه در فرایند)
- آگاهی از خدمات و شبکه حمایتی قابل دسترس برای قربانیان و بزه‌کاران
- توانایی حفظ روابط خوب با عوامل مجری قانون و مقامات عدالت کیفری
- توانایی ارتباط موثر با نمایندگان رسانه‌ها

بدیهی است سوالاتی درباره استخدام تسهیل‌گران (داوطلب یا حرفه‌ای) هست که به هیچ وجه کم اهمیت نیستند، اما بهتر آن است که این سوالات مورد به مورد بررسی شوند. بعضی برنامه‌ها می‌توانند از کارشناسان آموزش دیده و یا افراد حرفه‌ای استفاده کنند که خدمات خود را برای تسهیل یک فرآیند خاص ارائه می‌کنند. مزیت این روش استفاده از کارشناسان حرفه‌ای بدون استخدام تمام وقت آنها برای یک برنامه با شمار محدودی پرونده است. انجمن‌های حرفه‌ای یا سازمان‌های دولتی می‌توانند فهرستی از تسهیل‌گران و میانجی‌گران موجود و گاه با ذکر یک برنامه موفق تهیه کنند.

هر برنامه باید به دقت مهارت‌های مورد نیاز تسهیل‌گران و میانجی‌گرانش را شناسایی کند و این اطلاعات را در برنامه‌های استخدامی و آموزشی خود بگنجاند.^{۵۳}

اصول بنیادین (پاراگراف ۱۹) تاکید دارد که «تسهیل‌گران باید درک خوبی از فرهنگ‌ها و جوامع داشته باشند و در صورت امکان، پیش از به‌عهده گرفتن وظایف تسهیل‌گری آموزش‌های اولیه را ببینند.» تسهیل‌گران و مدیران برنامه نیز برای کاهش هرگونه تعصب و تبعیض در تعامل خود با بزه‌کاران، قربانیان و اعضای جامعه از هر فرهنگ و قومیت مختلفی که هستند گام‌های لازم را بردارند. ارائه آموزش مهارت‌های فرهنگی به‌دست اندرکاران عدالت ترمیمی باید در برنامه‌ها، به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش تعامل‌های مثبت، مد نظر قرار گیرد.^{۵۴} تسهیل‌گران را می‌توان برای تشخیص اینکه آیا شرکت‌کنندگان خواستار اقدامات فرهنگی خاصی هستند یا نیازهایی دارند که باید در فرآیند عدالت ترمیمی برآورده شود، آموزش داد. آنها باید همچنین برای کار در شرایطی که همه شرکت‌کنندگان از یک زمینه فرهنگی واحدی برخوردار نیستند، آموزش ببینند. بعضی از ابزارها و راهبردهای موجود در دسترس تسهیل‌گران عبارتند از: مشاورت با مشاورین یا ریش‌سفیدان، کار با تسهیل‌گران همان قومیت به‌عنوان شرکت‌کننده، استفاده از مترجم، تشکیل جلسات در مکان‌های حائز اهمیت از لحاظ فرهنگی، اطمینان از اطلاع شرکت‌کنندگان از تفاوت‌های فرهنگی و چگونگی امکان تطابق یا عدم تطابق این اختلاف‌ها باهم.^{۵۵}

به همه تسهیل‌گران^{۵۶} باید آموزش حساس بودن در قبال قربانی را ارائه کرد و به دست‌اندرکاران عدالت کیفری و دیگری که در برنامه‌های عدالت ترمیمی شرکت دارند باید آموزش‌هایی درباره چگونگی رسیدگی به پرونده‌های حساس و پیچیده داده شود. این مهارت‌ها بویژه هنگامی که نتیجه بررسی خطرات نشان می‌دهد که در طی فرآیند ترمیمی و یا بعد از آن احتمال وارد شدن آسیب بالقوه بیشتری به قربانی وجود دارد، ضروری خواهند بود. این ضرورت مخصوصاً برای افراد دست‌اندر کار تسهیل‌گری و میانجی‌گری در پرونده‌های مربوط به زنان و کودکان قربانی سوء

53-In a manual entitled Best Practice Guidance for Restorative Practitioners and Their Case Supervisors and Line Managers, the Training and Accreditation Policy Group in the UK (2004) identified a number of core competencies for criminal justice personnel involved in restorative interventions

54-Umbreit and Coates, 2000, p. 13

55-See: New Zealand Ministry of Justice, Restorative Justice in New Zealand: Best Practice <http://justice.govt.nz/restorative-justice/partb.html>

See, for example, the recommendations for training included in the Guidelines for Victim-Sensitive

56-Victim-Offender Mediation published by the US Department of Justice, Office for Victims of Crime: Umbreit and Greenwood

استفاده اهمیت دارد. آموزش میانجی‌گران باید بر ایمنی زنان و کودکان و درک تبعیض جنسی سیستماتیک و عدم توازن قدرت تاکید داشته باشد.

علیرغم گسترش برنامه‌های عدالت ترمیمی، توجه نسبتاً کمی به موضوع اعتبارنامه و گواهی‌نامه تسهیل‌گران و میانجی‌گران شده است. در بسیاری از کشورها به شیوه‌ای مورد قبول جهت تضمین نگرش حرفه‌ای در عدالت ترمیمی و مجموعه‌ای از استانداردهای مورد توافق درباره چگونگی انجام کار در عدالت ترمیمی و چارچوبی مشترک برای کنترل کیفیت و پاسخگویی احساس نیاز می‌شود. ممکن است برای تضمین پاسخگویی میانجی‌گر، سازوکارهای قانونی مثل امکان شکایت و وجود یک فرآیند انتظامی نیز مورد نیاز باشد. روش دیگری که می‌تواند مورد توافق قرار گیرد اعطای گواهی‌نامه‌هایی است که دست‌اندرکاران را برای دریافت آنها و کسب اعتبار، تشویق به گذراندن دوره‌های آموزشی می‌کند و بدین صورت به ارتقای استانداردها کمک می‌کند.

استفاده از داوطلبان: آشکار است که دخالت دادن داوطلبان جامعه گاهی با همکاری دست‌اندرکاران در اجرای برنامه دارای مزیت‌های بسیاری است. باید تلاش شود که داوطلبان از همه بخش‌های جامعه و با توازن مناسب از نظر ترکیب جنسی، فرهنگی و قومی استخدام شوند. مشارکت آنها به ایجاد ارتباط عمیق‌تر بین جامعه و نظام دادرسی کمک خواهد کرد. مثلاً در تایلند اعضای جامعه به‌عنوان کارکنان داوطلب نظارت بر رفتار استخدام می‌شوند که در ضمن می‌توانند به‌عنوان میانجی فرآیند عدالت ترمیمی نیز عمل کنند.

ضمناً استفاده از داوطلبان می‌تواند به اعضای جامعه توانایی پرورش مجموعه‌ای از مهارت‌ها و عهده‌دار شدن نقشی عمده در پاسخگویی به جرم‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و تسهیل حل مسائل و بازگشت دوباره بزه‌کار و قربانی به جامعه را بدهد.^{۵۷} از داوطلبان می‌توان به‌عنوان مربی و تسهیل‌گر نیز استفاده کرد. مثلاً در لامبت^{۵۸} (در جنوب لندن) ابتدا یک مربی از خارج اولین دوره آموزشی را برای داوطلبان میانجی‌گری برگزار کرد و سپس داوطلبانی که تجربه عملی کسب کرده بودند دوره‌های آموزشی بعدی را سازماندهی کردند.

باید توجه کرد که برنامه‌های تازه بسیاری بر این فرض تهیه و تامین مالی می‌شوند که جامعه در آنها مشارکت خواهد کرد و بخش زیادی از منابع لازم را عمدتاً به‌صورت افراد داوطلب تامین خواهد کرد. لازم است صحت و سقم این فرض به‌دقت بررسی شود. همه جوامع منابع اضافی برای تخصیص به برنامه‌های جدید یا جای دادن اقدامات ترمیمی در فرآیندهای جامعه-محور موجود را ندارند. طرز تلقی مسلط محلی از داوطلب شدن، به‌طور کلی، و از داوطلب شدن در نظام عدالت کیفری، به‌طور خاص، می‌تواند از یک جامعه به جامعه دیگر یا یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. گرایش نظام عدالت کیفری محلی به ایده همکاری نزدیک با داوطلبان ضرورتاً نمی‌تواند در بالاترین

57-Judge Barry Stuart, cited in Pranis, Stuart, and Wedge, 2003, p. 252
58-Lambeth

سطح آن باشد. یک برنامه ترمیمی در نهایت نمی‌تواند بدون تامین منابع مورد نیاز برای حمایت از داوطلبان کار کند. خلاصه اینکه حتی برنامه‌های جامعه-محوری که شدیداً متکی به داوطلبان می‌باشند نیز نیاز به منابع دارند.

لازم است نقش داوطلبان به‌دقت برای همه افراد مربوطه تعریف و توضیح داده شود و هنگام استخدام، فرآیند گزینشی مناسبی به اجرا گذاشته شود. باید معیارهای مشخصی برای استخدام داوطلبان تعیین و تبیین شود. در نهایت نباید اجازه داد که بخش خاصی از جامعه کنترل برنامه را به‌دست گیرد یا این تصور را ایجاد کند که برنامه تحت کنترل آن است. گزینش و آموزش تسهیل‌گران و میانجی‌گران برای برنامه‌های عدالت ترمیمی پیش شرطی است برای حمایت از حقوق قربانیان و بزه‌کاران و حفظ یکپارچگی فرآیند ترمیمی. اصول بنیادین (پاراگراف‌های ۱۸ و ۱۹) تاکید دارد که تسهیل‌گران باید وظایف خود را با احترام لازم به کرامت طرفین و به‌نحو بی‌طرفانه‌ای انجام دهند و از هیچ کوششی برای رسیدن به توافقی که منافع قربانی، بزه‌کار، نظام دادرسی و جامعه را در بر می‌گیرد فروگذار نکنند.

۳-۴ تامین نیاز به وضع قانون

در سراسر جهان تنوع قابل ملاحظه‌ای پیرامون جایگاه حقوقی فرآیندهای عدالت ترمیمی، از تصریح برخی برنامه‌ها در قوانین تا فقدان جایگاه قانونی رسمی برخی دیگر، وجود دارد. باید توجه شود که برنامه‌های بی‌شماری بدون هیچ‌گونه قانون‌گذاری جدیدی به‌طور موفقیت‌آمیز اجرا شده‌اند. نمونه‌های این موارد عبارتند از کمیته‌های صلح در پاکستان و فرآیند صلح در خاورمیانه و برنامه‌های میانجی‌گری جامعه-محور در گواتمالا.^{۵۹} آفریقای جنوبی اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی را بدون هیچ‌گونه قانون خاصی که این کار را تشویق کند، آغاز کرده است. و قضا‌دایی بدون این که در قانون پیش‌بینی شده باشد، از طریق اختیارات دادستانی انجام می‌گیرد. برنامه‌ها از طریق مشارکت بین مقامات دادستانی و سازمان‌های مردم-نهاد تدوین و اجرا می‌شوند. قانون مجازات قبلاً اجازه اعمال مجازات‌های تعویقی، تعلیقی و جامعه-محور را داده است و فضای ایجاد شده بدین وسیله امکان صدور احکام مربوط به عدالت ترمیمی را می‌دهد.

از طرف دیگر وقتی که هدف این اقدام، تغییر بنیادین در زمینه چگونگی واکنش به برخی گروه‌های بزه‌کاران (مانند بزه‌کاران جوان) یا برخی انواع جرم‌ها و ارائه واکنش‌های جایگزین (از جمله قضا‌دایی، برنامه‌های ترمیمی و غیره) است، معمولاً به چارچوب قانونی جدیدی احساس نیاز می‌شود. گاهی قانون‌گذاری به مشروعیت یک برنامه می‌افزاید.^{۶۰} نیاز به قانون‌گذاری به‌منظور تامین چارچوبی برای برنامه‌های عدالت ترمیمی به‌صورت زیر خلاصه شده است:

59-See: Jabbour, 1996; Parker, 2004, and Van Ness, 2005
60--Fellegi, 2003, pp. 74-76

«اما وقتی که در یک کشور مفروض برنامه‌های عدالت ترمیمی در دست تدوین است، به وضع مقرراتی در این باره احساس نیاز می‌شود. این مقررات الزاما شکل یک قانون رسمی را به خود نمی‌گیرد. انجام میانجی‌گری با صدور فرامین حکومتی، بخش‌نامه‌های وزارتی و احتمالا متداول‌ترین شیوه یعنی رویه‌های استاندارد مناسب استخراج شده توسط میانجی‌گران و سازمان‌های مربوطه‌شان نیز صورت می‌گیرد. به علاوه، وضع مقررات رسمی میانجی‌گری منحصر به حوزه قوانین کیفری نیست، بلکه مقامات اداری و حکام محلی نیز می‌توانند برنامه‌های میانجی‌گری را قانونمند کنند. اما چون میانجی‌گری به جرم‌های کیفری مربوط می‌شود، نباید ارتباط آن با قانون کیفری و عدالت کیفری را نادیده گرفت. این نوع میانجی‌گری-در یک مفهوم وسیع-بخشی از فرآیند کیفری است. بنابراین میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار و سایر برنامه‌های عدالت کیفری باید توسط مراجع رسمی به رسمیت شناخته شود (و تحت نظارت آنها انجام شود). پشتیبانی و حمایت‌های قانونی باید قبل، ضمن و بعد

از فرآیند میانجی‌گری
در دسترس باشند.»^{۶۱}

برنامه‌های عدالت ترمیمی معمولا در چارچوب یا در کنار نظام بزرگ‌تر عدالت کیفری اجرا می‌شوند. باین ترتیب این برنامه‌ها باید برای انجام نقشی اساسی در درون نظام رسمی دادرسی یا به‌عنوان جایگزین آن تلاش کنند در غیر این صورت با خطر کنار زده شدن یا بلااستفاده ماندن روبه‌رو خواهند شد. در غیاب الزامات قانونی، ممکن است جای گرفتن یک برنامه عدالت ترمیمی در فعالیت روزمره نظام عدالت کیفری مشکل باشد. قانون‌گذاری می‌تواند در فراهم آوردن نیروی جنبشی لازم برای استفاده پیوسته از برنامه‌های عدالت ترمیمی مفید باشد. قانون‌گذاری همچنین می‌تواند باعث ارتقای قابلیت پیش‌بینی و قطعیت در کاربرد فرآیند ترمیمی شود و نیز همه حمایت‌های قانونی لازم را فراهم کند.^{۶۲}

پاراگراف ۱۲ اصول بنیادین شامل این تذکر است که برای تنظیم برخی استانداردها و تامین حمایت قانونی اجباری از شرکت‌کنندگان بسته به چارچوب حقوقی، ممکن است وضع قانون نیز لازم باشد.

۴-۴ تمهیدات مربوط به وضع قانون

قوانین و سیاست‌هایی که به درستی تدوین شده باشند می‌توانند به استفاده از برنامه‌های ترمیمی اولویت بدهند یا منابع مالی را برای آنها تامین کنند. مثلا ویژگی برجسته قانون فدرال عدالت کیفری جوانان کانادا این است که این قانون ملزم می‌کند که در تلاش برای کاهش تعداد جوانانی که به حبس فرستاده می‌شوند باید از همه ابزارهای لازم استفاده کرد.

61-Aertsen et al., 2004, p. 46 ; see also Fellegi, 2003, p. 74

62-Groenhuijsen, 2000

در بعضی موارد ممکن است اصلاح قوانین لازم باشد برای اعطای اختیار تصمیم‌گیری به مقامات قضایی تا بتوانند پرونده‌ها را از روند عادی کیفری خود به قضازدایی یا روندهای مشارکتی و ترمیمی ارجاع دهند. بسیاری از برنامه‌های نوآورانه و امیدبخش به علت عدم ارجاع کافی پرونده‌ها از طرف نظام عدالت کیفری از رسیدن به هدف‌های خود باز می‌مانند. واضح است که استفاده درست از اختیار تصمیم‌گیری توسط دست‌اندرکاران عدالت کیفری در همه سطوح برای موفقیت اغلب برنامه‌ها ضروری است. غالباً باید استفاده درست از اختیار تصمیم‌گیری با قانون‌گذاری تسهیل و هدایت شود. دست‌اندرکاران عدالت کیفری و مجریان قانون در بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری در چارچوب قانونی موجود از اختیار تصمیم‌گیری برای ارجاع پرونده‌ها به فرآیندی جایگزین یا تاسیس چنین فرآیندی برخوردارند. در موارد دیگر ممکن است ایجاد چنین توانی و برقراری چارچوبی برای پاسخگویی لازم باشد. بسیار مهم است که در همه موارد تصمیم‌گیری درباره ارجاع‌ها به برنامه‌های جایگزین تا آنجا که ممکن است شفاف باشد و پایش گردد. معمولاً برای اطمینان از عدم سوء استفاده از اختیارات و عدم تبدیل این اختیارات به منبعی برای تبعیض غیرقابل پذیرش و یا وسوسه به فساد، چارچوبی برای پاسخ‌گویی لازم است که گاه ریشه در قوانین و رویه‌ها و سیاست‌های رسمی موجود دارد.

چارچوب قانونی که امکان استفاده از عدالت ترمیمی را فراهم می‌کند باید کاربرد آنرا به‌طور خاص مدنظر قرار دهد یا آنرا الزامی کند. در جاهایی که حامی برنامه‌های ترمیمی هستند (استرالیا، بلژیک، شیلی، کلمبیا، فرانسه، فنلاند، غنا، هلند، فیلیپین، فدراسیون روسیه، اوگاندا)، تحت شرایطی که به‌روشنی تعریف شده است، قانون به کارکنان عدالت کیفری (که در بیشتر موارد پلیس و دادستان‌ها هستند) اختیار می‌دهد که برخی از بزه‌کاران را از نظام معمول عدالت کیفری به برنامه‌های عدالت ترمیمی ارجاع دهند. هرگاه قانون لازم بداند که تدبیر عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گیرد (اتریش، جمهوری چک، آلمان، دانمارک، نروژ، پرتغال، اسلوانی) کارکنان عدالت کیفری ملزم می‌شوند امکان ارجاع بزه‌کار به برنامه‌های عدالت ترمیمی را مدنظر قرار دهند.^{۶۳} یک مثال قابل ذکر از الزام قانونی برای استفاده از برنامه‌های ترمیمی در نیوزلند وجود دارد. در این کشور پلیس یا دادستان ملزم به ارجاع جوانان بزه‌کار به میانجی‌گری یا سایر برنامه‌های قضازدایی است. قانون دادرسی ۲۰۰۲ (ایرلند شمالی) پیش‌بینی کرده است که صرف نظر از موارد استثنایی مشخص، کودکان باید به همایش‌های گروه خانواده ارجاع داده شوند. برنامه‌های توافق شده در همایش‌های گروه خانواده باید به تایید دادگاه‌ها برسند.

پیش از تدوین قوانین عدالت ترمیمی پیشنهاد شده است که سیاست‌گذاران چند مسئله را مدنظر قرار دهند.^{۶۴} این مسائل شامل این پرسش است که آیا قانون‌گذاری برای موارد زیر لازم است:

- حذف یا کاهش موانع استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی (از جمله ایجاد اختیار تصمیم‌گیری به صلاح‌دید مجریان قانون یا سایر مسئولین کیفری در صورت لزوم)

- ایجاد انگیزه برای استفاده از عدالت ترمیمی
- ارائه رهنمود و ساختاری برای برنامه‌های ترمیمی
- حصول اطمینان از حمایت از حقوق بزه کاران و قربانیان شرکت کننده در برنامه‌های ترمیمی
- تدوین اصول راهنما و سازوکارهایی برای پایش میزان وفاداری به این اصول.

برای تامین روش‌های نظارت قضایی جهت ارزیابی فرآیند میانجی‌گری و نتایج آن بر حسب اصول حقوقی خاصی مانند برابری، تناسب، و عدم تعقیب قضایی دوباره (یک فرد نمی‌تواند دوبار به‌خاطر یک جرم محاکمه گردد) بسته به نظام حقوقی ممکن است نیاز به قانون باشد.^{۶۵} حق فرجام خواهی از تصمیمات و یا توافق‌هایی که بدون رضایت آزادانه حاصل شده و یا ناشی از یک فرآیند مدیریتی ضعیف است باید در قانون موجود باشد. زمانی که یکی از طرفین دیگر نمی‌تواند به فرآیند ترمیمی رضایت بدهد و یا میل دارد از آن خارج شود باید حق بازگشت به فرآیند کیفری معمول تامین گردد. این امر ممکن است موجب یا مانع مدنظر قرار گرفتن گزینه‌های دیگری در آینده شود که می‌توانند از لحاظ ماهیت ترمیمی باشند.

در بعضی کشورها برای شمول برنامه‌های جدید در بودجه‌های دولتی و کسب اطمینان از تامین مالی لازم جهت تداوم برنامه‌های ترمیمی یک مجوز قانونی لازم است.

حوزه اختیارات نیز می‌تواند اختیار قانونی برای فرآیند ترمیمی را با انواع مختلف سیاست‌های مشوق استفاده از نگرش‌های ترمیمی و وضع رویه‌هایی برای چگونگی انجام این کار جایگاه قانونی فرآیندهای ترمیمی را تحکیم کند.

قانونی کردن و سیاست استفاده از فرآیندهای ترمیمی معمولاً شامل پیش‌بینی‌هایی برای بزه کاران کودک و نوجوان می‌شود، هرچند تدوین کیفرهای نوجوانان بزه کار در اغلب حوزه‌های قضایی بسیار اختصاصی‌تر پیش‌بینی شده‌اند.

۴-۵ رهبری، سازمان و ساختار برنامه

تدوین و اجرای موثر برنامه‌های عدالت ترمیمی به رهبری موثر و تیم مدیریت نیرومندی نیاز دارد. همچنین باید کادری از کارکنان نظام عدالت کیفری و افراد کلیدی در سازمان‌های مردم-نهاد و جامعه موجود باشد تا کار تدوین و اجرای توافق‌ها، حفظ مشارکت، و انجام مسئولیت برای عملیات در حال انجام برنامه‌های عدالت ترمیمی را بتوان به آنها محول کرد. همه سطوح سازمان باید به‌روشنی از هدف‌های آن آگاهی داشته باشند.

برای کمک به کارکنان عدالت کیفری و کمک به گروه‌های ذینفع جامعه در تغییر درک خود از «عدالت» و این که چگونه عدالت به بهترین نحو حاصل می‌شود رهبری لازم است. این امر مستلزم تفکر «فراتر از چارچوب» موجود و گسترش حیطه پاسخ‌گویی نظام دادرسی به ورای نگرش‌های انفعالی، تخصصی، و تلافی‌جویانه و در برگرفتن مفاهیمی مثل اصلاح، بخشش و آماده کردن طرفین دعوی برای بازگشت دوباره به جامعه است. اقدامات ترمیمی همین‌طور می‌تواند برای اعضای جامعه به‌شکلی موثرتر از نگرش‌های تخصصی سنتی در ترغیب بزه‌کاران به پذیرش مسئولیت رفتارشان دانسته شود و فرصتی برای قربانیان جرم و جامعه برای ورود مستقیم به این فرآیند ایجاد کند. جامعه را می‌توان آموزش داد برای درک اینکه چگونه بعضی فرآیندهای عدالت ترمیمی و مشارکتی که به‌خوبی هدایت شده‌اند ضمن ارتقای توانایی‌اش برای حل مسائل و منازعات مختلف به تقویت آن نیز کمک کند. فرآیندهای عدالت ترمیمی همچنین می‌توانند توانمندی‌ها را تقویت کنند و مهارت‌های اساسی اعضای جامعه را افزایش دهند.

برای ایجاد شرایط تسهیل‌عرضه فرآیندهای ترمیمی نباید چالش‌های درون سازمان دست کم گرفته شوند. برای ایجاد یک محیط حامی برنامه‌های عدالت ترمیمی انجام تغییراتی در ساختار و فرهنگ سازمان‌های عدالت کیفری ضروری است. این تغییرات شامل اصل مداخله افسران پلیس در حل و فصل ترمیمی مسائل و تمرکز بر برقراری صلح و حل و فصل اختلافات به‌جای صرفاً حفظ نظم و اعمال قانون است. اما برای قضات این یعنی مجاز بودن به تلاش جهت ایجاد چارچوب‌های جایگزین برای حل اختلافات. تغییرات مشابهی در ارزش‌های سازمانی، مثل تمرکز بر ایجاد صلح، حل اختلاف، و جامعه‌سازی نیز لازم است. این‌ها ایجاب می‌کنند که سازمان‌ها و کارکنان عدالت کیفری، برای تعیین مناسب‌ترین برنامه‌ها و رویه‌ها با همه طرفین ذینفع در جامعه از جمله بخش خصوصی، سازمان‌های مردم-نهاد، و گروه‌های نفوذ وارد یک فرآیند مشاوره‌ای شوند.

۶-۴ جلب حمایت سازمان‌های عدالت کیفری

مهم است بدانیم که برنامه‌های جدید عدالت ترمیمی و تغییرات در برنامه‌های موجود نیازمند یک راهبرد ارتباطی است. هدف این است که نگرش عدالت ترمیمی به‌طور موثر هم در میان مسئولین عدالت کیفری و هم جامعه ارتقا یابد. این راهبرد ارتباطی می‌تواند از منابع مختلفی مانند دولت و سازمان‌های مردم-نهاد، سرچشمه بگیرد.

گنجاندن فرآیندهای مشارکتی در نظام دادرسی بسادگی می‌تواند چالشی در برابر وضع موجود انگاشته شود. باید از اشتباه دست کم گرفتن میل بازگشت سیستم به وضع سابق، نیروی ایستایی خود سیستم و مقاومت‌های فعال و غیرفعال که برنامه‌های جدید احتمالاً با آن روبه‌رو خواهند شد، پرهیز کرد. اگر تغییرات پیشنهادی به‌طور موفق‌آمیزی اجرا شوند الزاماً در محدوده نفوذ دست اندرکاران و حوزه‌های قدرت و کنترل تاثیر خواهند گذاشت و به «قلمرو» افراد مختلف تجاوز

خواهند کرد. اقداماتی که منظور از آنها اساساً توانمندسازی قربانی و جامعه است، احتمالاً در ابتدا توسط دست اندرکاران قضایی بصورت یک تهدید نگریسته خواهند شد. مادامی که این نگرش‌ها بطور موثری مدیریت نشوند، بسیاری از مردم اتخاذ نگرش‌های مشارکتی را به‌عنوان یک بازی با حاصل جمع صفر خواهند دید، بازی که آنها باید برخی از قدرت و اختیار خود را به‌خاطر توانمندسازی دیگران از دست بدهند.

کارکنان عدالت کیفری باید در مورد اصول و عمل عدالت ترمیمی آموزش ببینند. مفاهیمی مثل بخشش و اصلاح برای کارکنان قضایی آموزش دیده درباره آیین دادرسی و قوانین ماهوی ممکن است نسبتاً بیگانه باشد. به‌طور کلی ممکن است افسران پلیس به‌علت فقدان اطلاعات درباره اصول و عمل ترمیمی و به‌ویژه به‌خاطر یک برنامه ترمیمی خاصی که در حال اجرا است، تمایلی به ارجاع پرونده‌ها به یک برنامه عدالت ترمیمی نداشته باشند. اگر پلیس در مورد برنامه‌های ترمیمی آموزش ندیده باشد، نمی‌تواند در باره مزایای مشارکت در یک فرآیند عدالت ترمیمی به قربانیان اطلاعاتی بدهد. کارکنان نظارت و مراقبت و سایر کارکنان خط مقدم باید به استفاده از نگرش‌های ترمیمی در انجام کار خود تشویق شوند. این ممکن است آنها را ملزم به کسب مهارت‌های جدید کند.

کارگزاران عدالت کیفری و داوطلبان جامعه که دست اندرکار یک برنامه‌اند نیازمند آموزش موثر درباره فنون و مهارت‌هایی هستند که برای کسب اعتماد به نفس هنگام شرکت در برنامه‌های جدید لازم دارند. یک راهبرد دیگر که می‌تواند برای غلبه بر تردید مسئولین عدالت کیفری نسبت به ارزش اقدامات ترمیمی به کار رود شرکت دادن آنها در برنامه‌های ترمیمی است. طبق گزارش‌ها، در این سطح فردی مقامات ارشد مردم پلیس، دادستان‌ها و قضات ممکن است خیلی زود به طرفداران پرشور این برنامه‌ها تبدیل شوند. از طرف دیگر آنچه که اتفاق می‌افتد این است که سازمان‌ها ممکن است با «ترمیمی» نامیدن کارهای جاری خود برنامه‌های ترمیمی را به‌صورت «سمبولیک» بپذیرند و باین وسیله از تغییرات لازم در سیاست و جهت‌گیری که لازمه اقدامات عدالت ترمیمی واقعی است، طفره برونند.

شناسایی و به‌کار گرفتن همراهانی که فعالانه از تغییرات پیشنهادی استقبال خواهند کرد نیز مهم است. شناسایی افرادی که در پست‌های کلیدی نظام دادرسی متمایل به پذیرش نگرش‌های مشارکتی و ترمیمی اند نیز به همان اندازه اهمیت دارد. خود ذینفعان کلیدی باید از مراحل اولیه تدوین برنامه در طراحی و اجرای تغییرات در فرآیندهای موجود حضور داشته باشند. برای مثال، برای ارجاع پرونده‌ها به برنامه‌های جدید دادستان‌ها در موضعی کلیدی قرار دارند و باید به آنها توجه خاصی کرد. باید دانست که کارکنان فرآیند دادرسی برای حمایت از یک ابتکار دادرسی ترمیمی با خطراتی روبرو می‌شوند و ممکن است همه آنها آماده پذیرش این خطرات نباشند.

بسج و تداوم حمایت دولت

اگر چه فرایندهای عدالت ترمیمی معرف یک نگرش جایگزین برای رسیدگی به رفتار مجرمانه و اختلافات اجتماعی است و جامعه را به‌طور گسترده در رسیدگی به این امر دخالت می‌دهد، دولت‌ها باید چارچوب‌های قانونی و سیاسی لازم را برای تدوین، اجرا و ابقای این ابتکارها به‌وجود آورند.

این مستلزم آموزش مسئولین ارشد دولتی در زمینه اصول و اجرای عدالت ترمیمی و درک مسائل و چالش‌های مرتبط با کاربرد فرایندهای ترمیمی است. این به‌خصوص از آن لحاظ مهم است که غالباً آموزش مدیران ارشد عدالت کیفری آنان را در معرض تئوری و عمل عدالت ترمیمی قرار نمی‌دهد.

بودجه برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌تواند از منابع متعددی، از جمله دولت مرکزی، دولت محلی، و سازمان‌های خیریه تامین گردد.

سرانجام این هم برای اشخاص درگیر در تدوین و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، چه در درون و چه در خارج نظام دادرسی، مهم است که در جامعه، سازمان‌های مردم-نهاد، کلیساها و در سایر سازمان‌های جامعه مدنی و همچنین در نظام قضایی شبکه‌های حمایتی ایجاد کنند. این ضامن دوام دراز مدت و پایداری برنامه‌های جدید خواهد بود.

وقتی که درکی از اصول و عمل عدالت ترمیمی در میان کسانی که در آن سازمان کار می‌کنند وجود دارد مزایای بالقوه نگرش‌های عدالت ترمیمی به‌صورتی قابل ملاحظه‌ای بهتر می‌شوند.

درخواست و تامین حمایت آنها مستلزم تدوین یک راهبرد ارتباطاتی است که شامل استفاده از رسانه‌ها، گزارش دهی به گروه‌های ذینفع مختلف در جامعه، یک برنامه آموزشی، برگزاری جلسات «گروهی» کارکنان کیفری و کارکنان جامعه-محور دست‌اندرکار ابتکارهای ترمیمی و سازوکاری برای دریافت بازخورد درباره اجرای فرایند ترمیمی است. این راهبردها باید اجزای یک برنامه کلی برای تداوم شتاب حرکت برای حمایت از فرایندهای ترمیمی باشند؛ در غیاب این راهبردها و تکرار متناوب ابتکارها، موثر بودن فرایندهای ترمیمی به خطر خواهد افتاد.

مدیران عدالت کیفری که شروع به اجرای برنامه‌های ترمیمی می‌کنند می‌توانند انتظار رویارویی با مقاومت‌های فعالانه و منفعلانه در مقابل تلاش‌هایشان را داشته باشند. لذا آنها باید بدون به‌خطر انداختن کیفیت مشارکت، توافقی‌ها و فرایندهای ترمیمی راه‌هایی برای در نظر گرفتن و برطرف کردن نگرانی‌ها پیدا کنند.

۴-۷ بسیج جامعه

مشارکت جامعه و جامعه‌سازی دو هدف از هدف‌های اساسی مورد نظر عدالت ترمیمی هستند. گرچه امکان تعیین اصول بنیادین عدالت ترمیمی و شناسایی نیازمندی‌های مربوط به تاسیس، اجرا و تداوم برنامه‌های عدالت ترمیمی وجود دارد، شکل خاصی که اقدامات ترمیمی به‌خود خواهند گرفت لزوماً بستگی به محیط (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) خاصی خواهد داشت که سیستم در آن فعالیت می‌کند.

مشاهده شده است که سولاتی از قبیل «جامعه کیست و چیست؟» مطرح می‌شوند. بازیمر و اومبرت مشاهده کردند «طریقه‌ای که جامعه در مدل‌های همایشی ترمیمی تعریف و درگیر آن می‌شود عامل مهمی در تاثیر روی ماهیت و میزان مشارکت و مالکیت شهروندان است».^{۶۶} همچنین، مشخص شده است که در بسیاری از نگرش‌ها به جامعه در عدالت ترمیمی یک «دید رومانیتیک و معنوی به جامعه هست که ممکن است در عمل مشکل آفرین باشد».^{۶۷} به‌هرحال در چارچوب‌های زیادی سؤال جامعه «کیست و چیست» موضوعیت ندارد، زیرا افراد به‌روشنی می‌فهمند جامعه از چه چیزی تشکیل می‌شود. مفهوم جامعه تا حدود مشخصی برای تعریف باز است و باید با آن به‌دقت برخورد کرد. بسیج جامعه با شناسایی افراد و گروه‌هایی که از مخاصمه‌ها آسیب دیده‌اند و کسانی که در جامعه موقعیت و توان شرکت در حل مخاصمه‌ها را دارند شروع می‌شود. درک نیازمندی‌های جامعه و توانایی آن عنصر مهم تشکیل دهنده این فرآیند است. در برخی موارد می‌توان فهمید که جوامعی که بیشترین نیاز را به رویکردهای اصلاحی و ترمیمی دارند، همان جوامعی هستند که کمترین توان را برای بسیج موفق خود و مشارکت کامل در فرآیندهای ترمیمی جامعه-محور دارند.^{۶۸}

تعدادی از اقدامات عدالت ترمیمی فرصتی برای تغییر در روابط دولت، نظام عدالت کیفری و جامعه فراهم می‌کنند. جامعه نقشی فعال در پاسخگویی به موضوعات جرم و مخاصمه به‌عهده می‌گیرد و با اجرای آن، ظرفیت‌های حل مشکلات و کنترل غیر رسمی و همچنین همبستگی اجتماعی درون خود را تقویت می‌کند. به‌هرحال، همیشه نمی‌شود فرض کرد که اقدامات عدالت ترمیمی، صرف‌نظر از وضعیتی که یک جامعه خود را در آن می‌بیند، الزاماً تاثیری اصلاحی و دگرگون‌کننده خواهد

66-Bazemore and Umbreit, 1999, p. 8

67-Dickson-Gilmore and LaPrairie 2005, p. 10

68-Dickson-Gilmore and LaPrairie 2005, p. 10 and ff

داشت. در بعضی موارد با ارائه یک برنامه عدالت مشارکتی احتمالا تنش‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها، افتراق‌های قدرتی، انواع مختلف محرومیت، تبعیض و محرومیت از حقوق اجتماعی موجود به جای تسکین یافتن، بیشتر تشدید خواهند شد. این احتمال هم با همه ناچیز بودن باید در طراحی و اجرای یک برنامه جدید مد نظر قرار گیرد.

نکاتی که باید برای مشارکت کامل جامعه در اقدامات عدالت ترمیمی به آنها توجه شود عبارتند از:

- سلسله مراتب و روابط قدرت در جامعه که در تعیین اعضای جامعه برای شرکت در فرآیند ترمیمی و میزان تاثیر آنها بر این فرآیند نقش دارد، چگونه است؟
 - چه رهنمودهایی تعیین می‌کنند که چه کسانی وارد فرآیندهای ترمیمی شوند؟
 - چه راهبردهایی می‌تواند برای بسیج حمایت جامعه و تداوم مشارکت افراد جامعه در برنامه‌های عدالت ترمیمی به‌عنوان میانجی‌گران، تسهیل‌گران و مشاوران مورد استفاده قرار گیرد؟
 - کدام راهبردها را می‌توان برای به حداقل رساندن هرگونه تاثیر بالقوه منفی مشارکت جامعه در ابتکارهای فرآیند ترمیمی اتخاذ کرد؟
 - چه آموزش‌ها و مهارت‌هایی لازم است تا ساکنین جامعه بتوانند در برنامه‌های عدالت ترمیمی مشارکت داشته باشند؟
 - آن دسته از ساکنین جامعه که آموزش خاصی ندارند تا چه اندازه می‌توانند در برنامه‌های عدالت ترمیمی مشارکت داشته باشند؟
 - کدام یک از ساختارها و فرآیندهای موجود می‌توانند مبنایی برای برنامه عدالت ترمیمی باشند؟
- در برخی از برنامه‌های عدالت ترمیمی، دخالت دادن شهروندان در حل مسائل می‌تواند با محول کردن مسئولیت به بعضی از شرکت‌کنندگان برای حمایت از یک بزه‌کار یا قربانی، یا فراهم کردن یک فرصت شغلی یا خدمتی برای بزه‌کار ارتقا و افزایش یابد.

۵- پویایی های

مداخلات

عدالت ترمیمی

۱-۵ شرکت کنندگان در فرآیند عدالت ترمیمی

مطمئناً تفاوت‌های زیادی در وضعیت و انگیزه‌های شرکت کنندگان مختلف در فرآیند عدالت ترمیمی وجود دارد. نگرش‌های عدالت ترمیمی سطوح مختلفی برای مشارکت ارائه می‌کنند و این باید به‌عنوان حقیقتی در طراحی برنامه‌های جدید و یا رویه‌های سنتی موجود که عناصر ترمیمی آن قابل افزایش و تقویت است، منظور گردد. شکل زیر روابط بین ذینفعان کلیدی و نگرش‌های ترمیمی را نشان می‌دهد.

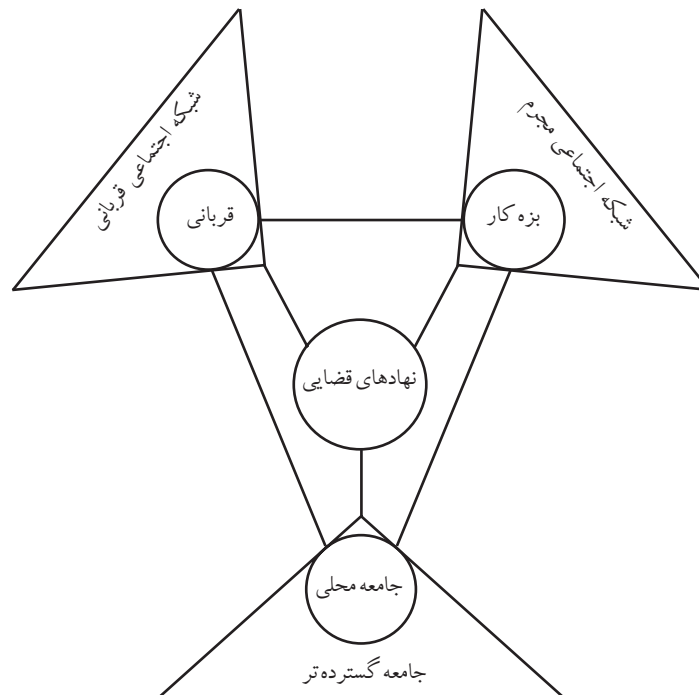
در مباحث زیر نقش شرکت کنندگان کلیدی در یک برنامه عدالت ترمیمی بررسی می‌شود. باید دقت کرد که با توجه به مدل خاص یا چارچوب خاص عدالت ترمیمی که برنامه طبق آن اجرا می‌شود ممکن است برخی از مشارکت کنندگان مورد بحث در زیر ارتباطی به کار نداشته باشند و یا در جریان کار حاضر نباشند. در هر حال لازم است همه شرکت کنندگان از نقش خود و همچنین نقش سایر شرکت کنندگان در فرآیند مطلع باشند.

۱-۱-۵ قربانیان جرم

نکته مهم در همه فرآیندهای عدالت ترمیمی حمایت از منافع قربانی و حصول اطمینان از قربانی شدن مجدد است. این امر ممکن است مستلزم انجام کار مقدماتی فراوان با قربانی قبل از هرگونه رویارویی با بزه کار باشد. ممکن است هفته‌ها، ماه‌ها، و یا در مورد جرم‌های بسیار جدی که به بازداشت بزه کار انجامیده است، سال‌ها طول بکشد. این آماده سازی قبل از ملاقات برای اطمینان از این که قربانی از لحاظ عاطفی و روانی برای ورود به یک گفتگو با بزه کار آمادگی دارد طراحی

شده است. اصول بنیادین (پاراگراف ۸) تصریح می‌کند که از فرآیندهای عدالت ترمیمی فقط باید با رضایت آزادانه و داوطلبانه قربانی استفاده کرد و به‌علاوه، قربانی باید بتواند در هر زمانی در طول فرآیند رضایت خود را پس بگیرد.

روابط عدالت ترمیمی^{۶۹}



برخی پرونده‌های مربوط به جرایم خیلی سنگین، بسیار حساس و مستلزم مقدمه چینی‌های زیادی قبل از رویارویی چهره به چهره‌اند. شاید در این مرحله، خطر قربانی شدن مجدد بسیار بالا باشد. تامین مقدمات برگزاری یک نشست ترمیمی میان قربانی و بزه‌کار در برخی از پرونده‌های ثبت شده بیش از چند سال طول کشیده است.

باید حمایت از قربانیان در طول و بعد از فرآیند مورد توجه قرار گیرد. باید به قربانیان اجازه داد تا داستان‌شان را روایت کنند. احتمالاً لازم خواهد بود که ابتدا قربانیان سخن بگویند تا از تمرکز نامتوازن روی موضوع بزه‌کار که ممکن است منجر به بیرون رفتن قربانی از گفتگوها یا چالش او با بزه‌کار گردد، پرهیز شود. مثلاً در حلقه صدور حکم، روایت شدن داستان قربانی نه تنها برای قربانی، بزه‌کار و حامیان آنها، بلکه برای جامعه به‌عنوان یک کل نیز مهم است. به‌عنوان جایگزین، قربانی

69-Source: Marshall, 1999, p. 5

و یا یکی از بستگانش می‌تواند از طرف قربانی حرف بزند. در صورت امکان، قربانیان باید به‌طور مرتب از همراهی و حمایت یکی از بستگان یا دوستان خود و یا سازمان‌های حمایت از قربانیان، اگر چنین نهادهایی وجود داشته باشند، برخوردار باشند.

باید به‌خاطر داشت که بسیاری از جرم‌ها تنها یک قربانی ندارند و یا ارتکاب جرم علیه شخصیتی حقوقی (مثل موسسه، شرکت یا مدرسه) است. شاید گاهی پیدا کردن شخصی که بتواند سازمان یا شخصیتی حقوقی را برای مقاصد فرآیند ترمیمی نمایندگی کند آسان باشد. غالباً به این شخص «جانشین» قربانی می‌گویند. جانشین قربانیان ممکن است مثلاً بازماندگان قربانی یک قتل باشند.

باید اذعان کرد که بعضی از قربانیان به دلایل مختلفی ممکن است نخواهند در یک فرآیند ترمیمی شرکت کنند و این مهم است که قربانیان و ادار به شرکت در فرآیند عدالت ترمیمی نشوند و از حقشان برای بهره‌مندی از مشاوره حقوقی در صورت وجود چنین خدماتی و امکان خروج از فرآیند در هر زمان مطلع شوند.

در پرونده‌هایی که کودکان، قربانی آن هستند باید دقت خاصی برای حمایت از آنها به‌عمل آید و اطمینان حاصل شود که رضایت آنها واقعاً داوطلبانه است. در بعضی فرآیندهای ترمیمی دربرگیرنده کودکان، یا سایر گروه‌های آسیب‌پذیر دیگر (از جمله مهاجرین غیر قانونی، یا افراد دارای مشکلات ذهنی) مشاوره حقوقی با هدف حصول اطمینان از درک کامل قربانیان از فرآیندی که برای شرکت در آن دعوت شده‌اند، رضایت آگاهانه و آزادانه آنان برای شرکت در فرآیند و آزاد بودن آنها برای خروج از فرآیند در هر زمان ارائه می‌شود.

۲-۱-۵ بزه کاران

بسیاری از ناظران معتقدند که در نظام عدالت کیفری متعارف، بزه کاران ملزم به روبه‌رویی با نتایج کامل تصمیمات و اقدامات خود نیستند. در بسیاری از نظام‌ها یک بزه کار همه مراحل نظام دادرسی شامل دستگیری، بازداشت، محاکمه، محکومیت، و شاید حبس را تجربه می‌کند. اصول بنیادین (پاراگراف ۷) توصیه می‌کند که فرآیندهای ترمیمی تنها باید در جایی استفاده شوند که مدارک و شواهد کافی برای متهم کردن بزه کار موجود باشد و بزه کار با رضایت آزادانه و به‌طور داوطلبانه در فرآیند شرکت کند و در طول فرآیند هرگاه که خواست رضایت خود را پس بگیرد. بزه کاران هم نیازمند دسترسی به مشاوره و یا اطلاعات حقوقی هستند.

برای بزه کار، این فرآیند با دستیابی به توافق با طرف‌های دیگر به پایان نمی‌رسد. شاید تحقق تعهدی که او به‌عنوان بخشی از توافق حاصله خود را ملزم به انجام آن نموده حتی بسیار مهم‌تر باشد. از این لحاظ بزه کاران باید مستقیماً درگیر باشند. آنها باید نشان دهند که مسئولیت رفتار خود را پذیرفته‌اند و آماده‌اند تا در قبال آن عملاً و به شیوه‌ای بسیار واقعی پاسخگو باشند.

۳-۱-۵ پلیس

نقش پلیس در فرآیند عدالت ترمیمی با توجه به نوع مدل ترمیمی مورد نظر به طور عمده‌ای متفاوت خواهد بود. در بعضی از آنها پلیس تقریباً نقشی ایفا نمی‌کند. در بعضی دیگر پلیس می‌تواند به طور کامل در مداخلات ترمیمی شرکت داشته باشد. افسران پلیس می‌توانند در بعضی موارد به عنوان تسهیل‌گر یا برگزارکننده این فرآیند عمل کنند و همسو با نظرات جامعه به طرفین برای اخذ تصمیم و ختم پرونده کمک کنند. باید مراقب بود که نقش پلیس متوازن باشد و الزامات مربوط به جایگاه قانونی آنان فرآیند ترمیمی را تضعیف نکند. توجه به این هم مهم است که پلیس در بعضی از حوزه‌ها نسبت به حوزه‌های دیگر از اختیارات بیشتری برخوردار است.

گزینه‌های ممکن برای مشارکت پلیس در برنامه‌های ترمیمی عبارتند از:

- عمل به عنوان یک منبع ارجاع دهنده به برنامه‌های ترمیمی؛
- توضیح فرآیند عدالت ترمیمی به قربانیان، بزه‌کاران و سایر شرکت‌کنندگان؛
- شرکت در فرآیند جامعه-محور همراه با دیگران؛
- تسهیل‌گری فرآیند عدالت ترمیمی؛
- برگزاری نشست‌ها و همایش‌های عدالت ترمیمی؛
- استفاده از نگرش‌های ترمیمی برای حل خصامه‌ها و نزاع‌های خیابانی؛
- ایفای نقش در پایش اجرای توافق ترمیمی و گزارش موارد نقض.

گرچه ماهیت خاص این نوع دخالت هنوز باید شکل بگیرد، اما قانون می‌تواند چارچوب دخالت گسترده‌تر پلیس را در اقدامات ترمیمی پلیسی تعیین کند. مثلاً در کانادا قانون عدالت کیفری جوانان مشخصاً سطح مداخله پلیس را به عنوان عوامل خط اول ارجاع پرونده‌ها به برنامه‌های ترمیمی افزایش داده و در اقدامات ترمیمی تحت سرپرستی پلیس، بازگشت به نقش اصلی پلیس را به عنوان حافظ صلح مشخص کرده است.

استفاده افسران پلیس از اقدامات ترمیمی می‌تواند نشانه گامی منطقی در اصلاح پلیس جامعه-محور و پلیس به طور کلی باشد. این کار در شرایط مناسب، می‌تواند به بهبود روابط پلیس-جامعه کمک کند. این به ویژه زمانی دارای اهمیت است که پلیس از طریق مشارکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی روابط جدیدی با گروه‌های اقلیت، که باید با آنها تعامل و از آنها حمایت کند، ایجاد می‌کند. برنامه‌های مشارکتی جدید می‌توانند مشوق نوعی از پاسخ‌گویی مستقیم پلیس به جامعه‌ای باشند که پلیس به آن خدمت می‌کند. نیروهای پلیس می‌توانند اصول عدالت ترمیمی را در راستای ایجاد مشارکت پایدار با جامعه به کار گیرند و از این راه کارآمدی و کارایی تلاش‌هایشان برای پیشگیری از جرم و پاسخ‌گویی به جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی را افزایش دهند.

افسران پلیس در چارچوب وظایف پلیس در اجتماع می‌توانند خارج از چارچوب برنامه معمول از اقدامات ترمیمی مختلف استفاده کنند. مثلاً پلیس می‌تواند در نزاع بین جوانان در یک مدرسه با گردهم آوردن طرف‌های منازعه و والدین‌شان در یک همایش غیر رسمی میانجی‌گری کند. توان بالقوه استفاده از اقدامات ترمیمی توسط پلیس در خیابان فقط بستگی به نگرش و مجموعه مهارت‌های افسرانی دارد که به آنان اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی برخورد با این موضوعات توسط افسران مافوق‌شان داده شده است. معمولاً اگر تلاش برای حل دعوی با استفاده از روش ترمیمی ناموفق ماند، افسران پلیس هنوز از حق اتخاذ اقدامات بیشتر برخوردار خواهند بود. در بعضی حوزه‌ها، مانند پلیس تیمز ولی (Thames Valley)، افسران برای برگزاری همایش‌هایی با حضور بزه‌کار، قربانی، و خانواده‌های آنان و افراد پشتیبان و به‌صورت بالقوه ساکنین جامعه محلی آموزش دیده‌اند.

در بعضی وضعیت‌ها، فساد پلیس یا فقدان اعتماد عمومی به پلیس ممکن است توانایی پلیس برای شرکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی را تضعیف کند. با این همه، برنامه‌های عدالت ترمیمی در موارد سوء رفتار پلیس هم می‌توانند اجرا شوند.

۴-۱-۵ دادستان‌ها

در اغلب نظام‌های قضایی دادستان‌ها نقشی کلیدی در اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی ایفا می‌کنند. آنان در غیاب قانون یا رهنمودهای دیگر از اختیارات قابل توجهی برای تعیین اینکه چه پرونده‌هایی برای یک فرآیند ترمیمی خاص مناسب هستند، برخوردارند. در بررسی اخیر فرآیندهای ترمیمی در کشورهای مختلف با مکتب قانون عرفی (common law) و مکتب قانون مدون (civil law) مشخص شد که عمدتاً دادستان‌های عمومی درباره ارجاع پرونده‌ها به برنامه‌های ترمیمی تصمیم می‌گیرند.^{۷۰} دادستان‌ها، هم در کشورهای با قوانین عرفی و هم در کشورهای با قوانین مدون می‌توانند پرونده‌ها را به فرآیندهای ترمیمی ارجاع دهند. این نقش به‌تازگی با وضع قوانین در تعدادی از نظام‌های قضایی بیشتر پدیدار شده است. در کشورهای دارای قانون عرفی استفاده از فرآیندهای ترمیمی در مرحله بعد از اتهام در حوزه اختیارات اجرایی دادستان‌ها است اما در کشورهای دارای قانون مدون ارجاع پرونده در این مرحله در حوزه اختیارات قضات باقی می‌ماند. اکنون در بسیاری از نظام‌های قضایی روند ارجاع پرونده‌های نوجوانان و بزرگسالان در سطح دادستان‌ها وجود دارد.

در برقراری فرآیندهای ترمیمی در یک حوزه قضایی، لازم است که دادستان‌ها از آغاز در بحث‌ها شرکت کنند و به آنها آموزش و اطلاعات داده شود تا هم بتوانند اصول عدالت ترمیمی را فرا بگیرند و هم فواید بالقوه استفاده از این گزینه را برای نوجوانان و بزرگسالان درک کنند.

۵-۱-۵ وکلای مدافع

وکلای مدافع منابع بالقوه‌ای برای ارجاع بزه‌کاران به برنامه‌های عدالت ترمیمی هستند. این ارجاع‌ها می‌تواند کمک کند به تضمین رسیدگی سریع پرونده‌ها و کاهش پرونده‌هایی که در نوبت رسیدگی دادگاه قرار دارند. وکلای مدافع می‌توانند در توضیح مزایای بالقوه شرکت در فرآیندهای عدالت ترمیمی به بزه‌کاران نقش مهمی بازی کنند. آنها می‌توانند کمک کنند تا به بزه‌کاران اطمینان داده شود که حقوقشان رعایت خواهد شد و راه‌های فرجام‌خواهی باز خواهد بود. همچنین آنها می‌توانند با تضمین آزادانه و آگاهانه بودن رضایت برای مشارکت در فرآیند عدالت ترمیمی نقش مهمی در پرونده‌های مربوط به بزه‌کاران جوان بازی کنند.

۵-۱-۶ قوه قضاییه

قضات و دادرس‌ها نیز بالقوه در موفقیت فرآیندهای عدالت ترمیمی نقش بسیار مهمی بازی می‌کنند. اما آنها می‌توانند از لحاظ تامین تمایل شان به شرکت در اقدامات عدالت ترمیمی و حمایت از این اقدامات چالش‌انگیزترین گروه باشند. آموزش‌های حقوقی قضات و دادرسان همیشه به آنان امکان لمس اصول و اقدامات عدالت ترمیمی را نمی‌دهد. آنان از آموزش بیشتر و از فرصت برای شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در رویکردهای مختلف عدالت ترمیمی استقبال خواهند کرد.

شرکت قضات در فرآیندهای ترمیمی با توجه به برنامه‌های خاص مورد نظر به طرز قابل توجهی متفاوت خواهد بود. مثلاً، قاضی در حلقه صدور حکم نقش مهمی در نشست‌ها، مختومه کردن و نظارت بر پرونده دارد. در حالی که در سایر موارد، مانند برنامه‌های میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار، قاضی فقط منبع ارجاع است. در هر دو نوع نظام قضایی مبتنی بر قانون عرفی و قانون مدون، مقامات قضایی می‌توانند نقشی کلیدی در ارجاع پرونده‌ها به فرآیندهای ترمیمی، مشارکت در فرآیند ترمیمی و یا نظارت بر حسن اجرای توافق‌های حاصله ایفا کنند. حتی در وضعیت‌هایی که بزه‌کار به جرم خود اعتراف کرده و یا در یک جرم گناه‌کار شناخته شده است، قاضی می‌تواند انشای حکم را تا رسیدن به نتیجه فرآیند ترمیمی به تعویق اندازد. یکی از راه‌های جلب توجه آنان به این مطلب در نظام‌های مبتنی بر قانون عرفی ارائه گزارش قبل از محکومیت است. اگر، به نظر قاضی، توافق مناسبی حاصل شده باشد ممکن است اقدام دیگری اتخاذ نشود و یا توافق مزبور در حکمی که علیه بزه‌کار صادر می‌شود، گنجانده شود.

۵-۱-۷ مقامات مسئول اصلاح و تربیت

گرچه ابتدا فرآیندهای عدالت ترمیمی در مراحل قبل از اتهام یا بعد از اتهام و قبل از محکومیت در نظام عدالت کیفری به کار گرفته شده، در سال‌های اخیر استفاده از این فرآیندها در مراحل اصلاح و تربیت و در طول مراحل مختلف اجرای حکم بزه‌کار نیز رو به فزونی بوده است. فرآیند عدالت ترمیمی، از جمله میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار، می‌تواند درباره بزه‌کارانی که تحت مراقبت قضایی (probation) یا دیگر انواع نظارت‌ها در جامعه قرار دارند. از فرآیندهای ترمیمی می‌توان همچنین برای بزه‌کارانی استفاده کرد که در بازداشت به سر می‌برند تا به آنها فرصت داده شود تا در صورت اقتضا با قربانی جرم خود و یا خانواده قربانی ملاقات کنند. استفاده از اقدامات

ترمیمی را می‌توان به آزادی مشروط بزه کار گسترش داد. هیئت‌های آزادی مشروط می‌توانند شرکت بزه کاران در فرآیندهای ترمیمی را به‌عنوان عاملی بالقوه مثبت در تصمیم‌گیری برای آزادی مورد ملاحظه قرار دهند. ماموران آزادی مشروط می‌توانند به‌عنوان بخشی از شروط آزادی میانجی‌گری را تسهیل کنند و یا بزه کاران را به یک برنامه ترمیمی ارجاع دهند. در بعضی از کشورها وزارت دادگستری سیاستی برای مشارکت قربانی‌ها در اداره زندان‌ها اتخاذ کرده است. در بلژیک این کار با انتصاب یک مشاور عدالت ترمیمی در هر زندان انجام می‌شود.

فرآیندهای ترمیمی را می‌توان در موسسات اصلاح و تربیت برای کاهش اثرات منفی زندگی در این موسسات از طریق فراهم کردن چارچوب‌هایی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافاتشان و ایجاد شیوه‌های جایگزین برای حل مخاصمه‌ها استفاده کرد.

۵-۱-۸ اعضای جامعه

بسیاری از نگرش‌های عدالت ترمیمی زمینه را فراهم می‌کنند برای نقش فعال‌تر جامعه در حل دعوی و ایجاد توافق‌های سازنده‌ای که باید توسط بزه کاران و گاه سایر طرفین پیروی شود. نکته این است که « دخالت دادن جامعه می‌تواند شیوه‌های همکاری بسیار فرد گرایانه یا یک لابی قدرتمند یا ملی را مشخص کند.»^{۷۱} تنوع قابل ملاحظه‌ای در ماهیت و میزان مشارکت جامعه در نگرش‌های مختلف عدالت ترمیمی وجود دارد. مثلاً در میانجی‌گری بین قربانی و بزه کار، جامعه غایب است و فرآیند از یک قربانی، یک بزه کار و یک میانجی‌گر تشکیل شده است. از طرف دیگر، در حلقه صدور حکم، امکان مشارکت در این فرآیند برای همه اعضای یک جامعه محلی، دهکده یا گروه بومی وجود دارد.

بسیاری از اعضای جامعه احتمالاً در آغاز فرآیندهای ترمیمی را در پیش‌گیری از جرم ملایم‌تر و کم‌اثرتر از نظام عدالت کیفری سنتی و تکیه آن بر مجازات می‌بینند. ممکن است به‌نظر برسد که برنامه‌های نوآورانه، به‌ویژه هنگامی که جرم سنگینی واقع شده است، به بزه کار اجازه می‌دهد تا مجازات «کمتری» را تحمل کند. لذا همواره تهیه مطالب و طراحی ابتکارهایی برای آموزش جامعه در زمینه اصول و طرز کار عدالت ترمیمی و نقش بالقوه‌ای که اعضای جامعه می‌توانند ایفا کنند، مهم است.

۵-۱-۹ تسهیل‌گران

تاکید بیش از اندازه بر اهمیت نقش تسهیل‌گران و میانجی‌گران در تضمین موفقیت مداخلات مربوط به عدالت ترمیمی تقریباً غیر ممکن است. مهارت‌های اساسی لازم تسهیل‌گران عبارتند از:

- توانایی ایجاد محیطی که در آن طرفین بتوانند تعامل آزاد و سالم داشته باشند؛
- مهارت‌های ارتباطی (از جمله مهارت‌های زبانی، هنگامی که اعضای گروه‌های اقلیت که به زبان دیگری صحبت می‌کنند، درگیر هستند)؛

- مهارت‌های شنیداری فعال؛
- توانایی مدیریت و کمک کردن به مردم در غلبه بر فشار احساسی؛
- توانایی کمک به طرفین در گفتن و شنیدن مطالب سخت و دشوار؛
- توانایی ایجاد موازنه علایق/اختیارات شرکت کنندگان؛
- توانایی بیان حمایت و همدردی.

۲-۵ انواع فرآیندها در برنامه‌های عدالت ترمیمی

ماهیت تعامل بین شرکت کنندگان مختلف در فرآیند عدالت ترمیمی و شیوه تسهیل‌گری لازم برحسب نوع برنامه مورد نظر تفاوت می‌کند. جدول مندرج در صفحه بعد انواع مختلف گفتگوهایی را که در برنامه‌های مختلف می‌تواند به‌عنوان بخشی از اقدامات عدالت ترمیمی انجام گیرد و تقویت شود، نشان می‌دهد.

۳-۵ احتیاط‌ها

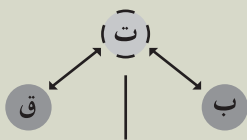
فرآیندهای ترمیمی هرگز نه عاری از خطراند و نه همیشه بدون ناکامی‌ها و مشکلات. بعضی خطرات و مشکلات سر راه این فرآیندها از طریق تجربه و ارزیابی مشخص شده‌اند. این‌ها شامل، و البته نه محدود به، موارد زیر هستند:

از دید قربانی‌ها:

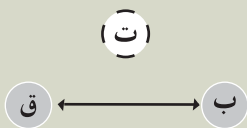
- خطر تحمیل جلسات متعدد غیرضروری، آزاردهنده و تهدیدآمیز به قربانی وجود دارد.
- خطر تحت فشار قرار گرفتن قربانی، به‌ویژه در جوامع کوچک که روابط نزدیکی بین افراد وجود دارد، برای شرکت در فرآیندی که واقعا موافق آن نیست.
- مشکلات مربوط به تضمین امنیت قربانی در فرآیندهای ترمیمی.
- مشکلات مربوط به تضمین محرمانه ماندن فرآیند هنگامی که ضرورت داشته باشد.
- پیشگیری از قربانی شدن مجدد قربانی. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از قربانیان جرایم بعد از شرکت در فرآیندهای عدالت ترمیمی دچار هراس فزاینده از دوباره قربانی شدن می‌شوند.

خانواده‌های فرآیندهای ترمیمی^{۷۲}

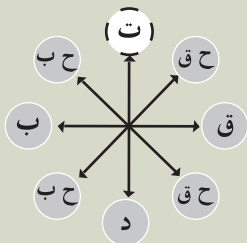
۱- قربانی و بزه‌کار بطور غیر مستقیم تعامل دارند (دیپلماسی گفتگوی غیر مستقیم، نامه‌نگاری، ویدئو و غیره) پیش‌رانه بیشتر حل و فصل است تا فرایند.
 مثال: بعضی برنامه‌های میانجی‌گری میان قربانی-بزه‌کار در اروپا؛ برنامه‌هایی که به گفتگوی قربانی و بزه‌کار در جرم‌های بسیار خشن کمک می‌کنند؛ در شرایطی که به واسطه عدم توازن جدی قدرت امکان گفتگوی رو در رو وجود ندارد.



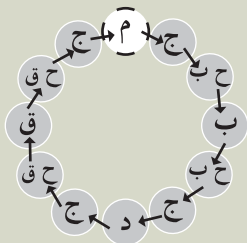
۲- تسهیل گفتگو میان قربانیان و بزه‌کاران گفتگو بین قربانیان و بزه‌کاران تسهیل‌گر محیطی ایمن فراهم می‌کند، طرفین را آماده می‌کند و توافق را می‌نویسد.
 مثال: میانجی‌گری میان قربانی-بزه‌کار



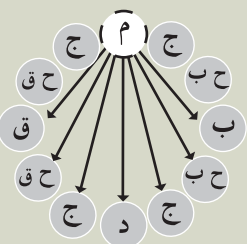
۳- تسهیل گفتگوی میان قربانیان، بزه‌کاران، حامیان و مقامات دولتی دامنه گفتگو گسترش پیدا می‌کند تا حامیان قربانی و بزه‌کار را در برگیرد؛ مقامات دولتی نیز ممکن است شرکت کنند.
 بحث‌ها از اتفاق خاص به موضوعات اساسی‌تر قربانی و بزه‌کار گسترش می‌یابد.
 مثال: همایش گروه خانواده، همایش جامعه



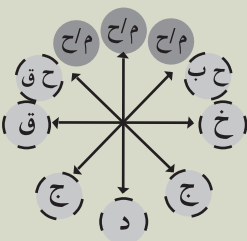
۴- تسهیل گفتگو میان قربانیان، بزه‌کاران، حامیان، مقامات دولتی و اعضای جامعه دامنه گفتگو گسترش پیدا می‌کند تا اعضای جامعه (که ممکن است برای طرف‌های دیگر شناخته شده یا ناشناخته باشند) را در برگیرد.
 بحث‌ها از اتفاق خاص و موضوعات اساسی‌تر قربانی و بزه‌کار به موضوعات مربوط به جامعه گسترش می‌یابد.
 مثال: برخی حلقه‌های صدور حکم؛ برخی حلقه‌های مصالحه



۵- هدایت گفتگو میان قربانیان، بزه‌کاران و طرف‌های دیگر این روش می‌تواند در هر یک از سه مدل بالا یا به صورت جایگزینی برای شیوه‌هایی که توضیح داده شد و یا به عنوان یکی از چندین شیوه ممکن در یک فرایند خاص به کار رود.
 دست‌کم بزه‌کار و قربانی حاضرند؛ هر یک از طرف‌های دیگر هم می‌توانند حاضر باشند.
 نقش تسهیل‌گر از تسهیل‌گری به نقشی بیشتر هدایت‌گونه و مبتنی بر حل و فصل اختلاف تغییر می‌یابد.
 مثال: میانجی‌گری میان قربانی و بزه‌کار یا همایش در صورتی که به شیوه میانجی‌گری مدنی باشد؛ بعضی حلقه‌های صدور حکم؛ بعضی حلقه‌های مصالحه.



۶- حکمیت در گفتگوی میان قربانیان، بزه‌کاران، و سایر طرف‌ها حداقل قربانی و بزه‌کار حضور دارند؛ هر یک از طرف‌های دیگر هم می‌توانند حضور داشته باشند.
 تسهیل‌گر یا تسهیل‌گران گفتگو میان طرف‌ها را سازماندهی می‌کنند، اما در پایان تسهیل‌گر یا تسهیل‌گران تصمیم‌گیری می‌کنند.
 مثال‌ها: بعضی هیئت‌های اصلاحی، بعضی اقدامات سنتی یا عرفی گروه‌های بومی



- حمایتی که از قربانی صورت می‌گیرد در مقایسه با حمایتی که به بزه کار داده می‌شود ممکن است متناسب به نظر نرسد.
- قربانیان ممکن است نسبت به فقدان مجازات برای بزه کارانی که نمی‌توانند تعهداتشان (یا شروط مندرج در توافقنامه) را عملی کنند، نگران باشند. قربانیان همچنین ممکن است برای عدم اعلام قصور بزه کار در برآورده کردن توافقی‌های به عمل آمده در فرآیند تحت فشار قرار گیرند.

از دید بزه کار

- امکان بالقوه شرمندگی بزه کار (به نحوی که قابلیت برگشت از آن حالت نباشد).
- عواقب قصور بزه کار در تحقق بخشیدن به برنامه مذاکره شده (توافق).
- بزه کاران به فرآیند ترمیمی به عنوان «راه خروج» از نظام عدالت می‌نگرند.
- فشار زیر کانه بر بزه کار برای مشارکت در فرآیند ترمیمی به منظور اجتناب از مجازات سخت تر در نظام دادرسی متعارف.
- فقدان بالقوه فرآیند حمایتی لازم و موضوع قربانیان انتقام جو و یا نرم خو.

نگرانی‌های بالقوه درباره خود جلسه ترمیمی

- سلطه بالقوه یک یا چند شرکت کننده بر جلسه/فرآیند ترمیمی.
- سلطه بالقوه قربانی که خواهان طرح برنامه‌های تلافی جویانه درباره بزه کار در جلسه است.
- شرکت دادن افراد نامناسب در فرآیند ترمیمی.
- تحت نفوذ در آوردن کامل جلسه توسط بزه کار.
- رفتار تهدید آمیز بزه کار با سایر شرکت کنندگان.
- عدم توازن قدرت. همان گونه که در اصول بنیادین بر آن تاکید شده، فرآیند ترمیمی باید تاثیر عدم توازن قدرت میان قربانی و بزه کار، که ممکن است به طور بالقوه یکی از طرفین را در طول فرآیند ترمیمی در وضع نامساعدی قرار دهد، مورد توجه قرار دهد. از جمله نابرابری‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرند می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی، سن، ظرفیت فکری، عوامل نژادی، قومی یا فرهنگی یا هر ویژگی دیگری اشاره کرد که ممکن است توانایی فرد را برای شرکت در فرآیند عدالت ترمیمی کاهش دهد. همان گونه که قبلا هم دیده شده بود، این گونه عدم توازن‌های قدرت در ارجاع پرونده‌ها به فرآیند عدالت ترمیمی باید مورد توجه قرار گیرند.

از دیدگاه نظام عدالت

- وسیع تر کردن شبکه عدالت کیفری. این نکته به توان بالقوه عدالت ترمیمی برای آوردن کسانی به نظام عدالت کیفری اشاره دارد که در غیر این صورت در آن درگیر نمی‌شدند. توسعه

فرآیندهای ترمیمی هدفی دلخواه است. اما این هدف نباید با گسترش بیش از اندازه شبکه کیفری و افزایش بالقوه انگ زدن بی‌مورد به برخی افراد محقق شود. یک نگرانی دیگر هم این است که «دستیابی به یک شبکه گسترده» غالباً به زیان اعضای گروه‌های اقلیت یا آسیب‌پذیر و یا افراد محروم رخ می‌دهد.

- سلطه بر فرآیند توسط کارکنان عدالت کیفری و خنثی‌سازی مزایای بالقوه رویکرد عدالت ترمیمی.
- عادی‌سازی و بوروکراتیک شدن فرآیندهای ترمیمی. این ممکن است به از دست دادن توانایی تطابق فرآیندهای ترمیمی با نیازهای قربانیان جرم، بزه‌کاران و جامعه منجر شود.
- ارجاع پرونده‌های نامناسب به برنامه‌های ترمیمی.
- آموزش ناکافی. افرادی که در فرآیندهای عدالت ترمیمی نقشی کلیدی در ارجاع، ارزیابی و مدد‌رسانی دارند باید آموزش کافی ببینند.
- فقدان حمایت مناسب از فرآیند و ضمانت روشی. این نگرانی وجود دارد که ماهیت غیررسمی بسیاری از فرآیندهای عدالت ترمیمی، از جمله نبود وکیل و مقررات ساده مربوط به شواهد و مدارک، ممکن است به نقض حقوق بشر و حقوق مدنی شرکت‌کنندگان منجر شود.
- اغراق در باره اثرات بالقوه برنامه‌های عدالت ترمیمی. نکته حائز اهمیت در تاسیس فرآیندهای ترمیمی به‌عنوان یکی از اجزای پاسخگویی نظام عدالت کیفری به اعمال مجرمانه، ارزیابی واقع بینانه پتانسیل‌های این نگرش است. به عبارت دقیق‌تر، نباید توقعاتی فراتر از آنچه که می‌توان با استفاده از منابع موجود برآورده نمود، ایجاد کرد.
- افزایش بار نظارتی یا حجم کار نظام عدالت متعارف.
- ناکامی در اصلاح بزه‌کار.

از دیدگاه جامعه

- در بعضی از نظام‌های قضایی اختلاف نظرهایی وجود داشته است پیرامون اینکه تا چه اندازه باید جامعه را در اختیارت قضایی سهیم کرد و این که آیا دخالت دادن ساکنین جامعه در مختومه کردن پرونده‌ها ناقض قوانین جاری است یا خیر.
- میزانی که فرآیندهای ترمیمی می‌توانند (آسیب وارده به) جامعه را «ترمیم» یا «اصلاح» کنند.
- مشکلات مربوط به بسیج و تداوم مشارکت جامعه در فرآیندهای ترمیمی.
- بعضی از جوامع ممکن است توان شرکت در فرآیندهای ترمیمی را نداشته باشند.
- در یک چارچوب نادرست برنامه‌های ترمیمی می‌توانند عدم توازن‌های قدرت و تنش در جامعه را تشدید کنند.

۴-۵ رسیدگی به موانع بالقوه

کسانی که برنامه‌های عدالت ترمیمی را تدوین و مدیریت می‌کنند ممکن است برای کاستن از بعضی نگرانی‌هایی که در بالا ذکر شد و پرهیز از موانع بالقوه آشکار فرآیندهای ترمیمی دست به اقدامات مختلفی بزنند. این برنامه‌ها بطور کلی راهبردهای موثری برای توجه به این احتیاط‌ها و محدودیت‌ها یافته‌اند.

سنگ محک برنامه‌های عدالت ترمیمی

یک برنامه ترمیمی هنگامی به هدف خود وفادار است که:

- موضوع عدم توازن‌های قدرت به‌خصوص در پرونده‌های خشونت خانگی و جنسی مهم هستند. تسهیل‌گران باید قبل، در جریان و پس از یک فرآیند ترمیمی نسبت به اعمال نفوذ و تهدید قربانی جرم توسط بزه‌کار بسیار هوشیار باشند. در غیر این صورت احتمال دوباره قربانی شدن بسیار بالا خواهد بود. این مستلزم آن است که تسهیل‌گران، نه تنها در مورد اصول و اجرای عدالت ترمیمی، بلکه درباره محرک‌های خشونت، سلطه و قدرت آموزش‌های فراوان ببینند. تسهیل‌گران باید همچنین مهارت لازم برای اطمینان از اینکه تعاملات مربوط به نشست ترمیمی مثبت و غیر تهدید آمیز باقی بماند و این که توازن حین گفتگوها حفظ شود را به‌دست آورند.
- مشارکت قربانیان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد؛
- از آمادگی همه شرکت‌کنندگان و امنیت‌شان اطمینان حاصل می‌نماید؛
- گفتگو میان شرکت‌کنندگان را تسهیل می‌کند؛
- برای ادغام مجدد همراه با مسئولیت‌پذیری تلاش می‌کند؛
- از تأمین منابع کافی برای اصلاح و ادغام مجدد اطمینان پیدا می‌کند؛
- فشارهای سیستماتیک به‌سوی جرم را مورد توجه قرار می‌دهد.

منبع: شارپ، ۱۹۹۸، ص ۳۹

نابرابری‌های بالقوه قدرت و احتمال قربانی شدن مجدد می‌تواند از طریق انجام کارهای مقدماتی فشرده توسط تسهیل‌گر و قبل از برگزاری نشست ترمیمی قربانی و بزه‌کار کاهش یابد. در تمام اوقات باید توازن بین رسیدگی به نیازهای قربانی و بزه‌کار حفظ شود و در برنامه‌هایی مثل حلقه صدور حکم، باید نیازهای جامعه هم مدنظر قرار گیرد.

برای مدیریت این خطر و خطرهای دیگر توجه خاص به انتخاب شرکت‌کنندگان در فرآیندهای ترمیمی و تأمین مقدمات و سازماندهی نشست‌ها اهمیت دارد. توجه به تعداد و هویت اشخاصی که برای شرکت در نشست‌ها دعوت می‌شوند و اطمینان پیدا کردن از تأمین امنیت قربانی، بزه‌کار، و سایر شرکت‌کنندگان نیز مهم است.

همچنین آگاهی کارکنانی که در تسهیل مذاکرات ترمیمی با حضور قربانی و یا بزه‌کار نقش دارند از مسئولیت عظیمی که نسبت به آسایش روانی-اجتماعی و احساسی شرکت‌کنندگان به‌عهده گرفته‌اند، دارای اهمیت است. این کارکنان باید برای شناسایی نشانه‌های اضطراب یا استرس در شرکت‌کنندگان آموزش دیده باشند و در صورت نیاز روند مداخله را متوقف کنند و آنان را برای دریافت کمک به مراکز خدماتی ارجاع دهند.

۶- اجرای برنامه



۶-۱ چارچوب اجرای موفق یک برنامه

اخیرا در بررسی برنامه‌های عدالت ترمیمی^{۷۳} در چند کشور دارای نظام حقوقی مبتنی بر مکتب قانون عرفی و مکتب قانون مدون مشخص شد که یک چارچوب موفق برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی چند ویژگی متمایز دارد. یک چارچوب تسهیل کننده فرآیند ترمیمی دارای ویژگی‌های زیر است:

- عزمی قوی و پایدار برای اصلاح؛
- طرز فکری مشترک میان همه کسانی که برای اجرای آن تلاش می‌کنند؛
- روشن اندیشی و اراده سیاسی دولت‌ها و تداوم آن در دولت‌های بعدی؛
- توجه به جزئیات عملی در شکل دهی و اجرای مداخلات انتخاب شده؛
- تلاش یکپارچه و مستمر همه نهادهای مربوطه؛
- اعتماد و اعتباربخشی به تحقیقات از همان ابتدا؛
- برنامه‌ریزی و حمایت مالی کامل؛
- شمولیت داشتن؛
- نظارت عالی یک نهاد مسئول هماهنگ کننده.

اغلب برنامه‌ها، به‌ویژه آنهایی که به تصمیم‌گیری عدالت کیفری منتهی می‌شوند، مستلزم اجرا در قالب رویه‌ها، اقدامات احتیاطی، و ارزش‌هایی هستند که اساسا برای عدالت کیفری تعیین شده‌اند.^{۷۴}

73-Miers, 2001, p. 80

74-Shapland, et al., 2004, p. 55

این به معنی تفکر جدی درباره مناسب بودن پرونده‌ها، تشویق ارجاع‌های مناسب یا درباره حریم خصوصی، مشارکت داوطلبانه، یا معنی رضایت آگاهانه در وضعیت‌های گوناگون است.

۲-۶ استفاده از اختیارات فوق‌العاده پلیسی، دادستانی و قضایی

بسیاری از برنامه‌های عدالت ترمیمی که به‌خوبی طراحی شده‌اند با توان کامل خود اجرا نمی‌شوند و چون در جلب کافی ارجاع از نظام کیفری موفق نیستند به حاشیه رانده می‌شوند. دقیقاً به همین دلیل بعضی از برنامه‌ها به کلی رها و یا در همان ابتدای کار مورد بازنگری ساختاری اساسی قرار می‌گیرند. جلب ارجاع‌ها در حقیقت «پاشنه آشیل تقریباً همه برنامه‌های عدالت ترمیمی است.»^{۷۵} دلیل آن اغلب این است که طرفداران برنامه از به حساب آوردن نقش کلیدی اختیارات فوق‌العاده عناصر مختلف نظام کیفری غافل می‌مانند.

منبع اصلی ارجاع‌ها به برنامه‌های عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورها دادستانی‌ها هستند. اما سطح اختیارات فوق‌العاده‌ای که دادستان‌ها برای تصمیم‌گیری جهت تعقیب قضایی برخوردارند در نظام‌های حقوقی مختلف-عمدتاً بسته به این که آیا این تصمیمات مبتنی بر اصل قانونی بودن^{۷۶} (تعقیب اجباری) است که دادستان را ملزم به تعقیب قضایی می‌کند و اختیارات فوق‌العاده دادستان را به طرز قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند یا مبتنی بر اصل اقتضای فرصت/مقتضی بودن فرصت است که اجازه اتخاذ تصمیمات فوق‌العاده را می‌دهد- متفاوت است. اصل قانونی بودن همیشه قضازدایی برای برخی پرونده‌ها را غیر ممکن نمی‌کند، اما گاهی اوقات در غیاب قانون ارجاع یک پرونده به برنامه‌های عدالت ترمیمی قبل از رسیدن پرونده به دادگاه را مشکل می‌کند.

در تایلند استفاده از رویه‌های عدالت ترمیمی در نظام دادرسی نوجوانان به‌واسطه یکی از مواد قانون آیین دادرسی نوجوانان امکان پذیر شده است. این قانون به دادستان‌ها اجازه می‌دهد تا بنا به توصیه مدیر مرکز تربیت نوجوانان (از نوجوانان بزه کار) سلب اتهام نماید. اما این ماده هرگز تا زمانی که اداره نظارت و حمایت نوجوانان، برنامه قضا زدایی براساس عدالت ترمیمی را ارائه نکرد، مورد استفاده قرار نگرفت. بنابراین همایش گروه خانواده و جامعه اولین بار معرفی شد.^{۷۷}

برنامه‌ها اغلب بر پایه یک پندار گمراه کننده شکل می‌گیرند که می‌گوید «اگر ما چیزی را بسازیم، آنها خواهند آمد.» اما برنامه‌ها معمولاً فقط زمانی موفق می‌شوند که به تدوین ساز و کارها و رویه‌های مستحکم و شفاف ارجاع و همچنین توافقات شفاف بین عوامل مجری قانون و کارکنان عدالت کیفری درباره چگونگی و زمان استفاده از اختیاراتشان برای ارجاع پرونده‌ها به فرآیندهای

75-Shapland, et al., 2004, p. 49

76-Principle of legality

77-Principle of opportunity/opportuneness

78-Kittayarak, 2005

ملاحظات مربوط به مناسب بودن پرونده

تعیین مناسب بودن یک پرونده برای فرایند عدالت ترمیمی نیازمند بررسی خطرات همراه آن برای طرفین است. یک چنین بررسی شامل عواملی فراتر از آن چیزهایی است که در سیستم عدالت کیفری متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوالاتی که ممکن است پرسیده شوند عبارتند از:

- آیا برنامه برای جوانان و یا بزرگسالان مناسب است؟
- تا چه اندازه جرم جدی بوده است؟
- آیا عوامل تشدید کننده هم در ارتکاب جرم وجود داشته است؟
- سابقه کیفری بزه کار چگونه است؟
- آیا بزه کار تمایلی به شرکت در این فرایند دارد؟ (آیا احتمال دارد وی به مشارکت در فرایند رضایت دهد؟)
- وضعیت ذهنی و احساسی بزه کار چگونه است، توانایی‌های شناختی او چقدر است؟
- آیا اخیراً هیچ تهدیدی یا شکل دیگری از ارعاب (توسط بزه کار) صورت گرفته است؟
- آیا بزه کار عضو یک سازمان جنایتکار است؟
- آیا بزه کار با قربانی نسبتی دارد، اگر آری، چه نسبتی؟
- آیا قربانی یک شخص حقیقی است یا حقوقی؟
- آیا قربانیان متعددی وجود دارد، اگر چنین است، همه موافق شرکت در فرایندند؟
- آیا قربانی بزرگسال است یا کودک؟
- آیا قربانی تمایل به شرکت در فرایند دارد؟ آیا او برای این کار رضایت دارد؟
- وضعیت ذهنی و توانایی شناختی اش چگونه است؟
- آیا خطری آنی برای قربانی شدن دوباره قربانی وجود دارد؟
- آیا افراد حامی که بتوانند در طول فرایند از قربانی یا بزه کار حمایت کنند، شناسایی شده‌اند؟
- آیا قربانی و یا بزه کار قبلاً در یک فرایند ترمیمی شرکت کرده‌اند، اگر چنین است، حاصل فرایند چه بوده است؟
- آیا بزه کار به جرم خود اعتراف کرده است، و یا لا اقل آنرا انکار نمی‌کند؟
- آیا هنوز حقایق مربوط به جرم موضوع اختلاف است؟
- آیا مدرکی برای ضایعات یا خساراتی که قربانی(ها) متحمل شده‌اند وجود دارد؟

ترمیمی توجه شده باشد. هنگام طراحی یک برنامه جدید، نگرانی‌های مشروع مسئولینی که نهایتاً در قبال تصمیمات مربوط به این ارجاع‌ها پاسخگو خواهند بود و این که قربانیان و جامعه چه درکی از آنان خواهند داشت باید مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. به طور مطلوب، خود این مسئولین باید در تدوین این برنامه‌ها و معیارها و رویه‌های اجرای آن شرکت کنند تا در خود نسبت به برنامه و موفقیت آینده آن احساس مالکیت کنند. آشکار است که مجبور کردن مسئولین مربوطه به ارجاع افراد به برنامه‌ای که برای مشارکت در آن اول باید این افراد رضایت بدهند مشکلات عملی را ایجاد خواهد کرد. گزینه برخی کشورها برای تشویق یا افزایش ارجاع‌ها، ملزم کردن بعضی از مسئولین در مراحل خاصی از فرآیند نظام کیفری به توجه به ارجاع یک پرونده به فرآیند ترمیمی است. این روش ممکن است مفید باشد اما جایگزین مطلوبی برای تدوین رهنمودها، رویه‌ها و معیارهای مشخص ارجاع نیست.

راه دیگر برای تشویق ارجاع‌ها در دراز مدت اطمینان یافتن از این نکته است که همیشه ارجاع پرونده‌ها به برنامه منجر به بازخورد و ارتباط به موقع با فرد یا دفتر مسئول ارجاع گردد. این ارتباط‌ها باید دربردارنده اطلاعاتی پیرامون محصل پرونده‌های ارجاعی، دلایل این که چرا یک پرونده خاص احتمالاً با موفقیت به پیش نرفته است، ماهیت توافقات حاصله، اظهارات قربانیان (و نه فقط اظهارات مثبت) و این که آیا توافقاتی حاصله به اجرا در آمده‌اند یا خیر باشد.

سرانجام این که گاهی می‌توان از اعضای دفاتر ارجاع دهنده برای شرکت در فرآیند یا بخشی از آن دعوت به عمل آورد. ضمناً می‌توان آمارها، گزارش‌های تحلیلی و یافته‌های مربوط به ارزیابی برنامه را به صورت دوره‌ای به آنها ارائه کرد. این کار باعث خواهد شد تا آنها به راحتی پرونده‌های بیشتری را به برنامه ارجاع دهند. به طور خلاصه، مدیران یا دفاتر مسئول یک برنامه باید روابط خود با عوامل مجری قانون و مقامات عدالت کیفری که برای ارجاع‌ها به آنان اتکا دارند، بدقت پرورش دهند.

۳-۶ ترویج ارجاع‌های مناسب به یک برنامه

بر حسب اینکه چه کسی مسئول انتخاب پرونده‌ها است برنامه‌های ترمیمی متفاوت خواهد بود. منشاء ارجاع‌ها به برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌تواند از طرف پلیس، دادستان، مسئولین اصلاح و تربیت، نهادهای مردم-نهاد و یا سایر منابع جامعه باشد. در بسیاری از نظام‌های قضایی اصول راهنمای مربوط به ارجاع پرونده‌ها را قانون تعیین کرده است. اما در برخی کشورهای دیگر فرآیند ارجاع در قالب سیاست یا توافق نامه‌ها مطرح شده است. نحوه پیشنهاد شرکت در یک فرآیند عدالت ترمیمی به قربانی و یا بزه کار -چه این کار توسط افسران پلیس و یا افسر پلیسی که با برنامه آشنایی دارد صورت بگیرد و چه توسط یک مشاور، یک کارمند خدمت رسانی به قربانی، یا یک عضو جامعه مربوطه- بسیار مهم است.

چون موفقیت هر برنامه عدالت ترمیمی تا حدود زیادی بستگی به دریافت ارجاع‌های مناسب دارد، فرآیند ارجاع باید با مشاوره‌های پیوسته و فعالیت‌های ارتباطی برای تشویق کارکنان کیفی به ارجاع پرونده‌های مناسب به یک برنامه ترمیمی و جستجوی فعالانه پرونده‌های مناسب در میان پرونده‌های نهاد مربوطه تقویت گردد.

اصول بنیادین (پاراگراف ۷ و ۹) سه معیار عمده برای طراحی یک فرآیند ترمیمی در نظام عدالت کیفی مشخص می‌کند:

- **شواهد کافی:** ارجاع فقط باید هنگامی که شواهد کافی برای متهم کردن بزه کار وجود دارد، صورت بگیرد؛
- **رضایت:** ارجاع فقط باید با رضایت آزادانه و داوطلبانه قربانی و بزه کار صورت بگیرد. اما در مرحله ارجاع اولیه ممکن است رضایت هر دو طرف تامین نشده باشد، در این صورت نخستین پیش شرط هر اقدامی برای پیشبرد کار کسب رضایت طرفین خواهد بود.
- **عدم توازن قدرت و تفاوت‌های فرهنگی:** نابرابری‌های منجر به عدم توازن قدرت، و همچنین تفاوت‌های فرهنگی میان طرفین، باید در ارجاع یک پرونده به فرآیند ترمیمی مد نظر قرار گیرند. در مواردی که ارجاع‌ها بدون توجه به عدم توازن‌های بالقوه در قدرت انجام می‌گیرد، باید توجه تسهیل‌گران برنامه را به این حقیقت جلب کرد و موضوع را در عملکرد فرآیند ترمیمی مورد توجه قرار داد. معیارها، رویه‌ها و فرم‌های ارجاع باید به شیوه‌ای طراحی شوند که آزمون این مورد را توسط آنان که مسئول و پاسخگوی تصمیم ارجاع هستند، تسهیل کند. در بعضی موارد نهاد ارجاع دهنده موظف است دقت لازم را بکار برد تا برایش محرز شود که ارجاع یک پرونده به فرآیند جامعه-محور، بزه کار یا قربانی را در معرض خطر قربانی شدن یا تهدید مواجه نخواهد کرد.

غالباً سازوکارهای ضعیف ارجاع و نرخ پایین ارجاع باعث عملکرد ضعیف یا شکست برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌شوند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، روش‌های مختلفی وجود دارد که مدیران برنامه می‌توانند با استفاده از آنها ارجاع‌های موثر از جامعه و از سطوح مختلف نظام عدالت کیفی را افزایش دهند.

توافق‌های خاص بین سازمانی می‌توانند ترجیحاً قبل از شروع به کار این برنامه و یا هنگامی که برنامه تدوین می‌شود به عمل آیند. این توافقنامه‌ها می‌توانند راهنمای انتخاب پرونده‌ها باشند و معیارهای لازم برای ارجاع را تعیین کنند. همچنین این موافقتنامه می‌تواند رویه‌هایی را که باید در شرایط مختلف رعایت شوند (از جمله: چه موقع رضایت یکی از طرفین نمی‌تواند کسب شود، چه موقع یک توافق نمی‌تواند حاصل شود، چه موقع یکی از طرفین تصمیم به خروج از فرآیند می‌گیرد، یا چه موقع یک بزه کار نمی‌تواند شروط مندرج در توافق را تحقق بخشد) تعیین کنند. همچنین، قربانیان جرایم می‌توانند با پذیرفتن مشارکت در جلساتی با شرکت نوع خاصی از بزه کاران به عنوان نگهبان بالقوه فرآیند ترمیمی عمل کنند.

تجربه نشان داده است که تدوین توافقنامه‌هایی برای تبادل اطلاعات با دفاتر عدالت کیفری برای تسهیل شناسایی پرونده‌ها و شرکت کنندگان بالقوه اهمیت خاص خواهد داشت. مسایل مربوط به عدم افشای جزئیات مربوط به قربانیان و جزئیات مربوط به بزه کاران (مخصوصاً هنگامی که آنها کودک یا جوان‌اند) به کرات وجود داشته‌اند. این می‌تواند مانع موفقیت یک برنامه، توالی ارجاع‌ها و کیفیت همکاری بین دفاتر شود.^{۷۹}

این موضوعات همزمان با تدوین برنامه و همزمان با مذاکره در باره توافق‌های بین سازمانی باید تا جای ممکن توضیح داده شوند.^{۸۰}

ممکن است در معیارهای مورد استفاده برای انتخاب یک نوع فرآیند ترمیمی در نظام‌های قضایی تنوع قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد. مثلاً معیار شایستگی و پذیرش میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار ممکن است در نظام‌هایی که در آنها دادگاه یا دفتر ذیربط فقط بزه کارانی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند را به برنامه ترمیمی ارجاع می‌دهند با برنامه‌هایی که در آنها خود قربانیان جرم به صورت مستقیم درخواست میانجی‌گری به کارکنان برنامه می‌دهند، تفاوت داشته باشد. تدوین روشی برای ارزیابی مناسب بودن و خطرات ناشی از ارجاع هر یک از پرونده‌ها به فرآیند ترمیمی مهم است.

در بسیاری از نظام‌های قضایی نیز لازم می‌دانند که بزه‌کار داوطلبانه در برنامه‌های عدالت ترمیمی شرکت کند. و گرچه معمولاً بزه‌کاران ملزم به پذیرش مسئولیت عمل خود هستند این پذیرش معمولاً مانند پیدا کردن تقصیر در دادگاه کیفری نیست. در بعضی موارد، مثل همایش گروه خانواده، کافی است که بزه‌کار در هنگام ارجاع به برنامه «انکار مسئولیت نکند.» از طرف دیگر، برنامه‌هایی که مداخله را در مراحل محکومیت یا بعد از آن پیشنهاد می‌کنند (مانند حلقه صدور حکم) معمولاً تنها در دسترس بزه‌کارانی است که مقصر شناخته شده‌اند یا تقصیر خود را پذیرفته‌اند. به علاوه، همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، پاراگراف ۸ اصول بنیادین تصریح می‌کند که مشارکت بزه‌کار در فرآیند ترمیمی به خودی خود نباید در اقدامات قانونی متعاقب به‌عنوان شاهی بر پذیرش تقصیر استفاده شود.

۴-۶ نقش سازمان‌های مردم-نهاد و جامعه مدنی

سازمان‌های مردم-نهاد نقش عمده‌ای در پیشرفت برنامه‌های عدالت ترمیمی در سراسر جهان بازی کرده‌اند. موثر بودن آنها در عرصه ترمیمی معمولاً تا اندازه زیادی به نزدیکی بیشتر آنان به جامعه در مقایسه با کارکنان عدالت کیفری ریشه دارد. به همین صورت در بعضی موارد ممکن است سازمان‌های مردم-نهاد بیش از پلیس، دادستان‌ها و قضات اعتبار داشته و از احترام بیشتری برخوردار

79-See, for example, the evaluation of youth justice pilots in Great Britain; Dignan, 2000

80-See the model agreement and the case study presented in the Home Office's consultation document: Home Office (2003), pp. 71-73

باشند. همچنین سازمان‌های مردم-نهاد در بسیاری از کشورها به دور از آلودگی‌های حمایتی و فسادند و همین به ابتکارات برنامه‌های آنها مشروعیت بیشتری می‌دهد. این مشروعیت بسیار مهم است برای برنامه‌های ترمیمی که بسیاری از آنها متکی به مشارکت ساکنین جامعه و به‌ویژه اطمینان قربانیان جرم است نسبت به این که پرونده آنان منصفانه و با احتمال اندک قربانی شدن مجدد رسیدگی خواهد شد.

سازمان‌های مردم-نهاد ممکن است با دولت‌ها هم شریک شوند. اما با این کار باید مطمئن شوند که یکپارچگی برنامه‌ها به خطر نخواهد افتاد و دستور کارهای سیاسی وارد برنامه نخواهد شد.

۵-۶ دست‌آوردهای برنامه

اصول بنیادین «دست‌آورد ترمیمی» را به‌عنوان «توافق ناشی از نتیجه یک فرآیند ترمیمی» تعریف می‌کند. دست‌آوردهای ترمیمی شامل پاسخ‌ها و برنامه‌هایی مانند پرداخت خسارت، جبران، و خدمات اجتماعی به هدف تامین نیازهای فردی و جمعی و اجرای مسئولیت‌های طرفین و کسب موفقیت در ادغام مجدد قربانی و بزه‌کار در جامعه است.

علاوه بر خود گفتگو، یکی از هدف‌های مهم فرآیندهای عدالت ترمیمی تلاش برای یک توافق است. نکته مهم این است که توافق حتی المقدور باید با اجماع همگانی حاصل شود و همه افراد ذینفع مانند قربانی جرم، بزه‌کار و در صورت ضرورت، جامعه در تدوین و تصویب آن مشارکت داشته باشند. به‌علاوه، توافق باید متناسب با نیازهای خاص قربانی جرم و بزه‌کار و جامعه باشد.

تنوع قابل ملاحظه‌ای در نوع، دامنه و اجزای توافق‌های حاصل از فرایندهای ترمیمی وجود دارد. یک توافق ممکن است شامل یا فاقد دستورالعمل‌های خاص رفتاری باشد. آنچه اهمیت دارد این است که منابع، برنامه‌ها و مجازات‌هایی که تصور می‌شود برای یک پرونده در دست‌رسیدگی مناسب است در دسترس باشد. این، به نوبه خود، نیازمند آن است که برای قرار دادن برنامه‌ها و خدمات در دسترس قربانی و بزه‌کار توافق‌های لازم به‌عمل آمده باشد.

اصول بنیادین (پاراگراف ۱۵) تصریح می‌کند که «نتایج توافق‌های حاصل از برنامه‌های عدالت ترمیمی در صورت امکان باید تحت نظارت قضایی قرار گیرند و یا در تصمیمات قضایی یا قضاوت‌ها گنجانده شوند.» هرگاه این اتفاق بیفتد، حاصل کار باید جایگاهی همانند سایر تصمیمات قضایی یا قضاوت‌ها داشته باشد. آشکار است که این، با توجه به ساختار برنامه و ارتباط آن با نظام عدالت کیفری، در بعضی از پرونده‌ها بیشتر از پرونده‌های دیگر میسر است. مزیت ادغام توافق در یک تصمیم یا حکم قضایی این است که متعاقب ادغام، دادگاه‌ها یا نهاد مجری قانون موظف به نظارت بر توافق و انجام مداخله لازم در صورت ناکامی بزه‌کار در انجام شروط توافق شده در برنامه خواهد بود.

یک برنامه ترمیمی ممکن است بدون رسیدن به یک توافق نیز موفقیت آمیز باشد. مثلاً یک قربانی ممکن است با داشتن فرصتی برای اینکه به بزه کار بگوید عمل مجرمانه اش چه تاثیری روی وی داشته و با پذیرش مسئولیت از طرف بزه کار ارضا شود. پاراگراف ۱۶ اصول بنیادین توصیه می کند که «وقتی هیچ توافقی میان طرفین حاصل نمی شود، پرونده باید به فرآیند عدالت کیفری مستقر اعاده و بلافاصله تصمیمی در مورد چگونگی ادامه کار اتخاذ شود.» در ادامه این پاراگراف آمده است که صرفاً ناکامی در حصول توافق نباید متعاقباً در رسیدگی های عدالت کیفری علیه بزه کار به کار رود.

۶-۶ نظارت بر حسن اجرای برنامه

وجود سازوکاری برای نظارت بر شروط هر توافقی که در فرآیند ترمیمی حاصل می شود مهم است. با تکیه بر راهبرد ترمیمی خاص مورد استفاده، ممکن است فهرست بلند بالایی از مسئولیت های اصلاحی، الزامات رفتاری و (در جوامع بومی) اصلاح سنتی و رسوم جامعه سازی موجود باشد. اصول ترمیمی (پاراگراف ۷) می گوید که «توافقات باید به صورت داوطلبانه حاصل شوند و صرفاً حاوی تعهدات منطقی و متناسب باشند.»

هر برنامه ترمیمی باید تعیین کند که چگونه بر حسن اجرای مفاد توافق های حاصله در طول فرآیندهای ترمیمی توسط بزه کاران، و سایر طرفین نظارت خواهد کرد. راه های متنوعی برای تعیین چنین سازوکارهایی موجود است. سازوکارهای نظارتی الزامات نیازی ندارند که تحت خود برنامه قرار گیرند. این کار ممکن است به عهده اداره دیگری؛ مثل اداره پلیس یا مرکز مراقبت و نظارت یا سازمانی که با بزه کاران برای کمک به آنها در اجرای برنامه اصلاحی و تربیتی شان کار می کند (مثل یک موسسه ترک اعتیاد، یک مرکز خدمات مشاوره ای یا موسسه مالی) گذاشته شود. نظارت بر توافق طرفین در بسیاری از کشورهای کم درآمد به عهده خود اعضای جامعه و توان خود تنظیمی جامعه گذاشته شده است.

به طور مثال، توافق ها در حلقه صدور حکم منوط به بررسی یک قاضی است که خواستار گزارش های منظم کمیته دادرسی (مسئول اداره فرآیند) و گروه های حمایت خواهد شد. قضات می توانند در خاتمه کار حلقه فرآیند اجرای تصمیمات را با تعیین یا تصدیق مسئولیت های نظارتی جامعه تقویت کنند. آنها می توانند تصمیم نهایی درباره محکومیت حبس یا سایر مجازات ها را تا زمان تکمیل تعهدات که باید در جلسه پیگیری به تایید برسد به تعویق اندازند.

پاراگراف ۱۷ اصول بنیادین تاکید می کند که «ناکامی در انجام توافقات حاصله در جریان یک فرآیند ترمیمی باید به برنامه عدالت ترمیمی، یا در صورت الزام قوانین ملی به فرآیند عدالت کیفری مستقر عودت داده شود و بلافاصله باید تصمیمی برای چگونگی ادامه رسیدگی گرفته شود.» ناکامی

در انجام یک توافق نه یک تصمیم یا حکم قضایی نباید در رسیدگی‌های کیفری بعدی به‌عنوان توجیهی برای محکومیت سنگین‌تر بکار رود. برای روشن شدن اینکه چه اتفاقی افتاده و تعیین این که آیا این ناکامی از طرف اداره حمایت‌کننده بوده است می‌توان با بزه‌کار مصاحبه کرد.

مثلا در اتریش، هنگامی که یک بزه‌کار از پرداخت خسارت‌های مالی توافق شده در فرآیند میانجی‌گری میان قربانی-بزه‌کار باز می‌ماند، میانجی‌گر و یا مددکار اجتماعی پرونده با بزه‌کار تماس می‌گیرد و درباره دلایل آن سؤال می‌کند. معمولا یک راه حل برای وضعیت پیدا می‌شود. در هر حال اگر علیرغم مداخله‌های مکرر و تذکرات مکتوب، پاسخی از طرف بزه‌کار دریافت نشود، پرونده مجدداً برای ادامه کار به دفتر دادستان کشور ارجاع می‌شود. در چنین وضعیتی میانجی‌گر، قربانی را از احتمال ادعای خسارت در روند رسیدگی کیفری و یا از طریق اقدامات مدنی مطلع می‌کند.

۷-۶- خدمات پشتیبان برنامه

هر اندازه که یک برنامه عدالت ترمیمی مستقیماً برای ایجاد جامعه‌ای حامی، تامین حمایت و مساعدت به قربانیان، یا کمک به اصلاح و تربیت بزه‌کار و ادغام دوباره وی در جامعه تلاش می‌کند، این برنامه باید به سایر خدمات حمایتی و منابع جامعه تکیه کند. در صورت وجود این گونه خدمات، ایجاد مشارکت صحیح یا تدوین توافقنامه‌های بین‌سازمانی و آیین‌نامه‌های تبادل خدمات، موضوعی ساده خواهد بود. در بسیاری از شرایط و جوامع دیگر که خدمات مناسبی وجود ندارد یا در دسترس بزه‌کاران و قربانیان نیست، ممکن است لازم باشد تا این خدمات را توأم با برنامه‌های عدالت ترمیمی ایجاد کرد.

۸-۶- روابط عمومی و روابط با رسانه‌ها

مطلع نگاه داشتن جامعه از پیشرفت‌ها و اجرای یک برنامه عدالت ترمیمی معمولاً از پیش شرط‌های موفقیت آن است. هنوز ممکن است یک جامعه برخی نگرانی‌ها درباره تاثیر و مشروعیت یک برنامه را داشته باشد و این موضوع باید در همه ارتباطات عمومی مد نظر قرار گیرد. توجه به نگرانی‌های اعضای جامعه و دعوت از آنها، در صورت امکان، برای مشارکت و ورود به برنامه گامی بزرگ در راستای ایجاد پایگاه حمایتی وسیعی برای آن خواهد بود. برقراری خط ارتباطی از طریق مشورت منظم و تبادل اطلاعات نیز به حفظ نگرش مثبت جامعه نسبت به اجرای برنامه کمک خواهد کرد.

اما در بسیاری از مواقع ارتباط با جامعه به واسطه رسانه‌های گروهی صورت می‌گیرد. در اهمیت کار با رسانه‌ها برای توضیح یک برنامه به جامعه و مطلع نگهداشتن آن از تحولات جدید نمی‌توان غلو کرد. داستان‌های منفی و هراسناک می‌تواند به منجر به متقاعد کردن نادرست گردد که ممکن است باعث پیدایش تصور عمومی نادرست شود. این امر به نوبه خود می‌تواند باعث گردد تا سازمان‌های دیگر بطور فزاینده‌ای جریان ارجاع پرونده‌ها را به این برنامه قطع کنند.

به نظر می‌رسد که برنامه‌های موفق باید دربردارنده طرح‌های منسجم و مبتنی بر صداقت و شفافیت باشند، حتی اگر گاهی به خاطر حمایت از حریم خصوصی شرکت کنندگان در برنامه این شفافیت محدود باشد. باید از صدور بیانیه‌های عمومی اغراق‌آمیز، انتقادهای غیرضروری و غیر منطقی از ادارات دیگر یا عناصر دیگر نظام دادرسی، و همچنین ادعاهای اغراق‌آمیز درباره شایستگی‌ها و موفقیت‌های برنامه دوری کرد و آنها را با ارائه حقایق و داستان‌های صادقانه انسانی که جامعه می‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند، جایگزین نمود. رهبران فکری مختلف جامعه و سخنگویان سایر نهادهای قضایی را نیز می‌شود برای حصول اطمینان از بیان آشکار حمایت‌شان از برنامه بسیج کرد.

در نهایت هر برنامه باید یک طرح احتیاطی ارتباطاتی آماده برای اجرا داشته باشد تا در صورتی که یکی از پرونده‌هایش در مسیری اشتباه قرار می‌گیرد یا یکی از بزه‌کاران مشمول برنامه باعث جلب توجه منفی به برنامه می‌شود به اجرا گذاشته شود. در حقیقت در هر برنامه باید این‌طور فرض شود که دیر یا زود حداقل یک پرونده برای قربانی یا جامعه بسیار مسئله ساز خواهد شد. کوتاهی در آماده شدن برای چنین شرایطی باعث از بین رفتن بسیاری از برنامه‌های نوپا شده است.

۷- پایش و

ارزیابی برنامه

اصول بنیادین (پاراگراف ۲۲)، کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا در صورت اقتضا با همکاری جامعه مدنی پژوهش و ارزیابی برنامه‌های عدالت ترمیمی را به منظور «سنجش میزان منتهی شدن این برنامه‌ها به دست‌آوردهای ترمیمی، عملکرد آنها به‌عنوان جایگزین یا مکمل فرآیندهای عدالت کیفری، و دست‌آوردهای مثبتی که برای همه طرف‌ها ارائه می‌کنند» ارتقا دهند. به‌علاوه اصول بنیادین این را هم برسمیت می‌شناسد که فرآیندهای ترمیمی ممکن است در طول زمان دستخوش تغییراتی شوند و «نتایج پژوهش و ارزیابی باید راهنمای توسعه بیشتر سیاست و برنامه باشد.»

۷-۱- نیاز به پایش و ارزیابی برنامه

علیرغم افزایش برنامه‌های عدالت ترمیمی در طول چند دهه گذشته در سراسر جهان، تنها در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی برای ارزشیابی این برنامه‌ها انجام گرفته است. این مسئله تعیین میزان تاثیر رویکردهای ترمیمی که تا کنون ابداع شده‌اند را مشکل می‌کند و مانع بحث درباره شرایط حمایت‌کننده یا محدودکننده برنامه‌های ترمیمی می‌شود. و از ایجاد چیزی بیش از یک فهرست موقتی از «رویه‌های مطلوب» مبتنی بر حقایق برای هدایت تدوین و اجرای برنامه‌های جدید جلوگیری می‌کند.

برای فراهم کردن امکان ارزیابی منظم، باید داده‌های مورد نیاز ارزیابی بر مبنایی منظم و متوالی در مراحل اولیه تدوین برنامه و حتی قبل از به اجرا درآمدن آن، شناسایی و گردآوری شود. استانداردها و هدف‌های برنامه باید تعیین و سازوکارهای پایش و ارزیابی ایجاد گردد.^{۸۱}

81-See Galaay's practical guide on "Evaluating Restorative Community Justice Programs", 1998

اطلاعات آماری و کیفی هر دو باید به‌عنوان بخشی از فرآیند پایش و ارزیابی گردآوری شوند. اطلاعات آماری که می‌تواند گردآوری گرد باید شامل موارد زیر باشند:

- تعداد و انواع پرونده‌های ارجاع شده به برنامه‌های ترمیمی (شامل ماهیت بزه ارتكابی)؛
 - منابع ارجاع؛
 - طول زمان لازم برای آماده‌سازی پرونده؛
 - زمان لازم برای انجام فرآیند ترمیمی؛
 - ماهیت و محتوای توافق؛
 - سرعت تکمیل موفقیت‌آمیز توافقات حاصله؛
 - نوع و دفعات ارتكاب مجدد بزه توسط بزه‌کارانی که قبلاً در فرآیندهای ترمیمی شرکت داشته‌اند؛
 - تعداد داوطلبان و ساعات کار انجام شده در فرآیندهای ترمیمی؛
 - اطلاعات مربوط به هزینه‌ها؛
 - ویژگی‌هایی (مانند سن، جنسیت و قومیت) قربانیان جرم، بزه‌کاران، و ساکنین جامعه که در برنامه‌های ترمیمی شرکت می‌کنند؛
 - معلومات شرکت‌کنندگان و رضایت آنان از تجربه فرآیند؛
- داده‌های کیفی نیز می‌توانند از طریق مشاهده فرآیند ترمیمی و مصاحبه با طرفین و سایر شرکت‌کنندگان در آن گردآوری شوند.

۲-۷- چالش‌های ارزیابی برنامه‌های عدالت ترمیمی

در تلاش برای ارزیابی سودمندی فرآیندهای عدالت ترمیمی چالش‌هایی وجود دارد. این چالش‌ها شامل، و البته نه محدود به موارد زیراند:

- دشواری تامین گروه‌های کافی برای کنترل قربانیان جرم و بزه‌کارانی که در نظام عدالت کیفری متعارف شرکت کرده‌اند.
- بیشماری برنامه‌های ترمیمی و آرمان‌ها و هدف‌های این برنامه‌ها.
- تنوع پذیری گسترده در ماهیت و تعداد پرونده‌های رسیدگی شده در برنامه‌های ترمیمی.
- فقدان کنترل کافی و قابلیت مقایسه معیارهای ارجاع، شایستگی و آموزش تسهیل‌گران، چارچوب قانونی و سیاستی که برنامه ترمیمی در آن اجرا می‌شود و معیارهای متنوعی که باید در ارزیابی حاصل کارها استفاده شوند.

- تنوع شاخص‌هایی که برای سنجش موفقیت برنامه به کار می‌روند.
- تنوع در دوره زمانی به کار رفته برای سنجش تکرار جرم در میان بزه‌کارانی که در برنامه‌های ترمیمی شرکت کرده‌اند.
- معیارهای خاصی که در ارزیابی‌های برنامه به کار می‌روند تا «رضایت» قربانی جرم و بزه‌کار، میزان «ترس» قربانیان جرم، و انتظاراتی که قربانیان و بزه‌کاران در فرآیندهای ترمیمی داشته‌اند را بسنجند. این‌ها، برای مثال، مجموعه‌ای از شاخص‌هایی هستند که می‌توانند برای سنجش رضایت قربانیان و بزه‌کاران، از جمله رضایت از (الف) شیوه رسیدگی به پرونده‌هایشان، (ب) دست آورد پرونده، (ج) رضایت از تسهیل‌گر (د) منصفانه بودن فرآیند، و (ها) تعامل با بزه‌کار استفاده شوند.
- حوه انجام ارزیابی تجربه قربانی جرم و بزه‌کار از اجرای فرآیند ترمیمی.
- کنترل محدوده‌های وسیع مختلف، مانند: جوامع شهری/روستایی و جوامع شدیداً مشکل‌دار/شدیداً یکپارچه - که فرآیند ترمیمی در آن انجام می‌گیرد.
- کنترل انواع گوناگون آموزش‌هایی که کارکنان برنامه و تسهیل‌گران دریافت می‌کنند.
- کنترل چارچوب‌های قانونی و سیاست‌هایی که برنامه‌های ترمیمی در آنها اجرا می‌شوند.
- تعیین کیفیت فرآیندهایی که شدیداً ذهنی، شخصی و تعاملی‌اند.
- تدوین معیارهایی برای بررسی میزانی که برنامه‌های ترمیمی ظرفیت جامعه، خانواده و نظام را افزایش می‌دهند.
- تدوین معیارهایی برای ارزیابی توانمندسازی قربانی، ندامت و اصلاح بزه‌کار.
- عملیاتی کردن مفاهیمی مثل «ظرفیت جامعه»، «ظرفیت خانواده»، «ظرفیت سیستم»، «توانمندسازی قربانی» و «دخال‌ت دادن جامعه».
- تدوین معیارهایی برای بررسی مقرون به صرفه بودن ابتکارهای عدالت ترمیمی، به‌ویژه در مقابل نظام عدالت کیفری متعارف.

اکثر ارزیابی‌های به‌عمل آمده تا امروز روی تجربه‌های قربانیان جرم و بزه‌کاران متمرکز بوده است. به نظرات سیاستمداران و مقامات عالی رتبه مجری قانون و عدالت کیفری توجه کمتری شده است. تصمیمات، کرده‌ها و ناکرده‌های آنان می‌تواند تاثیر مهمی روی توسعه و اجرا و موفقیت نهایی فرآیندهای عدالت ترمیمی داشته باشد. همین‌طور اگر نگوئیم هیچگونه تمرکزی اما توجه اندکی به نقشی که تسهیل‌گران در موفقیت اقدامات ترمیمی بازی می‌کنند، از جمله تاثیر آموزش، شخصیت و «سبک» ویژه تسهیل‌گر، و تجربه آنها در ایجاد نتایج مثبت شده است. تجربه‌ای که قربانیان جرم و بزه‌کاران از فرآیند دارند می‌تواند به اندازه عملکرد چارچوب قانونی و سیاستی که تعامل در آن صورت گرفته است و به اندازه مهارت‌های تسهیل‌گر و خود رویکرد ترمیمی خاص باشد.

مجموعه‌ای از معیارها برای سنجش حاصل کارهای برنامه‌ها- از جمله شاخصه‌های کیفی تر مثل سطوح رضایت قربانیان، بزه‌کاران، و طرف‌های ثالث، از جمله اعضای جامعه، و شاخصه‌های کمی تر مثل سطوح و شدت ارتکاب دوباره جرم، و میزان ترس جامعه از جرم- وجود دارد. به‌علاوه برای رسیدن به استانداردهای ارزیابی، لازم است بین تجربه‌ها و رفتارهای گروهی از بزه‌کاران و قربانیانی که در یک فرآیند ترمیمی شرکت کرده‌اند و گروه مشابهی از بزه‌کاران و قربانیان که در معرض پاسخ عدالت کیفری استاندارد بوده‌اند مقایسه‌ای به‌عمل آید.

۷-۳ سنجش تاثیر برنامه‌ها بر تکرار جرم

یک جنبه کلیدی بیشتر نگرش‌های عدالت ترمیمی تمایل آنها به ملاحظه جرم یا منازعه در یک چارچوب کل‌نگر و شناسایی و بررسی علل ریشه‌ای این رویداد است. ایجاد یک چارچوب ارزیابی برای سنجش میزان تاثیر هر یک از مداخله‌های ترمیمی در رسیدگی به مسائل زیربنایی بسیار دشوار و نیازمند کار زیاد است. این نوع ارزیابی کمتر متمایل به تحلیل‌های آماری است و مستلزم یک طرح تحقیق مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات از طرف‌های درگیر در مداخله ترمیمی است.

علیرغم شواهد روشنی که درباره جنبه‌های مختلف تاثیر مثبت برنامه‌های عدالت ترمیمی وجود دارد، پژوهشگران، دست‌اندرکاران و سیاستگذاران هنوز می‌خواهند بدانند که آیا مداخله‌های عدالت ترمیمی می‌توانند جرم را کاهش دهند، و اگر چنین است، چطور و چه زمانی. تصویری که از ادبیات رو به رشد تحقیقات تجربی در زمینه عدالت ترمیمی و ارتکاب مجدد جرم بدست می‌آید هنوز کاملاً روشن نیست.

حامیان این برنامه‌ها ممکن است برای نشان دادن فواید عدالت ترمیمی به قربانیان و بزه‌کاران خشنودی که با آنان منصفانه رفتار شده اشاره کنند. اما این که یک ابتکار عدالت کیفری می‌تواند چه تاثیری بر بزه‌کاری‌های آتی داشته باشد در کانون بحث‌های مربوط به موفقیت برنامه باقی خواهد ماند؟ گوناگونی قابل توجهی درباره چگونگی ادراک و سنجش بزه‌کاری مجدد در پژوهش‌های مختلف موجود است. احتمالاً این گوناگونی‌ها در پیدایش دست‌آوردهای مختلف نقش داشته‌اند.^{۸۲}

یک تحلیل اخیر از ارزیابی‌های برنامه عدالت ترمیمی نشان داد که مداخله‌های عدالت ترمیمی به‌طور متوسط با کاهش نسبتاً کم ولی پر اهمیت تکرار جرم همراه بوده است. به‌نظر می‌رسد که مداخله‌ها در مورد بزه‌کاران کمتر خطرناک موثرتر بوده‌اند؛ تحلیل‌ها مشخص کردند که مداخله‌های عدالت ترمیمی کاهشی در تکرار جرم میان بزه‌کاران خطرناک‌تر نشان نمی‌دهند.^{۸۳}

82-Hayes, 2005

83-Bonta et al., 2006

تحقیق درباره تکرار جرم بعد از یک مداخله همایش ترمیمی نشان داد که بهترین چیزها برای پیش‌بینی ارتکاب مجدد جرم شامل اطلاعاتی درباره خود بزه‌کاران-مثل سن، سن ارتکاب جرم برای اولین بار، جنسیت، و سابقه ارتکاب جرم-است. احتمال ارتکاب مجدد جرم در افراد مذکر بیشتر از افراد مونث است و وقتی جوانان در سنین پایین مرتکب جرم می‌شوند، احتمال ارتکاب مجدد جرم در آنها بالا است.^{۸۴} برآورد تاثیر فرآیندهای عدالت ترمیمی بر ابعادی غیر از بزه‌کار، مثل میزان اثرگذاری وجود و عملکرد چنین برنامه‌هایی بر توانمندسازی جوامع و اعضای آنها، بسیار مشکل‌تر است. این‌ها انواع کیفی شاخصه‌هایی هستند که نیاز به پژوهش عمیق دارند.

در بعضی از بررسی‌های اخیر همایش‌های ترمیمی در استرالیا و نیوزیلند دست‌آوردهای رفتاری همایش‌های برگزار شده برای جوانان بزه‌کار در دست پژوهش است. در بعضی از این مطالعات علاوه بر توجه به تاثیر این همایش‌ها در مقایسه با برنامه‌های قضازدایی دادگاه‌ها یا مبتنی بر دادگاه به‌ویژه گی‌های متفاوت بزه‌کار و خصوصیات همایش در پیش‌بینی ارتکاب مجدد جرم و این‌که چگونه تفاوت‌ها در یک مداخله به ارتکاب مجدد جرم مربوط می‌شود، تمرکز شده است تا مقایسه اثرات دو یا چند مداخله بر رفتار بزه‌کارانه آتی.^{۸۵}

این مطالعات نشان می‌دهند که ماورای نکات معلوم پیرامون تکرار جرم (از جمله سن، جنسیت، سابقه ارتکاب جرم)، موارد دیگری هستند که در همایش‌ها رخ می‌دهند و به کاهش تکرار جرم مربوط‌اند: وقتی بزه‌کاران جوان نادم‌اند و توافق‌های همایش (یا دست‌آوردهای آن) با اجماع نظر واقعی حاصل می‌شود احتمال تکرار جرم کمتر است. در این موارد هم کاهش جرم مشاهده شده است: وقتی که بزه‌کاران جوان همایش‌های بیاد ماندنی دارند، با انگ‌بی‌آبرویی شرم‌نده نمی‌شوند، در تصمیم‌گیری‌های همایش شرکت دارند، توافق‌های همایش را رعایت می‌کنند یا به‌خاطر رفتار بزه‌کارانه خود ابراز تاسف می‌کنند، وقتی قربانی را می‌بینند و از او عذر خواهی می‌کنند و احساس می‌کنند که خطاها را اصلاح کرده‌اند.^{۸۶}

۷-۴ نتایج ارزیابی‌ها و شواهد ظهور بهترین رویه‌ها

گرچه تاکنون تنها چند ارزیابی نسبتاً منظم از برنامه‌های عدالت ترمیمی به‌عمل آمده، به‌نظر می‌رسد که یافته‌های این بررسی‌ها نشان می‌دهد که توانایی بالقوه فرآیندهای ترمیمی بیشتر از توانایی فرآیند عدالت کیفری معمول است که به تنهایی برای حل موثر منازعات، تضمین پاسخگو بودن بزه‌کاران و برطرف کردن نیازمندی‌های قربانیان عمل می‌کند. حتی در غیاب مطالعات ارزیابی کافی، به‌نظر می‌رسد پیرامون این‌که برنامه‌های عدالت ترمیمی در رسیدگی به نیازهای قربانیان و بزه‌کاران و نرخ تکرار جرم بدتر از هر شیوه دیگری عمل نمی‌کند یک توافق کلی وجود دارد.^{۸۸}

84-Hayes and Daly, 2004, p. 20

85-See: Hayes and Daly, 2004; Hayes and Daly, 2003; Maxwell and Morris, 2001

86-Hayes and Daly, 2003; 2004

87-Maxwell and Morris, 2001

88-Miers, 2001, p. 85; see also McCold, 2003

- بعضی از یافته‌های ارزیابی‌هایی که تا امروز به عمل آمده‌اند عبارتند از:
- عدالت ترمیمی تاثیر مثبتی در کاهش فراوانی و شدت تکرار جرایم دارد.
- سطوح حمایتی بالایی از قربانیان جرم و اصلاح بزه‌کار در جوامع وجود دارد.
- بسیاری از قربانیان جرایم مایلند فرصتی برای ملاقات با مجرم پرونده خود داشته باشند.
- اگر فرصتی داده شود، بسیاری از قربانیان و بزه‌کاران در یک برنامه عدالت ترمیمی شرکت خواهند کرد.
- بر پایه شواهد موجود فرآیندهای عدالت ترمیمی می‌توانند فشار اختلال ناشی از آسیب روحی-روانی را کاهش دهند.
- نگرش‌های ترمیمی در بعضی از نظام‌های قضایی هزینه‌های دادگاه و زمان رسیدگی قضایی را کاهش داده و ارائه خدمات را بهبود بخشیده‌اند.
- اطمینان کمتری وجود دارد که فرآیندهای ترمیمی بتوانند ظرفیت جوامع و خانواده‌ها را برای ترمیم آسیب ناشی از جرم افزایش دهند.

یافته‌های کلی

- نرخ مشارکت قربانیان جرم و بزه‌کاران در فرآیندهای عدالت ترمیمی با توجه به نوع جرم، ویژگی‌های شخصی مختلف بزه‌کاران و قربانیان و ماهیت روابط بین قربانیان و بزه‌کاران متفاوت است.
- هنگامی که قربانیان و بزه‌کاران در برنامه‌های ترمیمی شرکت می‌کنند، نرخ حصول به توافق و رعایت توافق توسط بزه‌کاران بسیار بالا است.
- به نظر می‌رسد که هیچ محدودیت ذاتی در انواع پرونده‌هایی که می‌توانند به فرآیندهای ترمیمی ارجاع شوند وجود ندارد.
- گزارش‌هایی مبنی بر حل و فصل موفقیت‌آمیز دعاوی از طریق میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار و همایش در مورد جرایم علیه اموال و جرایم خشونت بار بزه‌کاران بزرگسال و جوان و بزه‌کاران و قربانیانی که با یکدیگر نسبت دارند و همچنین کسانی که با یکدیگر غریبه‌اند، وجود دارد.
- یافته‌های اولیه نشان می‌دهند که میانجی‌گری بین قربانی و بزه‌کار می‌تواند در مورد پرونده‌های مربوط به خشونت‌های جدی با موفقیت استفاده شود.
- هم قربانیان و هم بزه‌کاران فرآیندهای ترمیمی را منصفانه‌تر از نظام عدالت کیفری متعارف رتبه‌بندی می‌کنند.
- مطالعات نشان داده است که نرخ رضایتمندی قربانیان جرم و بزه‌کاران از فرآیندهای ترمیمی بالای ۹۵ درصد است.

- فرآیندهای ترمیمی می‌توانند هزینه اجرای عدالت را کاهش دهند و در پاسخگویی به جرم به افزایش کارایی‌ها منجر شوند.
- هنگامی که نهادها و برنامه‌ها با همکاری یکدیگر فعالیت می‌کنند اثربخشی فرآیندهای عدالت ترمیمی افزایش می‌یابد.

پلیس

- برای افسران پلیس این امکان وجود دارد که همایش‌هایی ترمیمی برگزار کنند که مستلزم مسئولیت‌پذیری بزه‌کاران و نیز منصفانه نگریسته شدن توسط قربانیان، بزه‌کاران و سایر طرف‌های مربوطه است.
- عدالت ترمیمی می‌تواند روی هم رفته جزء لاینفک راهبرد تامین امنیت عمومی و وسیله‌ای باشد برای بهبود روابط پلیس-جامعه.

قربانیان جرم

- در بعضی نظام‌های قضایی برنامه عدالت ترمیمی برای تماس با قربانیان و پیشنهاد گزینه عدالت ترمیمی با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند.
- عدالت ترمیمی اثر مثبتی بر احساس قربانیان جرم نسبت به پایان وضعیت نامطلوب و احساس آرامش شان دارد.
- قربانیان بزه گزارش داده‌اند که پس از ملاقات با بزه‌کاران خود، در چارچوب میانجی‌گری بین قربانی-بزه‌کار، کمتر از شرایطی که فرصت این ملاقات به آنها داده نشده بود احساس ترس کرده‌اند.
- فرآیندهای ترمیمی به قربانیان مجال شنیده شدن صدایشان را می‌دهد، فرصتی برای جبران خسارت ایجاد می‌کند، فرصتی برای شنیدن عذرخواهی بزه‌کاران و دریافت اطلاعات بیشتر درباره جرم از بزه‌کار در اختیار قربانیان می‌گذارد، دلایل انتخاب قربانی و ارتکاب جرم علیه او توسط مجرم و جزئیات دیگر جرم را روشن می‌کند. هیچ‌کدام از این‌ها در نظام عدالت کیفری متعارف وجود ندارد.

بزه‌کاران

- بر اساس شواهد اولیه ارزیابی‌ها، فرآیندهای ترمیمی گاه می‌توانند فراوانی و شدت ارتکاب مجدد جرم را کاهش دهند.

- بر طبق بعضی شواهد نرخ ارتکاب مجدد جرم در میان بزه‌کارانی که مرتکب جرم علیه اشخاص می‌شوند کمتر از مرتکبین جرم علیه اموال است.
- بزه‌کارانی که در فرآیندهای ترمیمی شرکت کرده‌اند خود را بیشتر متعهد به رعایت توافقی‌ها می‌دانند.
- بر اساس شواهدی از نظام‌های قضایی اروپایی، فرآیندهای ترمیمی می‌توانند به‌طور پر اهمیت و مثبتی روی احترام به نفس بزه‌کاران اثر بگذارند و به آنها کمک کنند تا مسئولیت عمل خود و پیامدهای آن را بپذیرند.


اصلاح و تربیت

- ارزیابی‌ها نشان دهنده سطح بالایی از رضایتمندی قربانیان جرم و بزه‌کاران از همایش‌های ترمیمی است که توسط ماموران مراقبت و نظارت (انگلستان) برگزار می‌شود.
- برخی شواهد موجود (انگلستان و ایالات متحده) نشان می‌دهد که فرآیندهای ترمیمی می‌توانند به ایجاد محیط امن‌تر در درون نهادهای صلاحی و تربیتی کمک کنند.

جامعه

- فرآیندهای عدالت ترمیمی می‌توانند مداخله جامعه را افزایش دهند و مشارکت افراد جامعه در پاسخگویی و حل و فصل مسائل ناشی از جرم و بی‌نظمی اجتماعی را تسهیل کنند.
- هرگاه داوطلبان جامعه به‌طور صحیح آموزش ببینند، می‌توانند در تسهیل فرآیندهای ترمیمی به همان اندازه مسئولین عدالت کیفری موثر باشند.

نتیجه گیری



هدف این کتاب ارائه دیدی روشن و دقیق به خواننده در باره موضوعات کلیدی مرتبط با طراحی و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی بود. اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری زمینه اصلی این بحث را فراهم کرد. این اصول مبتنی بر نگرشی است که بر مبنای آن برنامه‌های عدالت ترمیمی با مناسب‌ترین و موثرترین شکل در درون نظام عدالت کیفری موجود ایجاد می‌شوند. اما این طور تشخیص داده شده است که برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توانند روی ساختارها و فرآیندهای عدالت سنتی و جامعه-محور نیز بنا شوند. یک مطلب کلیدی در این کتاب راهنما عبارت از این است که اصول و مبانی عدالت ترمیمی می‌توانند با نیازهای خاص هر یک از نظام‌های قضایی و جوامع نیز مطابقت داده شوند.

در فصول مختلف این کتاب راهنما به بررسی انواع مختلف برنامه‌های عدالت ترمیمی، نیاز به تهیه رهنمودهای قانونی و تنظیم کننده اقدامات ترمیمی، شرکت کنندگان کلیدی در برنامه‌های ترمیمی، ابعاد مختلف اجرای برنامه، و نیاز به پایش و ارزیابی برنامه پرداخته شده است.

در سرتاسر این کتاب راهنما با استفاده از مثال‌ها تلاش شده است تا جریان پویای اقدامات عدالت ترمیمی در نظام‌های قضایی و جوامع مختلف در پهنه جهان، برجسته گردد. این مثال‌ها باید فقط به‌عنوان توضیحاتی پنداشته شوند که شیوه‌های مورد استفاده نظام‌های قضایی و جوامع برای اعمال اصول عدالت ترمیمی جهت تامین نیازهای قربانیان، بزه‌کاران، خانواده‌های آنان، و جامعه به‌عنوان یک کلیت را نشان می‌دهند.

تجربه گروه‌های ذینفع در سراسر جهان این است که برنامه‌های عدالت ترمیمی پتانسیل قابل توجهی برای رسیدگی و ترمیم موثرتر آسیب ناشی از عمل مجرمانه را دارند. در ضمن برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توانند صدای قربانیان را رساتر کنند، به بزه‌کاران فرصتی بدهند تا مسئولیت رفتار خود را به عهده بگیرند و کمک‌هایی را که برای تامین نیازهای ویژه خود دارند دریافت کنند و به جوامع، راهبرد موثرتری نه فقط برای پاسخگویی به جرم، بلکه برای توسعه و تقویت ظرفیت پیشگیری و حل و فصل منازعات ارائه کنند.

عدالت ترمیمی رویکردی «تک سایز مناسب برای همه» به جرم نیست. بنابراین این رویکرد هنگامی که دولت‌ها و جوامع، اصول عدالت ترمیمی را به گونه‌ای اجرا می‌کنند که به بهترین وجه نیازهای قربانیان جرایم، بزه‌کاران و اعضای جامعه را برآورده می‌کند، عدالت ترمیمی تکامل می‌یابد و شکل‌های جدیدی به خود می‌گیرد. یک معیار موفقیت فرآیند ترمیمی این است که بذر انواع مختلفی از برنامه‌ها و فرآیندها را پاشیده است. امید آن می‌رود که مطالب فراهم شده در این کتاب راهنما کمکی باشد برای توجه به برنامه‌های عدالت ترمیمی و اجرای آن توسط دولت‌ها و جوامع.

مآخذ و منابع

کتاب شناختی

Aertsen, I. (2000). "Victim-Offender Mediation in Belgium", in The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice (ed.), Victim-Offender Mediation in Europe—Making Restorative Justice Work. Leuven: Leuven University Press, pp. 153-192

Aertsen, I., Mackay, R., Pelikan, C., Willemsens, J., and M. Wright (2004). Rebuilding Community Connections—Mediation and Restorative Justice in Europe. Strasbourg: Council of Europe Publishing

Alder, C. and J. Wundersitz. (1994). Family Group Conferencing and Juvenile Justice: The Way Forward or Misplaced Optimism? Canberra, ACT: Australian Institute of Criminology

Barton, C. (2000). "Empowerment and Retribution in Criminal Justice", in H. Strang and J. Braithwaite (eds.) Restorative Justice: Philosophy to Practice, Ashgate/Dartmouth: Aldershot, pp. 55-76

Bazemore, G. and M. Umbreit (1998). Conferences, Circles, Boards, and Mediations: Restorative Justice and Citizen Involvement in the Response to Youth Crime. St. Paul, MN: Balance and Restorative Justice Project

Bazemore, G. and C. T. Griffiths (1997). "Conferences, Circles, Boards, and Mediations: Scouting the 'New Wave' of Community Justice Decision Making Approaches." Federal Probation 61, (June), pp. 25-38

Bonta, J., Jesseman, R., Rugge, T., and R. Cormier (2006). "Restorative Justice and Recidivism: Promises Made, Promises Kept?", in Sullivan, D. and L. Tift (Eds.), Handbook of Restorative Justice: A Global Perspective. London: Taylor and Routledge

- Bowen, H. and J. Consedine (1999) *Restorative Justice—Contemporary Themes and Practice*. Lyttelton (N.Z.): Ploughshare
- Braithwaite, J. (2002). *Restorative Justice and Responsive Regulation*. Melbourne: Oxford University Press
- Cario, R. (2005). *Justice restaurative: principes et promesses*. Paris: L'Harmattan
- Daly, K. (2003). "Mind the gap: Restorative justice in theory and practice". In A. von Hirsch, J. Roberts, A. E. Bottoms, K. Roach and M. Schiff (Eds.), *Restorative Justice and Criminal Justice: Competing or Reconcilable Paradigms?* Oxford: Hart Publishing, pp. 221-236
- Daly, K., and Hayes, H. (2001). "Restorative Justice and Conferencing in Australia". *Trends and Issues in Criminal Justice*, No. 186, pp. 1-6
- Daly, K., and Hayes, H. (2002). *Restorative Justice and Conferencing*, in Graycar A. and P. Grabosky (Eds.), *The Cambridge Handbook of Australian Criminology*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 292-312
- Dickson-Gilmore, J. and C. La Prairie (2005). *Will the Circle be Unbroken? Aboriginal Communities, Restorative Justice, and the Challenge of Conflict and Change*. Toronto: University of Toronto Press
- Dignan, J. (2000). *Youth Justice Pilots Evaluation—Interim Report on Reparative Work and Youth Offending Teams*. London: Home Office
- Dinnen, S. (2003). *A Kind of Mending: Restorative Justice in the Pacific Islands*, Canberra: Pandamus Book
- Faget, J. (2000). "Mediation, Criminal Justice and Community Involvement, A European Perspective" in *The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice* (ed.), *Victim-Offender Mediation in Europe—Making Restorative Justice Work*. Leuven: Leuven University Press, pp. 39-48
- Fellegi, B. (2003). *Meeting the Challenges of Introducing Victim-Offender Mediation in Central and Eastern Europe*. Leuven: European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice
- Galaway, B. (1998). *Evaluating Restorative Community Justice Programs*. Denver: The Colorado Forum on Community and Restorative Justice
- Golub, S. (2003). *Non-state Justice Systems in Bangladesh and the Philippines*. London: Department of International Development, U.K9
- Griffiths, C. T. (1996). "Sanctioning and Healing: Restorative Justice in Canadian Aboriginal Communities", *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice* 20 (2), 195-208
- Groenhuijsen, M. (2000). "Victim-Offender Mediation: Legal and Procedural Safeguards. Experiments and Legislation in some European Legislation", in *The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice, Victim- Offender Mediation in Europe—Making Restorative Justice Work*. Leuven: Leuven University Press, pp. 69-82
- Hayes, H. (2005). "Assessing Reoffending in Restorative Justice Conferences", *The Australian Journal of Criminology*, 38, (1), pp. 77-101

- Hayes, H. and K. Daly (2003). "Youth Justice Conferencing and Reoffending", *Justice Quarterly*, 20, (4), pp. 725-764
http://www.austdvclearinghouse.unsw.edu.au/PDF%20files/Issues_Paper_9.pdf
- Hayes, H. and K. Daly (2004). "Conferencing and Re-offending in Queensland", *The Australian and New Zealand Journal of Criminology*, Vol. 37, No.2, pp. 167-191
- Home Office (2003). *Restorative Justice: The Government's Strategy*. A consultation document on the Government's strategy on restorative justice, London: Home Office, July 22, 2003
- Jabour, Elias J. (1993, 1996). *Sulha: Palestinian Traditional Peacemaking Process*. Shefar'Am, Israel: House of Hope Publications
- Jok, A.A. (Justice), Leitch, R.A. and C. Vandewint (2004). *A Study of Customary in Contemporary Southern Sudan*, World Vision International and the South Sudan Secretariat of Legal and Constitutional Affairs, unpublished
- Johnson, G. and D. Van Ness (2006). *The Meaning of Restorative Justice*, in Johnson, G and Van Ness, D. (Eds). *The Handbook on Restorative Justice*. Cullompton: Willan Publishing
- Kittayarak, K. (2005). *Restorative Justice in Thailand*. Paper presented at the Workshop on Enhancing criminal Justice Reform, Including Restorative Justice, Eleventh United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, Thailand, 18-25 April 2005
- Latimer, J. and S. Kleinknecht (2000). *The Effects of Restorative Justice Programming: A Review of the Empirical Literature*. Ottawa: Department of Justice Canada, Research and Statistics Division
- Law Commission of Canada (2003). *Transforming Relationships Through Participatory Justice*. Ottawa: Law Commission of Canada
- Liebmann, M. and G. Masters (2000). "Victim-Offender Mediation in the UK", in *The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice* (ed.), *Victim-Offender Mediation in Europe*. Leuven: Leuven University Press, pp. 337-369
- Linden, R. and D. Clairmont (1998). *Making it Work: Planning and Evaluating Community Corrections & Healing Projects in Aboriginal Communities*. Ottawa: Aboriginal Corrections Policy Unit, Solicitor General Canada. http://ww2.psepc-sppcc.gc.ca/publications/abor_corrections/199805b_e.pdf
- Marchetti, E. and K. Daly (2004). *Indigenous courts and Justice Practices in Australia*. Trends and Issues in Criminal Justice, No. 274. Canberra: Australian Institute of Criminology
- Mackay, R.E. (2000). "Ethics and Good Practice in Restorative Justice", in *The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice* (ed.). *Victim-Offender Mediation in Europe*, Leuven: Leuven University Press, pp. 49-68
- Marshall, T. F. (1999). *Restorative Justice: An Overview*. Home Office. Research Development and Statistics Directorate. London, UK. <http://www.homeoffice.gov.uk/rds/pdfs/occ-resjus.pdf>

- Maxwell, G. and A. Morris. (1993). *Family Participation, Cultural Diversity and Victim Involvement in Youth Justice: A New Zealand Experiment*. Wellington, New Zealand: Victoria University
- Maxwell, G., and A. Morris (2001). "Family Group Conferences and Re-offending", in A. Morris & G. Maxwell (Eds.), *Restorative Justice for Juveniles: Conferencing, Mediation and Circles*. Oxford: Hart Publishing
- McCold, P. (2003). "A survey of Assessment Research on Mediation and Conferencing", in L. Walgrave (ed.) *Repositioning Restorative Justice*, Devon (U.K.): Willan Publishing, pp. 67-120
- McElrea, F.W.M. (1993). "A New Model of Justice", in B.J. Brown (Ed.), *The Youth Court in New Zealand* New Zealand: Legal Research Foundation
- Miers, D. (2001). *An International Review of Restorative Justice*. Crime Reduction Research Series Paper 10. London (U.K.): Home Office
- Miers, D., Maguire, M., Goldie, S., Sharpe, K., Hale, C., Netten, A., Uglow, S., Doolin, K., Hallam, A., Enterkin, J. and T. Newburg (2001). *An Exploratory Evaluation of Restorative Justice Schemes*. Crime Reduction Research Series Paper 9. London (U.K.): Home Office
- Miers, D. and J. Willemsens (2004). *Mapping Restorative Justice. Developments in Twenty-Five European Countries*. Leuven, Belgium: European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice, v.z.w
- Newburn, T., Masters, G., Earle, R., Golfie, S., Crawford, A., Sharpe, K, Netten, A, Hale, C., Uglow, S., and R. Saunders (2001). *The Introduction of Referral Orders into the Youth Justice System*. London: Home Office, RDS Occasional Paper No. 70
- Nothhafft, S. (2004). *Partizipation durch mediation: Wege zur Konfliktlösung in der Zivilgesellschaft*. München: Herbert Utz. Ouredníková, L., Pilný, O., Rabináková, D., Štern, P. Preface to the Czech edition of: Riskin, L
- L., Arnold, T., Keating, J. M. *Mediace aneb jak řešit konflikty (Mediation or how to resolve conflicts)*. Praha: Facia, 1996, pp 7-10
- Parker, L. 2002. "Experimenting with Restorative Practices in Brazil." *Restorative Justice on-line*, July 2002 edition, Prison Fellowship International. <http://www.restorativejustice.org/editions/July02/brazilianschools>
- Parker, L. (2004). "Implementing Restorative Reforms in Guatemala". *Restorative Justice Online*, July 2004 edition. Prison Fellowship International <http://www.restorativejustice.org>
- Parker, L. (2004). "Using Traditional Practices to Improve the Justice System", *Restorative justice on-line*, June 2004 edition. Prison Fellowship International <http://www.restorativejustice.org>
- Peters, T. (2000). "Victim-offender Mediation: Reality and Challenges", in *The European Forum for Victim-Offender Mediation and Restorative Justice* (ed.). *Victim-Offender Mediation in Europe*, Leuven: Leuven University Press, pp. 9-18
- Pranis, K., Stuart, B., and M. Wedge (2003). *Peacemaking Circles—From Crime to Community*. St. Paul (Minn.): Living Justice Press

- Shapland, J., Atkinson, A., Colledge, E., Dignan, J., Howes, M., Johnstone, J., Pennant, R., Robinson, G. and A. Sorsby (2004). *Implementing Restorative Justice Schemes (Crime Reduction Programme)—A Report on the First Year*. Home Office Online Report 32/04. London: Home Office
- Scharf, W., Banda, C., Roentsch, R., Kaunda, D., and Shapiro, R. (2002). *Access to Justice for the Poor of Malawi? An Appraisal of Access to Justice Provided to the Poor of Malawi by the Lower Courts and the Customary Justice Forum*, Report Prepared for the Department of International Development, UK
- Sharpe, S. (1998). *Restorative Justice: A Vision for Healing and Change*. Alberta: Edmonton Centre for Mediation and Change. www.mrjc.ca
- Stevens, J. (2000). *Access to Justice in Sub-Saharan Africa: The Role of Traditional and Informal Justice Systems*. London: Penal Reform International
- Strang, H. (2002). *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice*. Oxford: Clarendon
- Stubbs, J. (2004). "Restorative Justice, Domestic Violence and Family Violence". Australian Domestic and Family Violence Clearinghouse. Issues Paper 9
- Training and Accreditation Policy Group (2004). *Best Practice Guidance for Restorative Practitioners and Their Case Supervisors and Line Managers*. London: Government of the UK
- Umbreit, M.S. and J. Greenwood (2000). *Guidelines for Victim-Sensitive Victim-Offender Mediation*. Washington (D.C.): U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs and Office for Victims of Crime
- Umbreit, M.S. and R.B. Coates (2000). *Multicultural Implications of Restorative Justice: Potential Pitfalls and Dangers*. Washington (D.C.): U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs and Office for Victims of Crime
- Van Ness, D. (2005). *An Overview of Restorative Justice around the World*, Paper presented at the Workshop on Enhancing Criminal Justice Reform, Including Restorative Justice, Eleventh United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, Thailand, 18-25 April 2005
- Weitekamp, E. (2002). "Restorative Justice: Present Prospects and Future Directions", in E. Weitekamp, E. and H. Kerner (eds.), *Restorative Justice: Theoretical Foundations*. Devon, UK: Willan Publishing
- Wright, M. (1996) *Justice for Victims and Offenders: A Restorative Response to Crime*. Winchester: Waterside Press, 2nd ed
- Zehr, H. (2002). *The Little Book of Restorative Justice*. Intercourse, PA: Good Books

پیوست ۱

منابع مفید در پایگاه‌های اینترنتی

وزارت کشور انگلستان

<http://www.homeoffice.gov.uk/crime-victims/victims/restorative-justice/?version=1>

مرکز مطالعات خشونت و آشتی^{۸۹}
<http://www.wits.ac.za/csvr/>

انجمن بین المللی زندان‌ها^{۹۰}
<http://www.pfi.org/>

عدالت ترمیمی

به زبان انگلیسی

<http://www.restorativejustice.org/>

به زبان اسپانیایی

<http://www.justiciarestaurativa.org/>

به زبان فرانسوی

<http://www.justicereparatrice.org/>

مدرسه ملی دادرسان^{۹۱}

http://www.enm.justice.fr/centre_de_ressources/actes_sessions/justice_perspectives/reparatrice_restaorative/reparatrice_restaorative.htm

مرکز عدالت ترمیمی

دانشگاه سیمون فریزر ولی

<http://www.sfu.ca/crj/index.html>

89-Centre for the Study of Violence and Reconciliation

90-Prison Fellowship International

91-Ecole Nationale de la Magistrature

دیوان اروپایی عدالت ترمیمی^{۹۲}

<http://www.euforumrj.org>

کنسرسیوم عدالت ترمیمی^{۹۳}

[/http://www.restorativejustice.org.uk](http://www.restorativejustice.org.uk)

عدالت ترمیمی

بهبود آثار جرم

[/http://www.restorativejustice.com](http://www.restorativejustice.com)

موسسه جرم شناسی استرالیا

[/http://www.aic.gov.au/rjustice](http://www.aic.gov.au/rjustice)

وزارت دادگستری آمریکا

عدالت ترمیمی کتابچه آنلاین

[/http://www.ojp.usdoj.gov/nij/rest-just](http://www.ojp.usdoj.gov/nij/rest-just)

موسسه بین‌المللی اقدامات ترمیمی^{۹۴}

www.restorativepractices.org

www.realjustice.org

خدمات تربیتی کانادا^{۹۵}

http://www.csc-scc.gc.ca/text/portals/rj/index_e.shtml

http://www.csc-scc.gc.ca/text/portals/rj/index_f.shtml

دانشگاه ولینگتون

مرکز پژوهش جرم و عدالت^{۹۶}

[/http://www.vuw.ac.nz/cjrc](http://www.vuw.ac.nz/cjrc)

دانشگاه ملی استرالیا

مرکز عدالت ترمیمی

[/http://www.crj.anu.edu.au](http://www.crj.anu.edu.au)

اداره خدمات تربیتی نیوساوت ویلز^{۹۷}

واحد عدالت ترمیمی (استرالیا)

[/http://www.dcs.nsw.gov.au/offender_management/restorative_justice](http://www.dcs.nsw.gov.au/offender_management/restorative_justice)

موسسه بین‌المللی اقدامات ترمیمی

[/http://www.restorativepractices.org](http://www.restorativepractices.org)

دولت نیوزیلند، وزارت دادگستری

دادرسی ترمیمی

<http://justice.govt.nz/restorative-justice/index.htm>

92-European Forum for Restorative Justice

93-Restorative Justice Consortium

94-International Institute for Restorative Practices

95-Correctional Service Canada

96-Crime and Justice Research Centre

97-The New South Wales Department of Corrective Services

پیوست ۲

اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری

مقدمه

با به یاد داشتن اینکه ابتکارهای عدالت ترمیمی در سراسر جهان رشد شگرفی داشته است،

با تصدیق این که این ابتکارها اغلب بر پایه اشکال سنتی و بومی عدالت، که جرم را برای مردم اساساً زیانبار می‌دانند، ایجاد می‌شوند،

با تأیید این که عدالت ترمیمی پاسخی در حال تکامل به جرم است که به کرامت و برابری همه افراد احترام می‌گذارد، ایجاد تفاهم می‌کند، و هم‌سازی اجتماعی را از طریق التیام قربانیان، بزه‌کاران و جامعه رواج می‌دهد،

با تأکید این که این نگرش به کسانی که از جرم متاثر شده‌اند توان تبادل آزادانه احساسات و تجربه‌های خود را می‌دهد، و هدفش تأمین نیازهای آنان است،

با آگاهی از اینکه این نگرش به قربانیان فرصتی برای دریافت خسارت، احساس امنیت و پایان وضعیت نامطلوب ناشی از جرم؛ به بزه‌کاران بصیرت نسبت به دلایل و اثرات رفتار خود و پذیرش مسئولیت آن به طریقی معنادار؛ و به جامعه توان درک علل ریشه‌ای جرم و ارتقای رفاه و پیشگیری از جرم را می‌دهد،

با عنایت به اینکه اقدامات ترمیمی باعث پیدایش مجموعه اقداماتی می‌شود که با در نظر گرفتن وضعیت قانونی، اجتماعی و فرهنگی، در مطابقتشان با نظام‌های مستقر عدالت کیفری انعطاف پذیرند و این نظام‌ها را تکمیل می‌کنند، و

با تصدیق این که استفاده از عدالت ترمیمی به حق دولت‌ها برای پیگرد قضایی بزه‌کاران لطمه نمی‌زند،

الف- استفاده از اصطلاحات

۱. برنامه عدالت ترمیمی. یعنی استفاده از هر برنامه‌ای که از فرآیندهای ترمیمی استفاده می‌کند و به دنبال نیل به دست‌آوردهای ترمیمی است.
۲. فرآیند ترمیمی. یعنی هر فرآیندی که در آن قربانی و بزه‌کار، و در صورت امکان، هریک از اعضا یا افراد جامعه که از جرم اثر پذیرفته‌اند برای حل و فصل موضوعات ناشی از جرم، فعالانه با یکدیگر، و معمولاً با کمک یک تسهیل‌گر مشارکت می‌کنند.
۳. دست‌آورد ترمیمی. یعنی توافقی که به‌عنوان نتیجه یک فرآیند ترمیمی پدید می‌آید. دست‌آورد ترمیمی شامل پاسخ‌ها و برنامه‌هایی مثل پرداخت خسارت، رد مال و خدمات اجتماعی است که هدف آن برآورده کردن نیازها و مسئولیت‌های فردی و جمعی طرفین و بازگشت مجدد قربانی و بزه‌کار به جامعه است.
۴. طرفین. یعنی قربانی، بزه‌کار و هریک از افراد و اعضای دیگر جامعه که از عمل مجرمانه اثر پذیرفته و ممکن است در فرآیند شرکت کنند.
۵. تسهیل‌گر. یعنی فردی که نقش او تسهیل مشارکت طرف‌ها، به شیوه‌ای منصفانه و بی‌طرفانه، در فرآیند مشارکتی است.

ب- استفاده از فرآیند ترمیمی

۶. برنامه‌های عدالت ترمیمی با توجه به قوانین ملی می‌توانند در هر مرحله از نظام عدالت کیفری استفاده شوند.
۷. فرآیندهای ترمیمی تنها باید در صورت وجود شواهد کافی مبنی بر محکومیت بزه‌کار و با رضایت آزاد و داوطلبانه قربانی و بزه‌کار استفاده شوند. قربانی و بزه‌کار باید بتوانند هرگاه که خواستند این رضایت را پس بگیرند. توافق باید آزاده حاصل و فقط شامل تعهدات منطقی و متناسب باشد.
۸. طبیعتاً قربانی و بزه‌کار باید پیرامون حقایق اساسی یک پرونده به‌عنوان مبنایی برای مشارکت‌شان در یک فرآیند ترمیمی توافق نظر داشته باشند.
۹. نابرابری‌هایی که منجر به عدم توازن قدرت می‌شوند، و همچنین تفاوت‌های فرهنگی میان طرفین باید در ارجاع یک پرونده به یک فرآیند ترمیمی و در جریان آن مورد ملاحظه قرار گیرد.
۱۰. هنگام ارجاع هر پرونده به فرآیند ترمیمی و در جریان آن ایمنی طرفین مراعات خواهد شد.
۱۱. هنگامی که فرآیند ترمیمی مناسب یا ممکن نیست، باید پرونده به مقامات عدالت کیفری اعاده و بلافاصله تصمیمی درباره چگونگی ادامه کار گرفته شود. مسئولین عدالت کیفری در چنین مواردی

باید برای تشویق بزه کار به پذیرش مسئولیت در برابر قربانی و جامعه مربوطه سعی بلیغ کنند، و از ادغام مجدد قربانی و بزه کار در جامعه پشتیبانی نمایند.

ج- اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی

۱۲. کشورهای عضو باید تعیین رهنمودها و استانداردهای حاکم بر استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی را، در صورت لزوم با مقامات قانون‌گذار، مورد ملاحظه قرار دهند. این رهنمودها و استانداردها باید ضمن احترام به اصول بنیادین تعیین شده در سند حاضر به موارد زیر توجه کنند:

(الف) شرایط ارجاع پرونده‌ها به برنامه‌های عدالت ترمیمی.

(ب) کنترل پرونده‌ها در جریان یک فرآیند ترمیمی.

(ج) صلاحیت‌ها، آموزش و ارزیابی تسهیل‌گران.

(د) اداره برنامه‌های عدالت ترمیمی.

(ها) معیارهای توانمندی و مقررات رفتاری حاکم بر اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی.

۱۳. در برنامه‌های عدالت ترمیمی و به‌ویژه فرآیندهای ترمیمی باید ضمانت‌های روشی اساسی تضمین‌کننده رعایت انصاف در برابر بزه کار و قربانی اجرا شود:

(الف) قربانی و بزه کار طبق قوانین ملی باید حق مشورت با مشاور حقوقی پیرامون فرآیند ترمیمی، و در صورت نیاز حق ترجمه و تفسیر داشته باشند. به‌علاوه افراد صغار هم باید از حق مساعدت یکی از والدین یا سرپرستان قانونی خود بهره‌مند باشند؛

(ب) طرفین قبل از موافقت با شرکت در فرآیند ترمیمی باید کاملاً از حقوق خود، ماهیت فرآیند و نتایج احتمالی آن آگاه شوند؛

(پ) قربانی و بزه کار هیچ‌یک نباید برای شرکت در فرآیندهای عدالت ترمیمی و یا پذیرش دستاوردهای ترمیمی با وسایل غیر منصفانه تحت اجبار یا تلقین قرار گیرند؛

۱۴. تصمیماتی که در فرآیندهای ترمیمی غیر علنی اتخاذ می‌شوند باید محرمانه باقی بمانند و بعدها هم جز با رضایت طرفین و یا در صورت لزوم طبق قوانین ملی افشا نشوند.

۱۵. نتایج توافق‌های فرآیندهای عدالت ترمیمی، در صورت امکان، یا باید تحت نظارت قضایی حاصل شوند و یا در یک تصمیم یا حکم قضایی گنجانیده شوند.

۱۶. چنانچه توافقی بین طرفین حاصل نشود، پرونده باید به فرآیند عدالت کیفری موجود اعاده و بلافاصله تصمیمی برای چگونگی تداوم کار اتخاذ شود. صرف‌نظر در رسیدن به توافق نباید در اقدامات بعدی عدالت کیفری مورد استفاده قرار گیرد.

۱۷. کوتاهی در اجرای توافقی که در جریان یک فرآیند ترمیمی حاصل شده است باید به برنامه ترمیمی، یا در صورت الزام قوانین ملی به فرآیند عدالت کیفری مستقر ارجاع و بلافاصله تصمیمی برای چگونگی تداوم کار اتخاذ شود. قصور در اجرای یک توافق، نه یک تصمیم یا حکم قضایی، نباید در اقدامات عدالت کیفری متعاقب به‌عنوان توجیهی برای محکومیتی سنگین‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

۱۸. تسهیل‌گران باید وظایف خود را به‌نحو بی‌طرفانه و با احترام لازم به کرامت طرفین انجام دهند. تسهیل‌گران در موضع خود باید مطمئن شوند که طرفین با احترام به یکدیگر عمل می‌کنند و به طرفین کمک کند که راه حل مناسبی بین خود پیدا کنند.

۱۹. تسهیل‌گران باید درک خوبی از فرهنگ‌ها و جوامع محلی داشته باشند و در صورت امکان، قبل از پذیرش مسئولیت‌های تسهیل‌گری آموزش‌های مقدماتی لازم را ببینند.

د- تداوم پیشرفت برنامه‌های عدالت ترمیمی

۲۰. کشورهای عضو باید تدوین راهبردها و سیاست‌های ملی را با هدف توسعه عدالت ترمیمی و ترویج یک فرهنگ مناسب برای استفاده از عدالت ترمیمی توسط مجریان قانون، مقامات قضایی و اجتماعی و همچنین جوامع محلی را مورد ملاحظه قرار دهند.

۲۱. برای ایجاد تفاهمی مشترک و افزایش اثربخشی فرآیندها و دست‌آوردهای ترمیمی، افزایش میزان استفاده از فرآیندهای ترمیمی، یافتن راه‌هایی برای گنجاندن فرآیندهای ترمیمی در نظام عدالت کیفری باید مشورت‌های منظمی میان مقامات عدالت کیفری و مجریان برنامه‌های عدالت ترمیمی صورت گیرد.

۲۲. کشورهای عضو باید در صورت امکان با همکاری جامعه مدنی، پژوهش و ارزیابی برنامه‌های عدالت ترمیمی را به‌منظور سنجش میزان منتهی شدن این برنامه‌ها به دست‌آوردهای ترمیمی، عملکرد آنها به‌عنوان جایگزین یا مکمل فرآیندهای عدالت کیفری، و دست‌آوردهای مثبتی که برای همه طرف‌ها ارائه می‌کنند ارتقا دهند. فرآیندهای عدالت ترمیمی ممکن است در طول زمان دست‌خوش تغییرات گردند. بنابراین کشورهای عضو باید ارزیابی و تعدیل منظم چنین برنامه‌هایی را تشویق کنند. نتایج پژوهش‌ها و ارزیابی‌ها باید راهنمای سیاست‌ها و توسعه برنامه‌ها باشد.

و. شرط استثنا

هیچ چیز در این اصول بنیادین رافع هیچ‌یک از حقوق بزه‌کار یا قربانی که در قوانین ملی یا قوانین قابل اجرای بین‌المللی برقرار شده‌اند، نخواهد بود.

پیوست ۳

اختلاف نظرها و عدم توافقها پیرامون ویژگی‌های اساسی یک برنامه عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی یک مفهوم در حال رشد است. برداشت مردم از آن در طول زمان تغییر کرده و این تغییر، همراه با افزایش آگاهی از توانایی‌های بالقوه و مخاطرات آن و به کار گرفتن آن در چارچوب‌های جدید، احتمالاً ادامه خواهد داشت. عدالت ترمیمی مفهومی است که فهمیدن آن آسان، اما توضیح دقیق آن مشکل است. از این لحاظ به واژه‌های آشنای دیگر مثل «دمکراسی» و حتی «عدالت» شباهت دارد.

هرچند بعضی از ناظرین بر تفاوت‌های موجود بین اصول بنیادین عدالت ترمیمی و اصول بنیادین نظام عدالت کیفری متعارف تاکید دارند، ناظران دیگری معتقدند که این دو نگرش مکمل یکدیگر و با هم سازگارند و عناصر مجازات، اصلاح و همچنین عناصر منحصر به فرد دیگری را در هم ادغام می‌کنند.

با گذشت زمان عقاید و نگرش‌های مختلف دیگری هم درباره ماهیت عدالت ترمیمی ظهور کرده‌اند. همه این‌ها به آسیب‌زایی و نیاز آفرینی جرم معترفند و معتقدند که عدالت باید برای ترمیم آسیب‌ها و رفع نیازها بکوشد. همچنین قبول دارند که آسیب‌ها و نیازها به شکل‌های مختلف مادی، احساسی، اجتماعی، رابطه‌ای، فیزیکی و غیره پدیدار می‌شوند. لیکن، از لحاظ تاکید تفاوت دارند. آگاه بودن از تفاوت‌ها برای دوری از سردرگمی توسط برخی اندیشه‌های متعارض و گاه مخالف مفید است.

برداشت دیگری هم هست که نگرش مواجهه نامیده شده است.^{۹۸} این نگرش روی جنبه منحصر به فرد عدالت ترمیمی، که عبارت است از ملاقات طرفین با یکدیگر برای بحث در باره جرم، عواقب

۹۸- این مطالب از جانسون، جی و دی وان نس (۲۰۰۶) اقتباس شده است. معنای عدالت ترمیمی در کتاب راهنمای عدالت ترمیمی، جی و دی وان نس. کولومپتون: انتشارات ویلان.

پس از آن، و چه باید کرد که همه چیز اصلاح شود تمرکز دارد. این‌ها همان اصول بنیادین سازمان ملل در استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری هستند و این کتاب با عنوان فرآیندهای ترمیمی به آنها اشاره می‌کند.

اشخاصی که در زمینه این نگرش‌ها کار می‌کنند ممکن است معتقد باشند که حتی می‌شود از فرآیند ترمیمی در جایی که جرمی واقع نشده، مثلاً وقتی که همسایگان اختلافی دارند و یا یک خانواده می‌خواهد مسئله‌ای را حل کند، استفاده کرد.

تفکر دومی هم هست که نگرش اصلاحی خوانده شده است. این نگرش بر نیاز به ترمیم آسیب تمرکز دارد. کسانی که روی این نگرش کار می‌کنند معتقدند که عملی کردن این تفکر در یک فرآیند ترمیمی به بهترین نحو امکان پذیر است، اما به دنبال یافتن راه‌های دیگری هم برای جبران آسیب‌ها، حتی در غیاب فرآیندهای ترمیمی، هستند (مثلاً هنگامی که بزه کار دستگیر نشده یا قربانی نمی‌خواهد در فرآیند شرکت کند).

اندیشه سوم نگرش دگرگون کننده نام گرفته است. دیدگاه این نگرش از همه وسیع تر است و نه تنها فرآیند ترمیمی را در بر می‌گیرد و برای جبران آسیب قدم بر می‌دارد، بلکه توجه‌ها را به بی‌عدالتی‌های ساختاری و فردی نیز جلب می‌کند. این کار را از طریق شناسایی و تلاش برای رفع علل زیربنایی جرم (فقر، بی‌کاری، و غیره) انجام می‌دهد. در عین حال، افراد را هم وادار می‌کند که اصول فرآیندهای عدالت ترمیمی را به گونه‌ای که با پیرامون آنها مناسبت دارد به کار برند. این نگرش حتی ضمن خواستار شدن دگرگونی بیرونی در اجتماع می‌تواند نوعی دگرگونی روحی درونی ایجاد کند.

تک تک این نگرش‌ها به نیاز به فرآیندهای ترمیمی و به ارزش آنها اذعان دارند، اما در عین حال جنبه‌هایی در آنها هست که ممکن است در اندیشه‌های دیگر ترمیمی پنداشته نشوند. مثلاً، می‌توان به رد مال به‌دستور دادگاه، استفاده از فرآیند ترمیمی برای حل مخاصمه همسایگان، تامین حمایت و مساعدت برای قربانیان، و کار برای عدالت اجتماعی اشاره کرد.

حرف و حدیث‌های دیگری هم در زمینه عدالت ترمیمی هست:

۱. آیا در عدالت ترمیمی نقشی برای مجازات هست؟ برخی معتقدند که نیست، چون غرض عدالت ترمیمی ترمیم آسیب است، نه ایجاد آسیب بیشتر. دیگران ضمن موافقت با این نقش معتقدند که فرآیندهای ترمیمی و دست‌آوردهای آن، مثل تسبیح رفتاری که از هنجارهای اجتماعی تخطی می‌کند و یا وادار کردن به پرداختن بهایی برای چنین عملی، دارای بسیاری از جنبه‌های مجازات است.

۲. آیا خدمات حمایت از قربانی و برنامه‌های ادغام مجدد بزه کار در جامعه عدالت ترمیمی هستند؟ اگر آنها شامل یک برنامه ترمیمی نمی‌شوند، کسانی که اعتقاد مخالف دارند خواهند گفت آنها با این که خدمات مهم و با ارزشی هستند، اما عدالت ترمیمی نیستند. کسانی که با تکیه به دو مفهوم دیگر کار می‌کنند به احتمال قوی خواهند گفت آنها واقعا ترمیمی‌اند.

۳. اگر یک بزه کار یا یک قربانی نخواهد در فرآیند ترمیمی شرکت کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ راه‌های متنوعی برای امکان شرکت یک طرف وجود دارد. آشکارترین راه این است که این کار شخصا انجام شود، اما گاهی آنها به‌طور غیر مستقیم شرکت می‌کنند، مثلا از راه فرستادن یک نماینده یا با نوشتن نظرات خود یا از بعضی راه‌های دیگر. اما اگر علاقه‌ای به شرکت ندارند و یا حتی از راه‌های غیر مستقیم هم نمی‌توانند استفاده کنند، آنها که با تکیه به شیوه مواجهه فعالیت می‌کنند نتیجه‌گیری خواهند کرد که پاسخ ترمیمی مناسبی وجود ندارد. آنان که با دو راهکار دیگر کار می‌کنند به دنبال گزینه‌های اصلاحی دیگری خواهند بود، مثلا گزینه‌هایی که در پاراگراف ۲ ذکر شدند و یا امکان دعوت از قربانی‌ها برای بحث با بزه کاران بی‌ارتباط با پرونده خودشان درباره مطالب کلی مربوط به جرم و عدالت.

۴. آیا در جهان ناعادلانه می‌توان عدالت ترمیمی داشت؟ بعضی از مردم قربانیان دراز مدت بی‌عدالتی سیستمی هستند؛ آیا این انصاف است که آنها را بدون برداشتن قدم‌های قابل توجه برای رسیدگی به بی‌عدالتی‌های اساسی مسئول ارتکاب احتمالی اعمال ناعادلانه فردی خودشان دانست؟ کسانی که با نگرش دگرگون کننده کار می‌کنند خواهند گفت که عادلانه نیست و باید با بی‌عدالتی سیستمی مثل بی‌عدالتی‌های انفرادی مقابله کرد. کسانی که با دو نگرش دیگر کار می‌کنند، با وجود نگرانی از بی‌عدالتی سیستمی، نتیجه‌گیری نخواهند کرد که عدالت ترمیمی در این کار اجبار دارد.

در نهایت، دقت در باره ادبیات و واژه شناسی عدالت ترمیمی مشخص می‌کند همان گونه که واژه عدالت ترمیمی معانی مختلفی دارد، نام‌های برنامه‌ها- مثل میانجی‌گری بین قربانیان و بزه کاران، همایش و حلقه‌ها- هم معانی مختلفی دارند. مثلا نام «میانجی‌گری بین قربانی و بزه کار» برای تعریف ملاقات‌های بین قربانی و بزه کار با همکاری یک تسهیل‌گر به کار می‌رود، اما این نام برای تعریف نوعی «دیپلماسی رفت و برگشت» که در آن طرفین یکدیگر را ملاقات نمی‌کنند و تسهیل‌گر برای مذاکره و رسیدن به توافق در رفت و آمد بین آنها است هم استفاده می‌شود. دلایل این اختلافات اغلب به تاریخ یک برنامه خاص مربوط است، اما این‌ها به هر حال اتفاق افتاده‌اند؛ طرح چند پرسش برای فهم این که یک برنامه دقیقا چگونه کار می‌کند همیشه فکر خوبی است.

در این باره و همچنین درباره سایر حرف و حدیث‌ها بسیار گفته و نوشته شده است و زمانی خواهد رسید که درک کامل‌تر آنها مفید و مهم خواهد بود. تا آن زمان، منابع موجود در پیوست یک بهترین نقطه برای شروع خواهد بود.

كيفية الحصول على منشورات الأمم المتحدة
يمكن الحصول على منشورات الأمم المتحدة من المكتبات ودور التوزيع في جميع أنحاء العالم. استعلم
عنها من المكتبة التي تتعامل معها أو اكتب إلى: الأمم المتحدة، قسم البيع في نيويورك أو في جنيف.

如何购取联合国出版物

联合国出版物在全世界各地的书店和经售处均有发售。 请向书店询问或写信到纽约或日内瓦的联合国销售组。

HOW TO OBTAIN UNITED NATIONS PUBLICATIONS

United Nations publications may be obtained from bookstores and distributors throughout the world. Consult your bookstore or write to: United Nations, Sales Section, New York or Geneva.

COMMENT SE PROCURER LES PUBLICATIONS DES NATIONS UNIES

Les publications des Nations Unies sont en vente dans les librairies et les agences dépositaires du monde entier. Informez-vous auprès de votre libraire ou adressez-vous à: Nations Unies, Section des ventes, New York ou Genève.

КАК ПОЛУЧИТЬ ИЗДАНИЯ ОРГАНИЗАЦИИ ОБЪЕДИНЕННЫХ НАЦИЙ

Издания Организации Объединенных Наций можно купить в книжных магазинах и агентствах во всех районах мира. Наводите справки об изданиях в вашем книжном магазине или пишите по адресу: Организация Объединенных Наций, Секция по продаже изданий, Нью-Йорк или Женева.

CÓMO CONSEGUIR PUBLICACIONES DE LAS NACIONES UNIDAS

Las publicaciones de las Naciones Unidas están en venta en librerías y casas distribuidoras en todas partes del mundo. Consulte a su librero o diríjase a: Naciones Unidas, Sección de Ventas, Nueva York o Ginebra.



UNITED NATIONS
Office on Drugs and Crime

unicef 
unite for children



Handbook on
Restorative
justice programmes